

آموزشی ابتداری



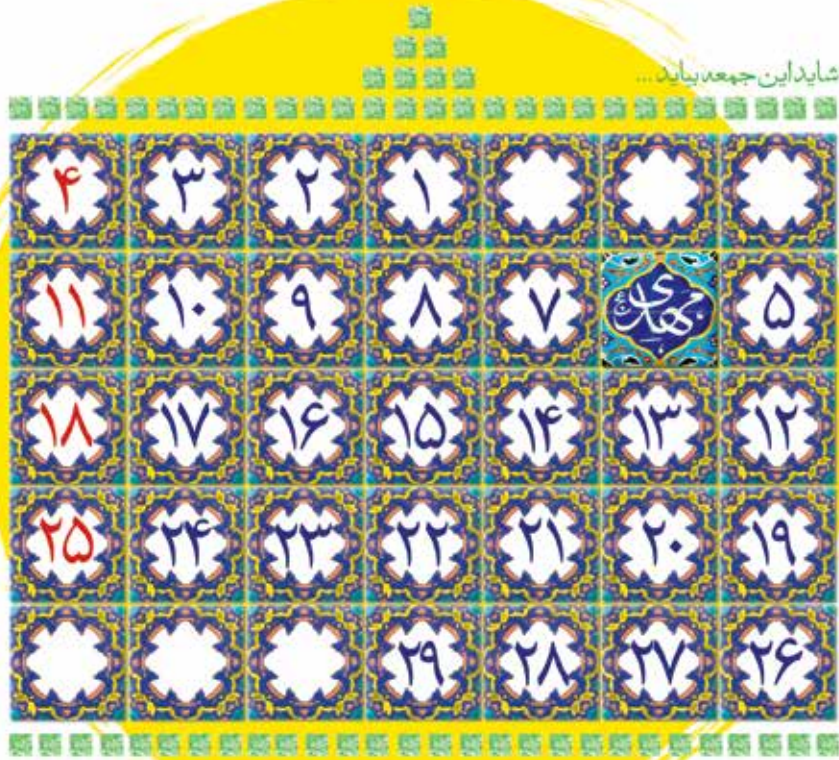
وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای آموزگاران، دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست و هفتم | اسفند ماه ۱۴۰۲ | شماره‌ی بی‌دری ۴۸ | ۲۹ صفحه
www.roshdmag.ir

مدرسه؛ خانه‌ی دوم



شاید این جمع نباید ...



ما محمد بن حسن طهرانی
عزله

آموزشی ابتدایی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

خانواده‌ی مجلات رشد هم‌هی تلاش خود را کرده است تا این مجله در دسترس‌ترین عموم جامعه‌ی آموزشی و تربیتی کشور قرار گیرد و همه‌ی مخاطبان در میهن عزیز اسلامی‌مان امکان تهیه‌ی آن را داشته باشند.

قیمت ۱۱۰۰۰ ریال



nazar.roshdmag.ir



برگه‌ی اشتراک مجله

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای آموزگاران، دانشجویان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست‌وهفتم | اسفندماه ۱۴۰۲ | شماره‌ی بی‌دری ۲۱۹ | ۴۸ صفحه
www.roshdmag.ir

بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجه

مدیر مسئول: محمد صالح مدنی
سر‌دبیر: مهدی رضایی
شورای برنامه‌ریزی: دکتر فاطمه وجدانی، دکتر معصومه فرحوش،
مریم پراکنده، امیر ذوقی، محمد سبحانی
مدیر داخلی: مریم شهرآبادی
ویراستار: زهرا نظام‌الدینی
مدیر هنری: کوروش پارسائزاد
طراح گرافیک: وحیدحقی
دبیر عکس: اعظم لاریجانی
تصویرگر: حسین یوزباشی
نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰
تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸ - ۲۱ (داخلی ۵۱۱)
۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۲۱ (داخلی ۵۱۱)
نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱
وبگاه: www.roshdmag.ir
پیام‌رسان شاد: @roshd_amoozesh_ebtadaei
رایانامه: ebtedayi@roshdmag.ir
چاپ و توزیع: شرکت افست
صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۲۳۳۱
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۶۳۰۸ - ۲۱

فهرست

- ۲ عید و مهمانی و مدرسه! | مهدی رضایی
- ۳ خدازاده | حمید توانا

آموزش

- ۴ تقویم | فاطمه نوروزی
- ۶ آموزش سوره‌ی حمد به دانش‌آموزان پایه‌ی اول | مریم خدادادی
- ۸ نوآوری در ارائه‌ی تکلیف | مرتضی مجدفر
- ۱۱ چگونه یادگیری تلقینی را اثر بخش کنیم؟ | مریم رحیمی
- ۱۴ زیبایی، نشاط، یادگیری | مرضیه قوهستانی
- ۱۶ دورهمی به صرف پویانمایی | زهرا لاهوتی فرد
- ۱۸ ده عامل مؤثر در ایجاد انگیزه | زهرا آقالشرفی
- ۲۰ ما یا دوستی‌ها مدرسه می‌سازیم! | دکتر سارا سلیمی‌نمین، دکتر آمنه سلیمی‌نمین
- ۲۲ تولید محتوا در آزمایشگاه مجازی | زارمن بولید سن‌ونسان
- ۲۴ کتاب‌بازی‌های کلاس ما | محمد سبحانی

در کلاس

- ۲۸ یا سکوت احساس راحتی کنید | سیدعلی عبداللهی حسینی، دکتر عذرا بیگم هژبری
- ۳۰ پنج وظیفه‌ی راهبران آموزشی | رضا شبیانی فر
- ۳۲ موانع | اعظم لاریجانی
- ۳۴ ماه مبارک تمام‌ساختی | فاطمه شیخ‌محسنی، مجتبی محرابی
- ۳۶ گل‌های موج | فاطمه قاسمی، مهوش افروغ
- ۳۸ دنیایی از تنوع و زیبایی | سمانه یغماییان
- ۴۰ او قهرمان است! | سید محمد فاطمی

تجربه

- ۴۲ مدرسه‌ی پرندگان | امیرمحمد خاکی گودرزی
- ۴۴ همراهِ بارش | محمد رضا رشیدی
- ۴۶ بابا نبود، دل لری زد | مریم رسولی
- ۴۸ مردان کوچک | پروانه پهنمی

قابل توجه نویسندگان و مترجمان، مقاله‌ی که برای درج در مجله می‌فرستید، با اهداف و رویکردهای آموزشی-تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشد. قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. در حد ۱۰۰۰ کلمه و خلاصه‌ی علمی-آموزشی باشد. روان و نظر دستور زبان فارسی درست باشد. چکیده داشته باشد یا هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عنوان و آثار وی پیوست شود. اگر ترجمه است، متن اصلی نیز همراه آن باشد. ذکر این نکته ضروری است. مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌ی رسیده مختار است. آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.



مفاهیم با تکرار در ذهن ماندگار می‌شوند. هرچه تکرار یک مفهوم بیشتر باشد، ماندگاری و عمق بیشتری هم خواهد داشت. «مدرسه» یکی از این مفاهیم ماندگار است. همه از مدرسه خاطراتی دارند، اما مفهوم این واژه برای ما آموزگاران احتمالاً جزو عمیق‌ترین مفاهیم‌هاست؛ مدرسه محل درس است و زندگی و کار و احساسات و آموختن از دیگران و آموختن به دیگران و... مدرسه خانه‌ی دوم همه‌ی ماست و بستر تربیت نسل آینده که هر کدام سرمایه‌ی زندگی خانواده‌ی را تشکیل می‌دهند. جامعه عزیزترین سرمایه‌ی خود را به‌منظور آماده‌شدن برای ساخت آینده به مدرسه سپرده و همین رسالت بر نشان دادن اهمیت مدرسه کافی است.

عید نوروز و سنت‌های ما ایرانیان در پاسداشت این عید سبب شده است که همیشه اسفند پرکاری داشته باشیم. آمدن سال جدید را مثل آمدن مهمان عزیز گرمی می‌داریم و برایش لحظه‌شماری می‌کنیم. همین مفهوم نزدیکی عید و لحظه‌های آخر سال به‌مرور چنان در لوح دل‌مان نقش بسته که حتی تصور شوق‌انگیز است، چه برسد به اینکه همیشه برنامه‌هایی هم داریم؛ مثل چیدن سفره‌ی هفت‌سین در مدرسه و آماده کردن محتوای آموزشی برای عید و...

امسال این تقارن، مهمان دیگری هم دارد و آن هم ماه مبارک رمضان است و ماه مهمانی خداوند. ایام ماه مبارک هم همیشه حس خوب مهربانی و بندگی را به همراه دارد و در نتیجه عجب اسفندی در پیش داریم!

در این شماره از رشد آموزش ابتدایی نگاهی به مدرسه داشتیم و کمی در مورد فضای مدرسه و اقداماتی که حول این فضا صورت می‌گیرد، سخن گفتیم و میزبان تجربه‌های همکاران محترم بودیم. الان، این شماره در پیش روی شماست. امیدواریم همراه خوبی برای اسفندماه شما باشیم. مشارکت معلمان محترم در تولید نشریه همچنان فزاینده است. خرسندیم که هر شماره در خدمت همکاری از استان‌های گوناگون کشور عزیزمان هستیم. در نقشه‌ی ایران، در صفحه‌ی شناسنامه‌ی نشریه، استان‌های همکار هر شماره مشخص شده‌اند. اگر احساس می‌کنید جای استان شما در این نقشه خالی است، قلم در دست بگیرید و برای ما از تجربه‌ها و نظرات خود در مورد موضوعات مرتبط با آموزش ابتدایی بنویسید و به نشانی دفتر مجله بفرستید. امیدواریم در شماره‌های بعدی شاهد مطالب ارزشمند شما همکار گرمی هم باشیم.

در روزهایی که همه به‌دنبال فراهم آوردن مقدمات حضور در مهمانی خداوند و البته آغاز سال نو هستیم، فراموش نمی‌کنیم که برادران و خواهران ما در فلسطین، زیر ستم رژیم اشغالگر و کودک‌کش صهیونیستی، ایستاده و درس مقاومت تا پیروزی را برای جهانیان به نمایش گذارده‌اند. بی‌شک این چنین ایستادگی‌ها در ادامه‌ی انقلاب شکوهمندی است که اسلام عزیز ابتدا در قلب مؤمنان و سپس در کشور ایران رقم زده و باعث دمیدن نور امید در قلب تمام مستضعفان عالم شده است. به امید پیروزی نهایی جبهه‌ی حق بر باطل!

عید و مهمانی و مدرسه!



مهدی رضایی

بر او علم یک ذره پوشیده نیست
که پیدا و پنهان به نزدش یکی‌ست
مهیاکن روزی مار و مور
اگر چند بی‌دست‌وپای‌اند و زور
به امرش وجود از عدم نقش بست
که داند جز او کردن از نیست، هست
سعدی

۱. «اقتصاد، معیشت و عدالت»؛ این بخش از فساد اداری دوران محمدرضا شاه و آشفتگی اوضاع آن زمان سخن می‌گوید.

۲. «بر خورداری‌های عمومی»؛ این بخش نیز درباره‌ی اوضاع بهداشت و سواد و به‌طور کلی امکانات عمومی زمان پهلوی بحث می‌کند.

۳. «آزادی»؛ در این قسمت، به موضوعاتی مثل استبداد، سلب آزادی، انتخابات و ساواک پرداخته می‌شود.

۴. «ظلم به افراد»؛ این بخش از ظلم و ستم و جنایاتی که سلسله‌ی پهلوی در حق مردم، به‌خصوص طبقه‌ی کارگر و کشاورز، روا داشته‌اند، سخن می‌گوید.

۵. «دین و معنویت»؛ مبارزاتی که محمدرضا شاه با دین داشته است و آنچه به نابودی فرهنگ ایرانی می‌انجامید، در این بخش آمده است.

۶. «بیگانگان، حکومت و مردم»؛ این قسمت از کتاب به نداشتن استقلال و وابستگی شاه به کشورهای غربی و آمریکا و چگونگی روابط او با آن‌ها اشاره می‌کند.

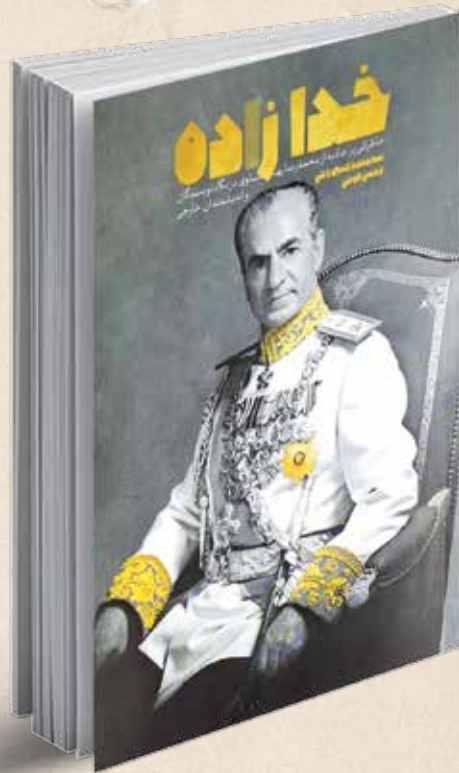
۷. «شخصیت‌های دربار»؛ این بخش به معرفی شخصیت‌های دربار و نزدیکان محمدرضا شاه می‌پردازد.

۸. «فساد اخلاقی»؛ تهیه‌کنندگان کتاب در این قسمت درباره‌ی فساد اخلاقی شاه و درباریان و نوع نگاه آن‌ها به زن سخن می‌گویند.

۹. «انقلاب اسلامی»؛ بخش آخر کتاب مربوط به دستاوردهای انقلاب اسلامی است. البته این کتاب، جلد دوم کتاب خود خداست. کتاب خود خدا نیز دوران پهلوی اول را با تکیه بر منابع لاتین بررسی می‌کند.

در قسمتی از کتاب *خدازاده* می‌خوانیم: «رأبرت گراهام، خبرنگار سابق روزنامه‌ی فایننشال تایمز، در کتاب *ایران؛ سراب قدرت* می‌نویسد:

«نظام آموزش عالی که شاید مهم‌ترین سرمایه‌ی آینده‌ی مملکت است، تعدماً به‌خاطر امنیت شخص شاه قربانی شده بود. یادگیری فقط تا آنجا تحمل می‌شد که برای رژیم خطری نداشته باشد؛ به همین ترتیب، تجدید حیات فرهنگی ایران هم ظاهراً اولویت بالایی داشت، اما فقط نویسندگان، هنرمندان و فیلم‌سازانی را تحمل می‌کردند و می‌پذیرفتند که خدمتگزار رژیم باشند.»



نماد غرور و تکبر

حمید توانا

فعال حوزه‌ی تعلیم و تربیت برهان



نویسندگان خارجی برویم تا بدانیم نگاه این افراد به دوران قبل از انقلاب اسلامی به چه صورتی بوده است.

«اندیشکده‌ی راهبردی سِعداء» با همت سیدمحمدحسین راجی و محسن فوجی کتابی با عنوان *خدازاده* تدوین کرده است. در این کتاب تلاش می‌شود، در راستای مقابله با تحریف تاریخ، با تکیه بر منابع متعدد لاتین، روایتی بی‌طرفانه و مستند از شیوه‌ی حکومت‌داری پهلوی دوم (محمدرضا) بیان شود. کتاب *خدازاده* برای انعکاس هرچه بهتر این دوران، کتاب‌های ذی‌نقدان در دربار محمدرضا یا نمایندگان دولت‌های خارجی در ایران و استادان غیرهمسو با جمهوری اسلامی را بررسی می‌کند و پس از آن، به جمع‌آوری گزارش آنان در بین ده‌ها کتاب معتبر لاتین، که در خارج از کشور چاپ شده است، می‌پردازد.

این کتاب شامل نُه فصل است که عبارت‌اند از:

همواره در کلاس‌های درس و فضای مدرسه بحث و گفت‌وگوهایی، راجع به حکومت پهلوی، بین دانش‌آموزان و معلمان در جریان است. گاهی دانش‌آموزان داده‌ها و اطلاعاتی را در مدرسه بیان می‌کنند که نشان از تلاش عده‌ای برای تاریخ‌سازی و تطهیر عملکرد دوران پهلوی دارد. در صورتی که حکومت پهلوی یکی از سیاه‌ترین دوران تاریخ ایران است. شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی نیز برای ارائه‌ی اطلاعاتی غلط از این دوران تلاش وافر می‌کنند تا بتوانند تاریخ را برای نسل جدید به‌گونه‌ی دیگری روایت کنند. بیان تاریخ برای این نسل زمانی سخت‌تر می‌شود که بعضی از آن‌ها گمان کنند جمهوری اسلامی در حال سیاه‌نمایی دوران پهلوی است. بنابراین برای روایت بهتر این برهه از تاریخ کشور می‌توانیم به سراغ اندیشمندان و

معلم تمدن ساز

فاطمه نوروزی



معلم شهیده فاطمه نوروزی
از شهدای فاجعه تروریستی کرمان، دی ماه ۱۴۰۲



نبرد تمام نشدنی



ظهور آغاز حرکت انسان

معلمان؛ افسران سپاه پیشرفت کشور

اگر بپذیریم همواره در صحنه‌ی نبرد با دشمن قرار داریم و لحظه‌ای غفلت، به ازدست‌دادن سنگرهای مهم می‌انجامد، باید اذعان کنیم که افسران جنگ نرم، در این میدان، برایمان در حکم فرماندهان سپاه پیشرفت کشور خواهند بود. سرعت این مبارزه آن قدر بالاست که نمی‌توان لحظه‌ای غفلت کرد. افسران جوان، در این عرصه، برای اینکه عنصری فعال و اثرگذار در سرنوشت کشور باشند، ضروری است به چند سلاح مجهز شوند:

۱. تهذیب و خودسازی: آنکه در این مبارزه وارد می‌شود، لازم است برای تقویت روح و قلب خود، ارتباط قلبی و عملی‌اش را با خالق خود و حجت خدا روی زمین مستحکم سازد. در امتداد طولی این رابطه نیز ارتباط با ولی جامعه که در جایگاه نائب امام عصر (عج) قرار دارد، تعریف می‌شود. این شرط از شئون عاقبت‌به‌خیری است که در وصیت‌نامه‌ی سردار دل‌ها، شهید حاج قاسم سلیمانی، روی آن تأکید بسیار شده است.

۲. توجه و دقت نظر به میدان جهاد: افسر جنگ نرم باید به تحرکات دشمن و برنامه‌ریزی راهبردی و عملیاتی ناظر به طراحی‌های میدانی توجه داشته باشد. همچنین ابزار و ادوات ویژه‌ی این جنگ و استفاده‌ی بهینه و به‌موقع از آن ابزارها را به‌خوبی بشناسد. توجه به این موارد نشان از آگاهی و رشد هوش میدانی وی دارد.

۳. حفظ روحیه‌ی نشاط و انگیزه برای مبارزه در هر لحظه: این مسئله نیازمند حفظ اتصال به منابع معنوی است. اگر در عرصه‌ی جنگ نرم بخواهیم موفق شویم، باید در میدان مبارزه‌ی دائمی با نفس پیروز میدان باشیم.

۴. نگاه رو به آینده و مرزهای پیش‌رو: متوقف‌نماندن در گذشته و عملکرد بهتر در حال، بر اساس تکلیف‌ها و مسئولیت‌هایی که بر دوش داریم، یکی از عوامل حرکت رو به پیشرفت است که لازم است هر افسری در کوله‌اش داشته باشد.

بیشتر مناسبت‌های اسفندماه تمام عوامل امیدآفرینی و انگیزه‌بخشی را در خود جای داده‌اند. مناجات شعبانیه در روزهای پربرکت ماه شعبان تسکین‌دهنده‌ی روح و رشددهنده‌ی آن است. نیمه‌ی مبارک شعبان، علاوه بر جشن و نشاط بزرگ میلاد موعود منتظر و منجی وعده‌داده شده، دعا و شب‌زنده‌داری باشکوهی دارد که روح را لطافت و قلب را قوت می‌بخشد.

روز امور تربیتی و تربیت اسلامی روزی است که به همت شهیدان رجایی و باهنر شکل گرفته است. این روز بهانه‌ای است که به ما یادآوری کند بقای ارزش‌های اسلامی و دستاوردهای انقلاب اسلامی مستلزم آن

است که مجموعه‌ی باورها، ارزش‌ها و رفتارهای فرهنگ انقلابی در کنار مهارت‌های فنی به نسل‌های جدید انتقال یابد.

مأموریت من در این دنیای پر نعمت و پر ظلمت، اما گذرا

در جایگاه معلم باید به این نکته توجه داشته باشیم که نعمت تربیت و پرورش انسان‌هایی رزقمان شده است که برای رشد و پیشرفت در همه‌ی عرصه‌ها و آماده‌شدن برای تحولات وسیع و عمیق اجتماعی، بخشی از عمر باارزش خود را با ما خواهند گذراند. پس بر ماست که بیندیشیم چه برنامه‌ای برای آینده‌سازان ایران اسلامی داریم؟ در این سیر تربیتی، چه دستاوردی از ما انتظار می‌رود؟ اگر گمان کنیم همه‌ی کنش‌ها و واکنش‌ها به ما وابسته است، برای هر قدم خود چه تدبیری اندیشیده‌ایم که اثرگذاری‌مان روی آدم‌ها و اتفاقات به‌شکل مطلوبی رقم بخورد؟

این روزها حال دنیای منتظر اصلاً خوب نیست. دنیایی که انتظار منجی را می‌کشد و هر لحظه فشارها و مصائب بر روح و جانش بیشتر می‌شود. در غزه تحولاتی علیه طاغوت زمان در جریان است که می‌تواند نکته‌ی کانونی تقابل حق و باطل باشد. می‌تواند نشان‌دهنده‌ی معیار و سنجه‌ی تشخیص آدم‌ها در برابر حق یا باطل و نشان‌دهنده‌ی رشد اجتماعی و سیاسی آن‌ها در بستر باورها و اعتقادات و شعور انسانی باشد.

به میزان حمایت، همراهی یا بی‌تفاوتی به این اتفاق مهم و بزرگ، ابتدا به خودمان و سپس به امام منتظرمان شناسانده می‌شویم و در می‌یابیم که در وقت ظهور ایشان و تقابل حق و باطل تا چه اندازه ظرفیت داریم که طرف حق بایستیم یا با بی‌طرفی و کنارنشستن، به قدرت گرفتن باطل کمک کنیم!

با ایجاد و حفظ چنین روحیه‌ی حق‌طلبانه‌ی و مقاومت در برابر ظلم طاغوت‌های زمان، آمریکای جنایتکار و رژیم صهیونیستی خونخوار، می‌توان نسلی تربیت کرد که به مصائب حال دنیای اسلام، به مثابه آزمونی می‌نگرد که موفقیت در آن، باعث سربلندی او خواهد بود. نسلی که مصداق کوچک این روحیه‌ی همکاری و درمیدان‌بودن را در روزهای نیکوکاری و درخت‌کاری لمس می‌کند.

این نسل با الگوگیری از دفاع مقدس و شهدا، به وقت ظهور امام عصر(عج)، تمام دارایی‌های وجودی‌اش را جمع می‌کند و از قدرت‌های پوشالی هراسی به دل راه نمی‌دهد. این چنین نسلی می‌تواند به‌وجودآورنده‌ی تمدن نوین اسلامی باشد و خصوصیت‌هایی که رهبر معظم انقلاب از آن برمی‌شمارند، در وجود او دیده می‌شود.



«باید یک ملت بتواند در مقابل زورگویی‌ها مقاومت بکند؛ این را باید از بچگی یاد بگیریم. این از جوانی باید در ما نهادینه بشود. یا ارزش بر خورداری از اعتمادبه‌نفس؛ این‌ها چیزهایی است که لازم است و باید انجام بگیرد. با این‌ها آن وقت آن نسل سازنده‌ی تمدن به وجود می‌آید؛ نسلی به وجود می‌آید که می‌تواند ملت را عزتمند کند، کشور را عزتمند کند. همه‌ی این‌ها در مدرسه انجام می‌گیرد. ارزش معلم را شما ببینید. آموزش و پرورش متصدی چنین کاری است؛ به خاطر همین خصوصیات، وزارت آموزش و پرورش را با هیچ وزارتخانه‌ی دیگری نمی‌شود مقایسه کرد.»

(بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار معلمان، ۱۴۰۲/۲/۲۱).



مهم‌ترین مناسبت‌های اسفند ۱۴۰۲

- ۲ اسفند؛ ولادت علی اکبر، علیه‌السلام، و روز جوان.
- ۶ اسفند؛ ولادت حضرت قائم(عج) و جشن نیمه‌ی شعبان.
- ۲۹ اسفند؛ روز ملی‌شدن صنعت نفت ایران.

آموزشی
ابتدایی

اسفندماه

دوره‌ی بیست و هفتم

شماره‌ی ۶ / ۱۴۰۲



آموزش سوره‌ی حمد به دانش‌آموزان پایه‌ی اول

مریم خدادادی

مسئول کارگروه مدرسه‌دانشجویی قرآن و

عترت (ع)

در شماره‌ی قبل، در مقاله‌ی «پایه‌پایه با قرآن»، با برنامه‌ی پیشنهادی فهم قرآن برای آموزش همه‌ی سوره‌های جزء سی، در طول دوره‌ی ابتدایی، آشنا شدیم. این برنامه با آموزش سوره‌ی مبارکه‌ی حمد به کلاس اولی‌ها آغاز می‌شود. در این مقاله قصد داریم با چگونگی آموزش این سوره به دانش‌آموزان پایه‌ی اول آشنا شویم.

برای آموزش هر سوره، به‌طور مستمر و حدوداً یک ماه، دانش‌آموزان را با متن عربی آیات آن سوره مواجه می‌کنیم. در کنار این امر، پیامی از سوره را نیز به آن‌ها انتقال می‌دهیم. طی این استمرار در آموزش، پیام سوره همانند یک بذر در وجود دانش‌آموزان کاشته می‌شود و کم‌کم جوانه می‌زند و در موقعیت‌های گوناگون مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

پیامی که از سوره‌ی حمد به دانش‌آموزان یاد می‌دهیم، دیدن زیبایی‌ها و تحسین آن‌هاست که بیان ساده‌ای از مفهوم «حمد» است. به بچه‌ها می‌گوییم: «دنیا پر از زیبایی است؛ ما باید سعی کنیم زیبایی‌ها را ببینیم و هر وقت یک زیبایی دیدیم، آن را تحسین کنیم.» طی یک ماه، فقط باید روی همین مفهوم تأکید کنیم.

اگر خودمان زیبایی‌ها و رفتارهای زیبای بچه‌ها را ببینیم و تحسین کنیم، بچه‌ها نیز

دیدن و ستودن زیبایی‌ها را یاد می‌گیرند. کودکان در اثر چنین ارتباطی با سوره‌ی حمد زیبایی‌تر می‌شوند و به زیبایی‌ها بیش‌ازپیش توجه می‌کنند. آن‌ها بعد از این آموزش ابرازی همراه با ستایش و تحسین خواهند داشت. بچه‌ها همچنین به‌واسطه‌ی توجه به زیبایی‌ها، احساس بهتری پیدا می‌کنند و خوش‌حال‌تر خواهند بود.

برای آموزش سوره‌ی حمد و رشد دانش‌آموزان به‌واسطه‌ی ارتباط با این سوره، مهم است که ابتدا خودمان باور داشته باشیم که در محضر سوره‌ی حمد هستیم و این احساس را به دانش‌آموزان هم منتقل کنیم. بدین منظور این کارها پیشنهاد می‌شود:

- با کمک دانش‌آموزان کاردستی‌هایی بسازیم و همراه با نام سوره و متن آن به دیوار کلاس نصب کنیم؛ مثلاً کاردستی یک فرش یا زیرانداز، برای مهمانی سوره یا تهیه‌ی کاردستی یک چتر، برای رفتن زیر چتر سوره و...

- نام سوره را با خط خوش روی کاردستی یا روی کاغذ یا مقوای رنگی بنویسیم و دورتر کنیم و روی کاردستی بچسبانیم، طوری که بشود این نام را جدا کرد و نام سوره‌ی بعدی را قرار داد یا کاردستی را طوری طراحی کنیم که بشود نام سوره‌های جدید را به نام سوره‌های قبلی اضافه کرد.

- متن سوره‌ی مبارکه را نیز به دیوار کلاس نصب کنیم تا همیشه جلوی چشم باشد. البته بچه‌ها سواد خواندن ندارند؛ اما خوب است متن سوره را نیز در کلاس نصب کنیم.

- نشانی از سوره را در قالب لوازم جانبی مثل سنجاقی (پیکسل) روی روپوش یا کیف بچه‌ها نصب کنیم.

همان‌طور که می‌دانیم اصلی‌ترین کار در آموزش سوره، خواندن سوره در فضایی شاد، امن، آرام و پر نشاط است. در کنار خواندن سوره، پیام سوره را هم آموزش می‌دهیم. پس در طول همراهی با سوره‌ی حمد، آن را می‌خوانیم؛ هر روز و در فضایی با نشاط و به شیوه‌های گوناگونی که مورد علاقه‌ی بچه‌های

کلاس‌مان است.

تکرار خواندن سوره علاوه بر القای حس حضور باعث می‌شود بچه‌ها با آن انس بگیرند و به تدریج بتوانند سوره را از حفظ بخوانند. هر چند خیلی از دانش‌آموزان از قبل، سوره‌ی حمد را حفظ هستند. خوب است توجه داشته باشیم که بیشترین تأثیر را بر رشد دانش‌آموزان همین خواندن سوره خواهد داشت. بهترین نوع خواندن سوره هم‌خوانی است. پس سعی می‌کنیم به تدریج و در سریع‌ترین حالت ممکن دانش‌آموزان را برای این نوع خواندن آماده کنیم

خواندن سوره‌ی حمد زمان زیادی از کلاس ما نمی‌گیرد و می‌تواند در موقعیت‌های متعدد مانند شروع یا پایان کلاس یا زمانی که با زیبایی مواجه می‌شویم، انجام شود. مهم این است که سعی کنیم خواندن سوره، جذاب‌ترین دوست‌داشتنی‌ترین فعالیت بچه‌ها سر کلاس باشد. هر قدر بیشتر به این سطح نزدیک شویم، آموزش سوره مؤثرتر خواهد بود. برای این منظور علاوه بر تنوع خواندن، می‌توانیم از فعالیت‌های ساده، متناسب با پیام سوره، نیز در هنگام خواندن آن استفاده کنیم؛ مثلاً در هنگام تماشا یا بوییدن یک یا چند شاخه‌ی گل زیبا و خوشبو یا بعد از خوردن یک شیرینی یا لواشک خوشمزه که بچه‌ها از آن لذت می‌برند و حس تحسین آن‌ها از خوشمزه‌بودن آن به‌صورت درونی برانگیخته می‌شود.

پیام سوره را بدون ترجمه و با استفاده از انواع فعالیت‌ها به دانش‌آموزان انتقال می‌دهیم؛ زیرا در دوره‌ی ابتدایی، به‌خصوص پایه‌های پایین‌تر، دانش‌آموزان دریافتی از ترجمه‌ی سوره ندارند و ترجمه برای آن‌ها جنبه‌ی آموزشی نخواهد داشت؛ اما فعالیت‌ها کمک می‌کنند مفهوم سوره به خوبی و متناسب با سطح بچه‌ها به آن‌ها منتقل و در وجودشان نهادینه شود.

می‌توانیم پس از اینکه توجه بچه‌ها را به زیبایی‌ها جلب کردیم، با اصطلاحاتی مانند «بهبه‌ا»، «چه زیبا»، «چه قشنگ‌ا» و عبارات دیگری از این دست و نیز با اذکاری مانند «الحمد لله» و «الله اکبر» ابراز زیبایی‌ها و خوبی‌ها را به آن‌ها آموزش دهیم.

در مورد زیبایی‌ها نیز باید توجه داشته باشیم که محدود به دیدنی‌ها نمی‌شوند. انواع مواجهه‌های شنیداری، دیداری، لمسی و... نیز برای افزایش ابرازهای همراه با تحسین و تمجید در کودک مناسب هستند؛ مانند خوردن خوراکی یا غذایی خوشمزه، دیدن



صراط‌الکرم

در پایان این چند هفته، توقع داریم که توان دیدن انواع زیبایی‌ها و خوبی‌ها و ابراز تحسین به آن‌ها در دانش‌آموزان نسبت به قبل ارتقا یافته و شادی و نشاط آن‌ها به‌واسطه‌ی این سوره بیشتر شده باشد.

زیبایی‌های آن گل مواجه کنیم. عکس‌العمل آن‌ها نیز در چنین مواجهه‌ی بیشتر برانگیخته می‌شود و بچه‌ها درک بیشتری از زیبایی آن گل پیدا خواهند کرد.

برای انتقال پیام سوره در موقعیت‌های گوناگون می‌توانیم از تمامی امکانات و شرایط کمک بگیریم. برخی از این امکانات عبارت‌اند از:

■ انواع نماهنگ‌ها و تصویرهایی که زیبایی‌ها را نشان می‌دهند.

■ شعرهایی که با بیان زیبایی‌ها بچه‌ها را به وجد می‌آورند و به تحسین وامی‌دارند.

■ داستان‌های شاد که درباره‌ی انواع زیبایی‌ها و تحسین آن‌هاست.

■ بازی‌هایی که باعث شادی بچه‌ها می‌شوند.

■ پدیده‌ها، نعمت‌ها و رفتارهای زیبایی که در تصویرهای کتاب‌های درسی دیده می‌شوند.

■ شعرهای کتاب فارسی که درباره‌ی نعمت‌ها یا زیبایی‌های طبیعت هستند.

■ تکلیف‌های مرتبی که دانش‌آموزان انجام داده‌اند.

■ شکل‌ها و الگوهای رنگارنگی که در کتاب ریاضی هست.

■ سایه‌ها، نعمت چشم و رعایت بهداشت که در کتاب علوم آمده است.

■ جشن قرآن و ذکر «بسم الله» که در آغاز کارهای گوییم.

منظره‌ای زیبا، شنیدن حرفی خوب، شنیدن صدایی زیبا مانند صدای پرندگان، استشمام بویی خوش مانند بوی سیب یا بوی گل، لمس یک شیء لطیف مانند پر یک پرنده، کمک به دیگران به‌عنوان انجام یک کار زیبا و به‌طور کلی هر کار درستی که بچه‌ها را شادمان و حس خوبی را به آن‌ها منتقل می‌کند، زیبایی را در آن‌ها رشد می‌دهد و آن‌ها را به تعریف و تمجید و گفتن «آفرین» و «به‌به» می‌کشاند.

در این پایه، کیفیت و چگونگی مواجهه کردن دانش‌آموزان با زیبایی‌های متعدد در میزان ابراز و عکس‌العمل آن‌ها مؤثر است. میزان عکس‌العمل دانش‌آموزان به زیبایی می‌تواند نشان‌دهنده‌ی فهم و درک زیبایی توسط آن‌ها باشد؛ مثلاً اگر گلی زیبا را به کلاس بیاوریم و همین‌طور آن را روی میز بگذاریم و در مورد آن چیزی نگوییم و کار خاصی انجام ندهیم، ممکن است دانش‌آموزان عکس‌العمل ویژه‌ای نشان ندهند؛ اما اگر با همان گل وارد کلاس شویم، احیاناً آن را تزئین کرده باشیم، وقتی وارد می‌شویم آن را بو کنیم، احساس خوبی القا کنیم و با صحبت درباره‌ی گل، توجه دانش‌آموزان را به رنگ و لطافت و بوی آن جلب کنیم، قطعاً بیشتر توانسته‌ایم دانش‌آموزان را با



نوآوری در ارائه‌ی تکلیف

نگاهی به ویژگی‌ها، زمینه‌ها و ابزارهای
سنجش تکلیف‌های مهارت‌محور

دکتر مرتضی مجدفر

پژوهشگر و تسهیلگر

دوره‌های ویژه‌ی آموزشکاران



امروزه، ارائه‌ی تکلیف به دانش‌آموزان با تغییراتی اساسی روبه‌رو شده است. در سال‌های دور، تکلیف به رونویسی محض درس‌های داده‌شده یا در نهایت انجام تمرین‌های مشخص شده محدود می‌شد. در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از توسعه‌ی ارزشیابی کیفی توصیفی، ایجاد تنوع در طراحی انواع تکلیف‌ها به یکی از دغدغه‌های اصلی آموزگاران، متولیان تعلیم و تربیت و صاحب‌نظران سنجش و اندازه‌گیری از آموخته‌های دانش‌آموزان تبدیل شده است. در کتاب نوآوری در یادگیری با تکلیف‌های درسی خلاق، ۱۸ راهبرد متفاوت را در ارائه‌ی تکلیف‌های درسی خلاق توسط معلمان، همراه

با ۳ مثال کاربردی برای هر یک از راهبردها، توضیح داده‌ام. همگی این ۵۴ مثال واقعی است و نام و مشخصات معلمان طراح هر یک از تکلیف‌ها در کتاب قید شده است.

در سال‌های اخیر، در میان توسعه‌ی راهبردهای گوناگون طراحی تکلیف، طراحی «تکلیف‌های مهارت‌محور» در میان معلمان رونق بیشتری گرفته و به دلیل توجه به تفاوت‌های فردی و آزادی عملی که دانش‌آموز در انجام این نوع تکلیف‌ها دارد و نیز شبه‌پژوهش‌محور بودن این تکلیف‌ها، از محبوبیت بیشتری نزد فراگیرندگان برخوردار شده است.

آنچه در ادامه می‌آید، حاصل فعالیت عملی در کارگاه‌های آموزشی گوناگونی است که با آموزگاران داشته‌ام و یک تجربه‌ی زیسته است. لذا ضمن عنایت ویژه به مبانی سنجش و اندازه‌گیری و بهره‌مندی از این دانش تخصصی،

فاقد منابع علمی و مراجعات خطبه‌خط است.

مراحل طراحی تکلیف‌های مهارت‌محور

طراحی تکلیف‌های مهارت‌محور از چهار مرحله‌ی متمایز از هم تشکیل شده است:

● **مرحله‌ی یکم:** موقعیتی را تشریح می‌کنیم.
● **مرحله‌ی دوم:** در درون موقعیت، پرسش یا فعالیتی را طرح می‌کنیم که دانش‌آموزان باید پاسخ آن را با مهارت‌ورزی یا پژوهشی ساده بیابند

● **مرحله‌ی سوم:** هر تکلیف مهارت‌محور، علاوه بر اینکه حول و حوش زمینه‌ای طراحی می‌شود، نیاز به ابزار و قالب‌هایی دارد تا دانش‌آموز تکلیف خود را از طریق آن‌ها انجام دهد.

در این مرحله، باید ببینیم دانش‌آموزان با چه ابزاری تکلیف خود را انجام می‌دهند؛ مثلاً یکی نقاشی دوست دارد، یکی داستان‌نویسی و دیگری ساخت فیلم.

● **مرحله‌ی چهارم:** هر تکلیف مهارت‌محور منجر به ارائه یا تولید محصولی می‌شود که پرسش طرح‌شده یا فعالیت خواسته‌شده در مرحله‌ی یکم را پاسخ دهد یا به سرانجام برساند.

چنانچه بیان شد، برای پاسخگویی یا به‌انجام رساندن تکلیف‌های مهارت‌محور از



قالب‌هایی استفاده می‌شود که آن قالب‌ها به‌نوعی ابزار سنجش هم تلقی می‌شوند. در پایان این نوشتار، به ابزارهای پاسخگویی و سنجش خواهیم پرداخت.

ویژگی‌های تکلیف‌های مهارت‌محور

تکلیف‌های مهارت‌محور لاقط پنج ویژگی عمده دارند:

۱. معمولاً مهم‌ترین ویژگی تکلیف‌های مهارت‌محور، چگونگی شرح و بسط آن یا طرح سؤالات و خواسته‌های مربوط به آن است. این نوع سؤالات معمولاً متن طولانی‌تری نسبت به سؤالات و تکلیف‌های عادی دارند. در درون شرح این سؤالات، نوعی هدایت درونی سازمان‌یافته برای چگونگی رسیدن به پاسخ یا انجام فعالیت قید می‌شود.

۲. بازپاسخ‌بودن جواب سؤالات، یعنی واگرا بودن پاسخ‌ها و چگونگی انجام متفاوت فعالیت‌ها، از دیگر ویژگی‌های تکلیف‌های فعالیت‌محور است.

۳. توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در پاسخگویی، از دیگر ویژگی‌های تکلیف‌های مهارت‌محور است. به عبارت دیگر مجاز نیستیم از همه بخواهیم پاسخ سؤال یا فعالیت خواسته‌شده را فقط در قالب داستان‌نویسی، نقاشی یا عکاسی انجام دهند. اگر ابزار سنجش

(در فراز پایانی این نوشتار به تعدادی از آن‌ها اشاره شده است)، از پیش تعیین شده و مشخص باشد، بدون شک به تفاوت‌های فردی توجه نکرده‌ایم. این ویژگی به‌طور دقیق مانند آن است که برای ترویج مفهومی، در میان دانش‌آموزان، مسابقه‌ی کتابخوانی برگزار کنیم و منبع مسابقه (شما بخوانید: تکلیف‌های مهارت‌محور)، یعنی خواندن کتاب و پاسخگویی به پرسش‌های آزمون، یک کتاب مشخص باشد. بدیهی است دانش‌آموزانی که با سبک نوشتاری کتاب، توضیحات نویسنده و حتی طرح‌های گرافیکی آن ارتباط برقرار نکنند، این تکلیف مهارت‌محور از پیش شکست خورده است.

۴. این نوع تکلیف‌ها خلاقیت‌محورند؛ یعنی هدف از طراحی آن‌ها بروز و پرورش «خلاقیت» است. بنابراین طراحی سؤالات مهارت‌محور وقت بیشتری می‌خواهد، نیاز به استخراج جزئیات زیادتری درباره‌ی علایق و توانمندی‌های دانش‌آموزان دارد، تکرار در آن راه ندارد و از همه مهم‌تر، تکلیف مهارت‌محور نمی‌تواند از روی تکلیف‌های قبلی رونویسی شود، چه در این صورت خلاقیت در طراحی این قبیل تکلیف‌ها از بین خواهد رفت.

توجه به ابزار نویافته‌ی هوش مصنوعی در طراحی تکلیف‌های مهارت‌محور می‌تواند

حائز اهمیت باشد. هوش مصنوعی با استفاده از الگوریتم‌ها و یادگیری ماشینی، توانایی تجزیه و تحلیل دقیق‌تری از داده‌ها و ارائه‌ی بازخورد فوری، در خیلی از زمینه‌ها، از جمله تکلیف را دارد. این قابلیت‌ها می‌توانند به‌عنوان یک ابزار قدرتمند، برای بهبود فرایند آموزش و پرورش استفاده شوند. همچنین هوش مصنوعی بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها و الگوهای آموزشی می‌تواند عملکرد آتی دانش‌آموزان را از جمله انجام تکلیف‌ها پیش‌بینی کند. با استفاده از الگوریتم‌ها و مدل‌های پیش‌بینی هوش مصنوعی، می‌توان نیازهای آتی دانش‌آموزان را تشخیص داد و برنامه‌های آموزشی و تکلیف‌های مناسبی را طراحی کرد.

همچنین معلم می‌تواند براساس تجزیه و تحلیل داده‌های آموزشی و توجه به نقاط قوت و ضعف هر دانش‌آموز، نیازهای هر کدام را تشخیص دهد و تکلیف‌های آموزشی سفارشی و شخصی‌سازی‌شده‌ای را برای هر فرد ارائه کند. این سفارشی‌سازی به دانش‌آموزان کمک می‌کند به‌طور مؤثرتری در فرایند یادگیری پیشرفت کنند و با توسعه‌ی فردی، نتیجه‌های بهتری را به دست آورند.

ذکر این نکته نیز ضروری است که شخصی‌سازی با اصل تفاوت‌های فردی هم‌خوانی دارد و هم قدری متفاوت است. در تفاوت‌های فردی می‌پذیریم که هر دانش‌آموز یک موجود منحصر به فرد است؛ ولی در شخصی‌سازی با شناختی که از نیم‌رخ اجتماعی دانش‌آموزان به دست آورده‌ایم، تکلیفی را به او می‌سپاریم که دقیقاً با شخص او همخوان باشد؛ مثلاً برای دانش‌آموزی که پدر و مادرش از هم جدا شده‌اند، تکلیفی متناسب با این ویژگی او طراحی می‌کنیم.

۵. آخرین ویژگی تکلیف‌های مهارت‌محور، دوری کردن معلم از یک زمینه‌ی خاص و استفاده نکردن از یک ابزار سنجش خاص است. درست است که نقاشی کردن، برای پایه‌های اولیه‌ی آموزش ابتدایی، از جذابیت بیشتری برخوردار است، ولی تأکید بیش از اندازه بر این امر، به‌نوعی بی‌توجهی به هوش‌های چندگانه و سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان خواهد بود؛ مثلاً فرض کنید معلمی یک تکلیف مهارت‌محور بسیار ساده را این چنین برای درس علوم طراحی کند:

ماشین‌های ساده‌ی موجود در آشپزخانه‌ی منزل خود را نقاشی کنید.



(توضیح: هم می‌توانید ماشین‌ها را جدا جدا نقاشی کنید و هم می‌توانید آشپزخانه‌ی منزل خودتان را کامل بکشید و هر ماشینی را سر جای خود در آشپزخانه نشان دهید.)

این معلم فقط از یک ابزار استفاده کرده است و به‌خودی‌خود مشکل ندارد؛ چون دو حالت ممکن ساده (فقط نقاشی ماشین‌های ساده) و قدری سخت‌تر (ترسیم نمای آشپزخانه و جانمایی ماشین‌های ساده‌ی موجود در آن) را در نظر گرفته است که می‌تواند برای دو گروه متمایز در کلاس مورد استفاده قرار گیرد. حال اگر همین معلم به درس «جانوران اطراف ما» برسد و مثلاً تکلیف مهارت‌محور دیگری را به شرح زیر طراحی کند و به بچه‌ها ارائه دهد، بی‌توجهی به هوش‌های چندگانه، سبک‌های یادگیری و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان به‌شدت آشکار می‌شود:

احتمالاً تا حالا بوستان رفته‌اید. جانورانی را که ممکن است در بوستان به آن‌ها برخورد کنید، در یک صفحه نقاشی کنید

این سؤال مهارت‌محور است؛ ولی خلاقانه نیست. چون همه گربه، کلاغ، مرغابی داخل استخر یا برکه‌ی آب، کبوتر و حیواناتی را

نقاشی خواهند کرد که در معرض دید هستند. در حالی که همین سؤال می‌تواند برای گروهی از بچه‌ها که سطح پایین‌تری از یادگیری دارند، مطرح شود و سؤال برای گروه‌های دیگری از دانش‌آموزان با درجه‌ی خلاقیت بالاتر و سبک یادگیری متفاوت‌تر، به این شکل‌ها تغییر یابد و غنی‌تر شود:

حتماً تا حالا بوستان رفته‌اید. تصویر جانورانی را که همیشه آن‌ها را نمی‌بینید، در یک صفحه نقاشی کنید.

پاسخ‌های واگرای ممکن می‌تواند پروانه، موش، کرم خاکی و حیواناتی از این دست باشد. این پرسش به این شکل خلاقانه‌تر می‌شود و البته نباید انتظار داشت همه‌ی بچه‌ها علاقه‌مند به انجام آن باشند:

احتمالاً تا حالا بوستان رفته‌اید. ولی هیچ وقت فیل، زرافه، خرس و شیر را در بوستان ندیده‌اید. فرض کنید این جانوران در بوستان آفتابی شوند. اتفاقات ممکن را در یک صفحه نقاشی کنید.

زمینه‌های تکلیف‌های مهارت‌محور

تکلیف‌های مهارت‌محور می‌توانند در زمینه‌های گوناگونی طراحی شوند که به برخی

از آن‌ها اشاره می‌شود:

- مهارت‌های زندگی که گستره‌ی چشمگیری را شامل می‌شوند و علاوه بر ده مهارت توصیه‌شده توسط سازمان بهداشت جهانی، می‌توانند مهارت دیگر را هم که سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به این ده مهارت افزوده است، مورد توجه قرار داد.
- حفاظت از محیط‌زیست و مهارت‌های مربوط به آن.

- آموزش قوانین و مقررات، و در وهله‌ی اول قوانین و مقررات کلاس درس و مدرسه.

- حقوق کودکان و در وهله‌ی اول حقوق کودکان در کلاس درس و مدرسه.

- جایگاه و ارزش میراث فرهنگی مادی و معنوی (مادی: بناها، آثار باستانی و مذهبی، زیارتگاه‌ها و... / معنوی: زبان، آداب و رسوم، آیین‌ها، جشن‌ها و مناسبت‌های ملی و مذهبی و...)

- اقتصاد مقاومتی و بهینه‌سازی مصرف.
- فرهنگ و مهارت‌های استفاده از فناوری‌های نوین.
- کارآفرینی.
- مهارت‌های هنری و ورزشی.

ابزارهای سنجش

ابزارهای سنجش (قالب یا قاب انجام





چگونه یادگیری تلفیقی را اثربخش کنیم؟

مریم رحیمی

مدرس دانشگاه فرهنگیان، مدیر مدرسه ابتدایی، شهر اراک



یادگیری تلفیقی

نظام‌های آموزشی به سبب پیدایش فناوری‌های نوین با تغییراتی اساسی روبه‌رو شده‌اند. تمرکز این نظام‌ها نیز به سمت فرایندهای یادگیری که منجر به ساخت دانش می‌شوند، تغییر کرده است. از طرفی تأکید فزاینده‌ای بر تقویت یادگیری در محیط‌های یادگیری تلفیقی، به منظور افزایش مشارکت دانش‌آموزان، وجود دارد. یادگیری تلفیقی برای اولین بار در دانشگاه استنفورد، در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، با شروع استفاده از ویدئوها اجرا شد. این نحوه‌ی یادگیری به دانش‌آموزان اجازه می‌داد خارج از کلاس درس هم بیاموزند. با گذشت زمان، نظام‌های یادگیری توسعه یافتند. پیشرفت‌های فناوری‌های بزرگ، از دهه‌ی ۲۰۰۰ تاکنون، باعث ایجاد یادگیری تلفیقی امروزی شده است. به گفته‌ی نوربرگ (۲۰۱۷)، یادگیری تلفیقی چیز جدیدی نیست؛ این روش حدوداً به زمان قرون وسطی بازمی‌گردد؛ زمانی که کتاب‌های درسی وارد کلاس درس شدند. در جایی که به‌طور سنتی معلم فقط نسخه‌ی خطی موجود را برای دانش‌آموزان می‌خواند. در آن زمان نیز به‌یقین کتاب‌ها مانند فناوری‌های نوین امروز چالش‌برانگیز بودند؛ زیرا الگوی آموزش و یادگیری را تغییر دادند. یادگیری تلفیقی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «ادغام متفکرانه‌ی تجربه‌های یادگیری

تکلیف‌های مهارت‌محور) بسیار گسترده و تصورناشدنی هستند. در واقع از هر نوع هنرمندی، ابتکار، خلاقیت و توانمندی بچه‌ها، با توجه به هوش‌های اختصاصی هر کدام و سبک‌های یادگیری مورد علاقه، می‌توان به‌عنوان قالب یا قاب انجام تکلیف مهارت‌محور استفاده کرد. برخی از آن‌ها می‌توانند مواردی مانند این نمونه‌ها باشند:

* پاسخ به تکلیف به صورت طرح سؤالات پرسش‌ها یا حتی فقط طرح پرسش.

* تحلیل موقعیت مطرح‌شده در تکلیف مهارت‌محور.

* انجام یک فعالیت علمی در پاسخ تکلیف مطرح‌شده.

* انجام آزمایش علمی مرتبط با تکلیف مطرح‌شده.

* ساخت یک وسیله یا طراحی یک نمونه (ماکت) برای تبیین تکلیف مهارت‌محور، مطرح‌شده.

* انتخاب، خوانش و نقد یک کتاب برای پاسخگویی به پرسش خواسته‌شده در تکلیف و نگارش متنی بر همین اساس و ارائه‌ی آن به کلاس و معلم.

* نوشتن یک بند کوتاه تا طنزی ساده، داستانی و داستان‌نویسی کوتاه برای پاسخگویی به پرسش یا موقعیت تبیین‌شده در تکلیف مهارت‌محور و نیز نوشتن شعر، داستان نیمه‌بلند و بلند، نمایشنامه و دیگر نمونه‌های ادبی با ترجیح قالب‌های روایی.

* نقاشی ساده، داستان مصور (کمیک استریپ)، عکاسی، فیلم‌برداری، ساخت ویدئو، موشن گرافیک، تولید وب‌آوا (پادکست) و استفاده از دیگر امکانات چندرسانه‌ای (مولتی‌مدیا).

* بازی‌وارسازی (گیمیفیکیشن).

* پیش‌بینی آینده یا آینده‌پژوهی، با ترجیح روی‌آوری به سمت فرآیندهای نویسی (سناریویسی) برای آینده.

این فهرست می‌تواند با توجه به خلاقیت‌های معلمان و ویژگی‌های هر جامعه‌ی آموزشی کماکان ادامه داشته باشد و کامل‌تر شود. گفتنی است برای بروز و ظهور خلاقیت‌ها، تشکیل گروه‌های دو نفره به بالا و تأکید بر انجام هر یک از این فعالیت‌ها، توسط معلمان، می‌تواند ما را به غنی‌سازی تکلیف‌های مهارت‌محور سوق دهد.

حضور کلاس با تجربه‌های یادگیری برخط (آنلاین)، به‌طوری‌که هر دو رویکرد یکسان مورد توجه باشد و فقط به رویکرد یا روش غالب اضافه نشود.» یادگیری تلفیقی به‌طور خاص به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مهارت‌های ارتباطی خود را مثل اعتمادبه‌نفس و خودآگاهی افزایش دهند. این نوع یادگیری همچنین بحث و گفت‌وگو و مشارکت دانش‌آموزان را نه تنها با معلمان خود، بلکه با هم‌کلاسی‌هایشان که منجر به یک نتیجه‌ی کلی مثبت می‌شود، تشویق می‌کند؛ بنابراین یادگیرندگان در یادگیری خودفعال‌تر می‌شوند و فرایند یادگیری جذاب‌تری را ایجاد می‌کنند.

خودتنظیمی

یادگیری تلفیقی در مقایسه با روش چهره‌به‌چهره‌انگیزه‌ی بیشتری در دانش‌آموزان ایجاد نمی‌کند. با این حال، ظرفیت بیشتری برای استدلال و درک موضوع در دانش‌آموز فراهم می‌آورد. این روش دانش‌آموزان را تشویق می‌کند مستقل‌تر باشند و به آن‌ها اجازه می‌دهد «خودتنظیمی» را تمرین کنند و از سرعت یادگیری‌ای پیروی کنند که به بهترین وجه مناسب آن‌هاست. استفاده از فناوری علاوه بر افزایش مشارکت دانش‌آموزان، مهارت‌های دیجیتال آن‌ها را نیز بهبود می‌بخشد. از طرفی یادگیری تلفیقی باعث تقویت تفکر در دانش‌آموزان می‌شود؛ زیرا در آن، نوعی انعطاف‌پذیری زمانی و مکانی برای انجام فعالیت‌ها و تمرین‌ها، به‌صورت غیر هم‌زمان، وجود دارد که باعث می‌شود یادگیرندگان خلاف روش سنتی چهره‌به‌چهره سریع و بدون تفکر پاسخ ندهند. در این رویکرد اتخاذ راهبردهای تلفیقی، ادغام ارتباط‌های هم‌زمان و غیر هم‌زمان و استفاده‌ی بهینه و گسترده از رسانه‌ها، به‌صورت گروهی و انفرادی، منجر می‌شود آن نوع انعطاف‌پذیری که برای حمایت از ویژگی‌های متنوع یادگیرندگان نیاز است، حاصل شود.

آنچه خودانگیختگی، که ویژگی این نوع یادگیری است، فراهم می‌کند عبارت است از: اتکاب خود، توانایی انجام کار و مسئولیت‌پذیری که برای موفقیت در یادگیری ضروری است. در این مسیر، شخصیت و رفتار معلمان به‌طور مستقیم بر شکوفایی شخصیت دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. یادگیری تلفیقی فقط یادگیری برخط و سنتی را ادغام نمی‌کند، بلکه یادگیرندگان را تحت یک چارچوب اجتماع

یکی از چالش‌های خودتنظیمی «اهمال‌کاری» است. به‌موجب این چالش دانش‌آموزان با مشکل مدیریت زمان مواجه می‌شوند. رفتار اهمال‌کاری دانش‌آموزان در دوره‌های سنتی حضوری و تلفیقی متفاوت است؛ زیرا دانش‌آموزان در یادگیری تلفیقی در مقایسه با یادگیرندگان کاملاً حضوری، به‌دلیل کاهش زمان نشستن در کلاس حضوری، احساس فاصله‌ی تعاملی بیشتری را تجربه می‌کنند. چالش‌های مربوط به خودتنظیمی را می‌توان به این مؤلفه‌ها تقسیم کرد:

به‌تعویق‌انداختن

«به‌تعویق‌انداختن» رفتار مضر است که به دلیل انعطاف‌پذیری و استقلال بسیار زیادی که در یادگیری تلفیقی به یادگیرندگان اعطا می‌شود، به وجود می‌آید. به‌تعویق‌انداختن به‌طور گسترده یک اختلال عملکرد روان‌شناختی به حساب می‌آید. چنانچه مطالب درس جدید برخط زمانی در دسترس یادگیرندگان قرار گیرد که آن‌ها تکلیف‌های درس قبلی را کامل کرده باشند،

چالش‌های خودتنظیمی

در یادگیری تلفیقی یادگیرندگان باید فعالیت‌های یادگیری خود را خارج از جلسات حضوری تنظیم کنند. افزایش انعطاف‌پذیری و مدیریت یادگیرنده بر یادگیری خود، به‌ویژه برای دانش‌آموزانی که مهارت خودتنظیمی دارند، مفید است؛ اما افراد با سرعت پیشرفت پایین ممکن است هنوز مهارت‌های لازم برای یادگیری مستقل را نداشته باشند و این موضوع می‌تواند چالشی را در این زمینه ایجاد کند.



اهمال کاری و به تعویق انداختن در دانش آموزان به طور چشمگیری کاهش می یابد؛ بنابراین معلمان می توانند قبل از هر شروعی، تکلیف درس قبلی را ملاحظه کنند.

کمک جویی

یکی دیگر از مشکلات پیش رو این است که یادگیرندگان زمانی که خارج از کلاس حضوری هستند، نمی توانند کمک مناسب را دریافت کنند. تلاش های شایان توجهی برای پرورش ابتکارات جست و جویی دانش آموزان، از طریق رویکردهای گوناگون، صورت گرفته است. ایجاد سامانه های جست و جوی اطلاعات شخصی و سامانه های یادگیری تطبیقی، به عنوان داربست و تسهیل کننده، نمونه ای از این تلاش هاست. مهارت های نوشتاری و توضیح جزئیات در تالارهای گفت و گو نیز بر شفافیت تعامل اثر می گذارد و بستری خوبی را برای کمک و همیاری برخط فراهم می آورد.

کم شدن تعامل چهره به چهره

نداشتن محدودیت زمانی و مکانی، در

محیط های یادگیری تلفیقی، قبل از هر چیز منجر به ایجاد یک فضای روانی و ارتباطی می شود که به آن «فاصله ی تعاملی» می گویند. با افزایش این فاصله ی تعاملی تعاملات اجتماعی دشوار می شود و معلمان نمی توانند فوراً متوجه شوند یادگیرندگان با چه مشکلاتی مواجه می شوند یا ممکن است تصور خوبی از آنچه یادگیرندگان واقعاً یاد گرفته اند، نداشته باشند. با این حال، رویکرد یادگیری تلفیقی به عنوان رویکردی مؤثر برای تسهیل تعامل در نظر گرفته می شود؛ زیرا یادگیرندگان را از نظر جغرافیایی به هم نزدیک می کند و امکان برقراری ارتباط کلامی و غیر کلامی را در بخش های خاصی از دوره فراهم می آورد. بنابراین مهم است که برای محیط های یادگیری تلفیقی جوی انگیزشی و عاطفی ایجاد شود تا یادگیرندگان احساس امنیت، مقبولیت و ارزش کنند و نگرش های مثبتی را به معلم خود و دوره ی آموزشی داشته باشند.

دیگر چالش های پیش رو و راهکارها

استفاده از فناوری برای موفقیت یادگیری تلفیقی امری ضروری است. بنابراین آمادگی در فناوری یکی از مهم ترین مسائل برای معلمان و دانش آموزان تلقی می شود. سواد فناوری به آمادگی برای استفاده از ابزارهای فناوری مورد نیاز اطلاق می شود. کمبود چنین دانش و مهارتی، در مرحله ی اول، مانعی جدی برای دسترسی به این ابزار و در مرحله ی بعد مانعی برای تجربه ی یادگیری با کیفیت است. اجرای یادگیری تلفیقی برای معلمان که سواد دیجیتالی پایینی دارند، یک چالش است. از این رو، ارائه ی کمک و توسعه ی حرفه ای برای معلمان امری ضروری به حساب می آید.

شواهد نشان می دهند که اگر یادگیرندگان برای یادگیری نحوه ی استفاده از نرم افزار و بسترهای (پلتفرم های) یادگیری که برای دوره های خاص مورد نیاز است، پشتیبانی نشوند، با مشکل مواجه خواهند شد. به طور مشابه، معلمان نیز برای درک عملکردهای نرم افزار و بسترها به پشتیبانی و آموزش نیاز دارند تا بتوانند دوره ها را به طور مؤثرتری طراحی کنند. موفقیت دانش آموزان در محیط یادگیری تلفیقی تا حد زیادی به تجربه های قبلی و شخصیت و شرایط شخصی آن ها بستگی دارد. مواد آموزشی در فناوری ها گنجانده شده اند و دسترسی و

استفاده از این مواد به سطح سواد و شایستگی افراد بستگی دارد.

کمبود سواد فناورانه ی دانش آموزان، در استفاده از فناوری برای یادگیری، یک اشکال در یادگیری تلفیقی است. این موضوع، به همراه مدیریت ضعیف بچه ها در زمان، منجر به تأخیر در دریافت بازخوردهای فوری معلمان شده و در نتیجه دانش آموزان را در انجام فعالیت های یادگیری بی علاقه کرده است.

یکی دیگر از چالش های شایان توجه که دانش آموزان در یادگیری تلفیقی با آن مواجه هستند، برخورد با رابط های کاربری متعدد فناورانه است. دانش آموزانی که فاقد صلاحیت و مهارت در استفاده از فناوری های سخت افزاری و نرم افزاری متعدد هستند، ممکن است نتوانند پیچیدگی تغییرات و رابط های فناورانه را با موفقیت مدیریت کنند، اگر چه نسل کنونی دانش آموزان در مقایسه با نسل های قبلی مشکلات کمتری را در استفاده از فناوری تجربه می کنند.

منابع

1. Anthonyamy, L., Koo, A. C., & Hew, S. H. (2020). Self-regulated learning strategies and non-academic outcomes in higher education blended learning environments: A one decade review. *Education and Information Technologies*, 25, 3677-3704.
2. Broadbent, J., & Fuller-Tyszkiewicz, M. (2018). Profiles in self-regulated learning and their correlates for online and blended learning students. *Educational technology research and development*, 66, 1435-1455.
3. Febrian, M. R., Subyantoro, S., & Atmojo, I. R. W. (2023). The effect of inquiry-based blended learning on observation report making skills viewed from learning interest in elementary schools. In *AIP Conference Proceedings* (Vol. 2751, No. 1). AIP Publishing.
4. Li, S., & Wang, W. (2022). Effect of blended learning on student performance in K-12 settings: A meta-analysis. *Journal of Computer Assisted Learning*, 38(5), 1254-1272.
5. Mahpudin, A. D., & Siswoyo, D. (2022). The Effect Of Blended Learning Model With Metacognitive Strategy On Mathematics Ability And Self-Regulated Learning Of Elementary School Students. *Journal of Positive School Psychology*, 3822-3830.
6. Prasetya, H. P. (2023). Blended Learning as an Alternative Learning in Elementary Schools. *DIDAKTIKA: Jurnal Pendidikan Sekolah Dasar*, 6(1), 45-54.
7. Setyaningrum, W. (2019, October). Self-regulated learning in blended learning approach. In *Journal of Physics: Conference Series* (Vol. 1320, No. 1, p. 012089). IOP Publishing.
8. Xu, Z., Zhao, Y., Liew, J., Zhou, X., & Kogut, A. (2023). Synthesizing research evidence on self-regulated learning and academic achievement in online and blended learning environments: A scoping review. *Educational Research Review*, 100510.



زیبایی نشاط یادگیری

گفت و گو کننده:

مرضیه قوهستانی

شهرستان خرامه، استان شیراز



می‌شود، مکان‌هایی فرسوده و بدون فضای سبز و... است که برای دانش‌آموزان جذاب نیستند. شاید نتوان خیلی زود تمامی مشکلات مربوط به فضای فیزیکی را برطرف کرد، اما می‌توان با راه‌حل‌هایی این مشکلات را کاهش داد. آقای محمدایمان مظلومی، معلم جوان و خوش‌ذوق شیرازی، آموزگار پایه‌ی اول و معاون آموزشی در دبستان شهید حیدرعلی قنبری است که با خلاقیت و تلاش اقداماتی را در راستای بهبود وضعیت کلاس خود و بعد هم مدرسه انجام داده است. از مهرماه امسال هم مشغول ساخت کلاس طبیعت در گوشه‌ای از حیاط مدرسه است. در ادامه گفت‌وگو با ایشان را می‌خوانیم:

■ **لطفاً مختصری درباره‌ی خودتان صحبت کنید و بفرمایید چه شد که وارد حرفه‌ی معلمی شدید.**

○ اینجانب محمدایمان مظلومی، در شهریور ۱۳۷۸، در خانواده‌ای فرهنگی چشم به جهان گشودم. از زمانی که یادم هست، علاقه‌مند بودم به همراه پدرم به مدرسه و سر کلاس بروم و شبیه معلم‌ها رفتار کنم. در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی، علاقه‌ی زیادی به معلمانم داشتم و به‌خوبی با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کردم. در دبیرستان هدف و رشته‌ی خودم را به‌گونه‌ای انتخاب کردم که به سمت حرفه‌ی معلمی سوق پیدا کنم. در نهایت، پس از شرکت در آزمون سراسری موفق به قبولی دانشگاه فرهنگیان در رشته‌ی آموزش ابتدایی شدم. در طول چهار سال تحصیل دوران کارشناسی، دبیری کانون موسیقی و دبیری انجمن علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان را بر عهده داشتم. در این مدت، سعی کردم با ایده‌های نوین، جشنواره‌هایی نظیر سازآواز دانشجومعلم‌ان را به همراه دوستان برگزار کنم. الان در سمت معاون آموزشی مشغول به کار و در دوره‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی روان‌شناسی تربیتی هم مشغول به تحصیل هستم.

■ **چرا برای بهبود وضعیت فیزیکی مدرسه اقدام کردید؟ در این راه چه مشوق‌ها و چه موانعی داشتید؟**

پس از دوران دانشجویی و فرارسیدن زمان خدمت به فرزندان این مرزوبوم، در سال اول به منطقه‌ی محروم سلطان‌آباد شیراز اعزام شدم. زمانی که برای تحویل برگ ابلاغ به مدرسه

بدون شک مدرسه‌ی زیبا و جذاب زمینه را برای یادگیری و شکوفایی استعدادها تسهیل می‌کند. مدرسه‌ی نامناسب نیز شوق و اشتیاق را در دانش‌آموزان به حداقل می‌رساند و امکان پویایی و بالندگی را کاهش می‌دهد.

اهمیت وضعیت فیزیکی کلاس درس و مدرسه از آنجا ناشی می‌شود که معلم و دانش‌آموزان ساعت‌های زیادی از عمر خود را در مدرسه می‌گذرانند؛ بنابراین مدرسه و کلاس باید زمینه‌ی آسایش را فراهم آورد و ایجاد انگیزه کند. «کودکان زیبایی را دوست دارند و وقتی وارد مدرسه می‌شوند، به دنبال زیبایی می‌گردند و جذب آن می‌شوند. زیبایی‌ها آرامش و شادابی در دانش‌آموزان ایجاد می‌کنند. آرامش روان و انبساط خاطر زمینه‌ی فراگیری مطالب درسی را مساعدتر می‌سازد. مدرسه‌ای که رنگ زیبا و تمیز دار، مدرسه‌ای که با فضای سبز و گل‌های رنگارنگ تزیین شده باشد، کلاسی که دارای رنگ شاد و نشاط‌آور است و...، چنین فضایی تسهیل‌کننده‌ی فرایند یادگیری است و ناخودآگاه بر میزان فراگیری تأثیر مثبت می‌گذارد» (زینب صفری و دیگران، ۱۳۹۴).

متأسفانه آن چیزی که امروزه از فضای فیزیکی در برخی از مدرسه‌های ما دیده



رفتم، با مدرسه‌های قدیمی و کم امکانات روبه‌رو شدم. در ابتدا بسیار ناراحت شدم. انتظار داشتم در مدرسه‌های بهتر و با امکاناتی بیشتر تدریس کنم؛ اما از آنجایی که شخصیتی عمل‌گرا دارم، با شروع سال تحصیلی، به جای از دست دادن انگیزه در آن فضای خسته‌کننده‌ی کلاس ترجیح دادم که کلاس را برای بچه‌ها و حتی برای انگیزه‌ی کاری بیشتر خودم تغییر دهم و فضای کلاس را بهبود بخشیم. به همین خاطر دیوارهای کلاس را مجدد رنگ‌آمیزی کردم، سقف کلاس را ریسه کشیدم و با گلدان‌های کوچک و گل‌های طبیعی کلاس را تزئین کردم. الان هم مشغول ساخت کلاس طبیعت هستم. وقتی شروع به انجام این کار کردم با بازخوردهای متفاوتی از سمت دانش‌آموزان و اولیا و سایر همکاران مواجه شدم. بسیاری از بازخوردها مثبت بود و انگیزه‌ی من را بیشتر می‌کرد. وقتی لبخند و خوش‌حالی دانش‌آموزان را بعد از تغییرات می‌دیدم به ادامه‌ی راه مصمم‌تر می‌شدم. البته در این مسیر موانعی مثل قضاوت‌های غیرعلمی و برخوردهای سلیقه‌ای از جانب برخی کارکنان اداری وجود داشت که نتوانست جلو هدف‌های من را بگیرد.

■ لطفاً درباره‌ی کلاس طبیعت بیشتر توضیح دهید.

○ در پشت مدرسه، فضایی وجود داشت که تبدیل به زباله‌دانی شده بود. بنده با دیدن این فضا تصمیم گرفتم، با اعمال تغییراتی، آن را تبدیل به کلاس طبیعت کنم تا برخی کلاس‌ها در آنجا برگزار شود و دانش‌آموزان اردوهای کوچکی را در آن محیط تجربه کنند. با کمک والدین و خود دانش‌آموزان اقداماتی در این فضا انجام شد؛ مانند ساخت سکو برای نشستن دانش‌آموزان، قرار دادن آبنمایی ایمن در وسط این فضا، ایجاد یک باغچه‌ی بزرگ با درختان و گل‌های متنوع در کنار دیوار و ایجاد سایه‌بان در بالای سکوها.

■ هزینه‌ی این کارها را از کجا تأمین می‌کنید و در اجرا از چه کسانی کمک می‌گیرید؟

○ هزینه‌ی تعمیر کلاس و این قبیل فعالیت‌ها را با کمک تعدادی از والدین تأمین کردیم. بخشی از آن را هم خودم پرداخت کردم. در هنگام انجام کار نیز والدین با انجام کارهای متعدد نظیر، رنگ کردن کلاس، تزئینات و شست‌وشو کمک می‌کردند. حتی خود دانش‌آموزان هم در انجام

این تغییرات به بنده کمک می‌کردند. البته اشاره کنم که همکاری اولیا با معلم، در این گونه فعالیت‌ها، خود فرصت مناسبی است که معلم می‌تواند از آن بهره‌برد. به‌خصوص همراهی و همکاری اولیایی که تخصص‌هایی مرتبط با این زمینه‌ها دارند.

■ تغییراتی که ایجاد شد چه تأثیری بر روحیه‌ی دانش‌آموزان داشته است؟

○ پس از انجام تعمیرات به‌وضوح علاقه‌ی وافر برخی از دانش‌آموزان را به مدرسه دیدم. آن‌ها با علاقه‌ی بیشتری به کلاس وارد می‌شدند. همچنین آب‌دادن به گل‌ها و گیاه‌ها و مراقبت از آن‌ها حس مسئولیت‌پذیری بچه‌ها را نیز بیشتر کرده بود. پس از دیدن این رفتارها و بهتر شدن درس دانش‌آموزان، به‌واسطه‌ی این تغییرات، تشویق شدم این مسیر را در زندگی خودم هم ادامه دهم. از این‌رو، تصمیم گرفتم با انتشار این دسته از فعالیت‌ها آن را در بین معلمان نسل جوان فراگیر کنم.

■ چشم‌انداز شما از حرفه‌ی آموزگاری چیست؟ توصیه‌ای به سایر معلمان دارید؟

○ در سال دوم خدمت پیشنهاد معاونت مدرسه به این‌جانب داده شد و من هم با

آغوش باز پذیرفتم؛ زیرا فرصتی بود برای اینکه ایده‌های خود را نه‌تنها در فضای کلاس بلکه در کل فضای مدرسه پیاده کنم. در حال حاضر، پس از گذشت چند ماه ایده‌های بزرگی با کمک والدین دانش‌آموزان اجرا کرده‌ام؛ مثل تزئین راهروی تاریک باریسه‌های زیبا، گل‌کاری حیاط مدرسه و سرسبز کردن مدرسه با استفاده از گل و گیاهان گوناگون و لاستیک‌های رنگ‌شده و ساخت کلاس طبیعت و... هدف من به‌عنوان معاون آموزشی مدرسه فقط دادن درس‌ها و قوانین نیست، بلکه قصد دارم کاری کنم که دانش‌آموزان در مدرسه زندگی کنند و به معنای واقعی کلمه، مدرسه را خانه‌ی دوم خود بدانند. به سایر معلمان توصیه می‌کنم که گامی هر چند کوچک برای بهبود فضای کلاس درس انجام دهند و تأثیرات فوق‌العاده‌ی این موضوع را بر روحیه‌ی دانش‌آموزان ببینند. ایده‌های زیادی را می‌توان در کلاس اجرا کرد؛ مثلاً برای تزئین فضای کلاس از فرهنگ غالب همان منطقه بهره‌گرفت.

البته در زمینه‌ی تزئین کلاس نباید افراط کرد. باید همواره در نظر داشت که تغییرات نامناسب و بیش از اندازه‌ی کلاس هم می‌تواند موجب حواس‌پرتی دانش‌آموزان شود. برای شما معلم پویا آرزوی توفیق داریم.



نمونه‌ای از فعالیت آقای مظلومی

دوره‌می به صرف پویانمایی

طرح درس‌های سواد رسانه‌ای برای دوره‌ی ابتدایی

زهرا لاهوتی فرد

معلم سواد رسانه‌ای منطقه‌ی تهران

اعضای خانواده یک پویانمایی بلند یا کوتاه را بر اساس ملاک‌هایی که پیش از این در کلاس در مورد آن صحبت کردیم، انتخاب کنند. در فرایند این انتخاب، دانش‌آموزان باید همان‌طور که در طول سال تحصیلی بارها برای انتخاب پویانمایی‌ها و بررسی رده‌بندی سنی و نکات مثبت و منفی به وبگاه‌های هدایت مصرف مثل «کدومو» و «چی خوبه» و «رامون» مراجعه داشته‌اند، به همراه خانواده، برای انتخاب فیلم نوروزی، به سامانه‌های هدایت مصرف رجوع کنند.

بعد از انتخاب، نوبت به تماشای خانوادگی پویانمایی منتخب می‌رسد. البته در این مرحله هم از دانش‌آموزان می‌خواهیم به آداب تماشا و نکات حفظ سلامتی جسمی که پیش از این تمرین کرده‌ایم، توجه کامل داشته باشند. در صورت لزوم هم مواردی را از قبیل فاصله تا نمایشگر، پلک‌زدن، نحوه‌ی نشستن و تنظیم نور اتاق و نمایشگر را اصلاح و نتیجه‌ی آن را در گزارش پروژه ذکر کنند.

بعد از تماشای دقیق پویانمایی منتخب، زمان گفت‌وگو و مشورت و پاسخ‌گویی به

می‌پردازیم. بعد از گذشت شش ماه از شروع سال تحصیلی و ارائه‌ی مباحث تربیت رسانه‌ای در حیطه‌ی تماشای پویانمایی و گفت‌وگو و تمرین در مورد آداب تماشا و تمرین انتخابگری و... تعطیلات نوروزی فرصت بسیار خوبی است تا با یک پروژه‌ی خانوادگی سرگرم‌کننده توجه خانواده‌ها را نیز به مباحث مطرح‌شده در کلاس رسانه جلب کنیم.

بدین‌منظور، یکی از جلسات پایانی منتهی به تعطیلات نوروز را به معرفی این پروژه در کلاس اختصاص خواهیم داد. در این پروژه از دانش‌آموزان می‌خواهیم که به همراه

درس سواد رسانه‌ای هنوز جایگاهی رسمی در دوره‌ی ابتدایی ندارد؛ اما تردیدی نیست که گفت‌وگو درباره‌ی موضوعات تربیتی ناشی از کاربری رسانه‌ها و آموزش استفاده‌ی صحیح و فهم درست از رسانه‌ها حتماً باید در فرایند رشد و آموزش دانش‌آموزان قرار بگیرد.

در این بخش از مجله، در هر شماره به یکی از تجربه‌های اجراشده، در مدرسه‌های متعدد، با هدف آموزش سواد رسانه‌ای و ارتقای تربیت رسانه‌ای دانش‌آموزان



مقوا نقاشی‌هایی از صحنه‌های پویانمایی را به سلیقه‌ی خود و به بهترین شکل بکشند، آن را طراحی و تزیین کنند و به کلاس بیاورند. البته در صورتی که دانش‌آموزان کلاس توانمندی‌های بیشتری داشته باشند، می‌توانند در قالب‌های خلاقانه‌ی دیگر مثل طراحی دفترچه، تولید وب‌آوا (پادکست) یا اجرای پرده‌نگار (پاورپوینت) یا ساخت تکه‌فیلم (کلیپ) برای معرفی پویانمایی انتخابی خود و پاسخ به سؤالات و گزارش گفت‌وگوهای خانوادگی استفاده کنند.

نمونه‌هایی از کارهای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی در سال‌های گذشته



دیده و شنیده‌اند، بنویسند (عینک سفید).
۳. نکات مثبت و منفی نمایش داده‌شده در آن پویانمایی و داستان را ذکر کنند (عینک‌های زرد و مشکی) و نظر پدر و مادر را در مورد پویانمایی و نکات مثبت و منفی آن بپرسند و یادداشت کنند.

۴. شخصیت‌های داستان را معرفی و شخصیت‌های مثبت و منفی و اصلی و فرعی را مشخص کنند.

۵. حوادث داستان و نقاط مهم و اوج داستان را مشخص کنند.

۶. پیام‌های داستان را از نگاه خودشان بنویسند.

۷. زمان‌ها (حال، گذشته، آینده، ساعت‌های شبانه‌روز، فصل‌ها و...) و مکان‌های موجود در داستان (پارک، خانه، مدرسه و...) و مکان‌های واقعی و تخیلی را مشخص کنند.

۸. اگر گفت‌وگوهای مهم و جملات ویژه‌ای پس از تماشا به یادشان مانده است، ذکر کنند.

۹. احساس خود و خانواده را بعد از اتمام پویانمایی توصیف کنند.

از دانش‌آموزان می‌خواهیم در یک کاغذ یا

سؤال‌تی است که در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفته است. در همین راستا از آن‌ها می‌خواهیم در بخش گفت‌وگو در چالش «شما معلم هستید» هم شرکت کنند که در نتیجه‌ی آن، بچه‌ها در حین تماشای پویانمایی منتخب و بحث و گفت‌وگو در مورد آن با خانواده، آنچه را در کلاس آموخته‌اند و تمرین کرده‌اند، به خانواده منتقل و مثل یک معلم نکات متعدد را بازگو می‌کنند.

آنچه انتظار داریم دانش‌آموزان در قالب پاسخ به سؤال‌ها به کلاس گزارش دهند، مواردی است که در ادامه می‌آید. البته این موارد با توجه به صلاحدید معلمان بزرگوار و مباحث مطرح‌شده در کلاس و رده‌ی سنی دانش‌آموزان و میزان توانمندی آن‌ها می‌توانند تغییر کنند. پس از دیدن پویانمایی منتخب، بچه‌ها باید بتوانند:

۱. آن پویانمایی را معرفی کنند و ارزیابی ابتدایی سامانه‌های هدایت مصرف را که در انتخاب پویانمایی به آن مراجعه کرده‌اند، در ابتدای کار خود بنویسند.

۲. خلاصه‌ای از داستان را با جزئیاتی که



ده عامل مؤثر در ایجاد انگیزه

زهرآقا اشرافی

آموزگار پایه‌ی دوم ابتدایی شهرستان گرمسار

در چارچوب کلاس درس، علاقه، توجه، تمرکز و پشتکار خصوصیات انگیزه‌بخش هستند. در کلاس، معلم مستقیم با این جنبه‌های انگیزشی سروکار دارد؛ مثلاً اگر دانش‌آموزی به درس توجه نکند، به گفته‌ها و راهنمایی‌های معلم وقعی ننهد و تکلیف‌های خود را انجام ندهد، به طبع یاد دادن مطلب به او بسیار دشوار خواهد بود.

مؤلفه‌های انگیزشی دیگری نیز وجود دارند که در درازمدت خود را نشان می‌دهند و معلمان به آن‌ها نیز باید بپردازند؛ مثلاً معلم دبستان نه تنها می‌خواهد دانش‌آموزانش به درس توجه کنند، بلکه مایل است به آنان بیاموزد که چگونه در زندگی آینده‌ی خود نیز از خواندن لذت ببرند. معلم تاریخ نیز نه فقط علاقه‌مند است که شاگردان درس‌های او را بیاموزند، بلکه امیدوار است این شاگردان در آینده نیز رویدادهای

اجتماعی و تاریخی را دنبال کنند. در ادامه، درباره‌ی اینکه چه عواملی بر انگیزه در کلاس درس می‌افزایند و چگونه می‌توان از این عوامل در کلاس استفاده کرد، سخن می‌گوییم. کاربرد این عوامل معمولاً نیازی به دگرگون کردن برنامه‌ی کلاس ندارد و بیشتر اوقات خود معلم در کلاس از عهده‌ی اجرای آن‌ها برمی‌آید. مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از:

۱ تشویق لفظی

در بسیاری از موارد حتی تشویق مادی، به اندازه‌ی تشویق لفظی معلم، در برانگیختن شاگرد مؤثر نیست. به کاربردن کلمات ساده‌ای نظیر «خیلی خوب»، «عالی»، «آفرین» که به دنبال پاسخ درست یا رفتار مطلوب شاگرد می‌آیند، وسیله‌ی بسیار مؤثری در افزایش انگیزش شاگردان است. تشویق لفظی در حقیقت ساده‌ترین و طبیعی‌ترین وسیله‌ی بالابردن سطح انگیزش شاگردان به حساب می‌آید.

۲ سنجش و ارزشیابی صحیح

در سال‌های اخیر، عده‌ی زیادی در مورد اینکه آیا وادار کردن دانش‌آموزان به یادگیری برای گرفتن نمره ارزشی دارد یا نه، بحث بسیار کرده‌اند.

گروهی که مخالف آزمون و نمره دادن هستند، استدلال می‌کنند که آزمون‌ها یادگیرنده را از مسیر اصلی یادگیری منحرف می‌کنند، باعث اضطراب او می‌شوند، به ناکامی علائق او می‌انجامد و نظام ارزش‌های او را به هم می‌زنند.

به عقیده‌ی این گروه نمره دادن در معلم نیز تأثیر نامطلوبی دارد؛ زیرا سبب می‌شود معلم قضاوت‌های غیرعادلانه‌ی بسیاری از خود نشان دهد که فقط بر پایه‌ی نمره‌ی شاگرد بنا شده است. علاوه بر آن، نمره دادن باعث می‌شود معلم روابط گرم و صمیمانه‌ی خود را با شاگردان از دست بدهد. این گروه همچنین عقیده دارند شاگردان بالاخره به نامتغیر بودن نمرات پی می‌برند.

دانش‌آموزان می‌فهمند که نمره تأثیری در یادگیری ندارد، ولی مجبورند برای نمره درس بخوانند. بنابراین، تأثیر نمره در انگیزش یادگیری زیاد است؛ ولی یادگیری را از مسیر مطلوب خود منحرف می‌کند.

مدافعان سنجش و ارزشیابی جواب می‌دهند که ارزشیابی و نمره که وسیله‌ای برای ارزشیابی است، یک حقیقت غیرقابل اجتناب زندگی است. ما نمی‌توانیم ارزش و اهمیت چیزی را بدون دادن نمره یا ارزشی به آن دریابیم و قدردانی کنیم. بعضی آزمایش‌ها نشان داده‌اند که امتحانات متعدد سبب می‌شوند دانش‌آموزان انگیزش بالایی پیدا کنند و موفقیت تحصیلی بیشتری به دست آورند (ابراهیمی، ۱۳۸۷).

واقعیت این است که در امر ارزشیابی باید به تفاوت‌های فردی توجه کنیم و به دانش‌آموزان اعتماد به نفس دهیم تا بدانند ارزشیابی برای مقایسه و سنجش یکی با دیگری نیست؛ بلکه آموزش و ارزشیابی دو فرایند درهم تنیده‌اند. هر نوع ارزشیابی فقط به منظور تصمیم‌های مهم در وضعیت آینده‌ی دانش‌آموزان صورت می‌گیرد. بنابراین ارزشیابی باید به صورت مستمر باشد و طی سال انجام شود. چند نمونه ارزشیابی پیشنهاد می‌شود:

۱. پرسش‌های کلاسی و آزمونک‌ها؛





● نبودن بازخوردهای به موقع در کلاس؛
● حضور دانش آموز در کلاسی که دیگر دانش آموزان آن، از نظر استعداد، در سطح پایین تری قرار دارند.

۱۰ قدرت و جایگاه معلمی

قدرت اجتماعی می تواند به شکل پاداش دادن یا قدرت اجرایی، قدرت قانونی، قدرت سرمشوق بودن و قدرت تخصص و کارایی خودنمایی کند. منظور از قدرت پاداش، داشتن قدرت مدیریت در پاداش دادن به دیگران است. این قدرت را می توان در روابط بین رئیس و مرئوس، شاگرد و معلم، والدین و فرزندان مشاهده کرد. در تمام این موارد، یک شخص می تواند اشخاص دیگر را با اضافه حقوق، نمره یا از طریق کلام تشویق کند.

قدرت اجرایی در حقیقت همان قدرت تنبیه است. قدرت قانونی نیز مبتنی بر قوانین، مقررات و رسوم اجتماعی است که بر اساس آن ها یک فرد اجازه می یابد بر رفتار اشخاص دیگر نظارت کند.

تجزیه و تحلیل این قدرت ها نشان می دهد که فرد می تواند، با استفاده از قدرت سرمشوق بودن، رفتار دانش آموزان خود را تحت تأثیر قرار دهد. شناخت این قدرت ها به معلم امکان می دهد، با استفاده صحیح و به موقع از آن ها، انگیزش دانش آموزان را در مسیر مطلوب و مورد نظر هدایت کند.

اطلاع دقیق و عمیق معلم از موضوع درس نیز نقش مهمی در بالابردن انگیزش در کلاس دارد؛ زیرا کمبود معلومات معلم سبب می شود شاگردان باهوش چنین کمبودی را به سرعت دریابند و دیگر توجه لازم را به درس نداشته باشند.

کرد که دانش آموزان توجهشان بیشتر به موضوع جلب شود؛ مثلاً اگر هدف تدریس یاد دادن دو مفهوم «عرضه و تقاضا» در اقتصاد باشد، بهتر است ابتدا برای درک آن مفهوم ها از مثال های آشنا، مثل عرضه و تقاضای خودرو، استفاده کرد؛ ولی برای بیان «کاربرد» آن مفاهیم بهتر است از زمینه های غیرعادی، مثل عرضه و تقاضای هواپیماهای جنگی، استفاده کرد.

۷ کاربرد مطالب آموخته شده

این کار سبب می شود مطالب آموخته شده قبلی تقویت شوند. همچنین دانش آموز می فهمد آنچه آموخته است، در آینده مورد استفاده ای او قرار خواهد گرفت. بنابراین در یادگیری فقط آموختن مسائل جدید مطرح نیست، بلکه مطالب آموخته شده قبلی نیز باید در زمینه ای فعلی تکرار شوند تا دانش آموزان بتوانند آن ها را بهتر به خاطر بسپارند.

۸ نمایش و بازی

بازی ها و نمایش ها دانش آموزان را بر می انگیزانند، تعادل را افزایش می دهند، تصویرهای روشنی از واقعیت های زندگی در برابر آن ها قرار می دهند و سبب می شوند دانش آموزان در یادگیری به طور مستقیم شرکت جویند. بسیاری از درس های کلاسی را می توان به صورت نمایش درآورد؛ مثلاً برای آنکه بچه ها بیاموزند یک سازمان چگونه اداره می شود، می توان آن ها را به سمت های گوناگون اداری منصوب کرد و از آنان خواست، به مدت یک ساعت، سازمان تشکیل شده را اداره کنند.

۹ محیط آموزشی مطلوب

حضور و شرکت مستقیم خود دانش آموزان در فرایند یادگیری مطالب درسی باید تقویت شود. عوامل یا حوادثی که این مشارکت را ناخوشایند می سازند، باید به حداقل برسند. برخی از این عوامل عبارتند از: - ناراحتی جسمی ناشی از نشستن در کلاس به مدت طولانی یا دشواری دیدن تخته سیاه - ناتوانی معلم در تقویت رفتارهای مطلوب، هنگام سنجیدن مطالب آموخته شده ی پیشین؛

● تدریس مطالبی که بالاتر از سطح درک و استعداد دانش آموزان است؛

۲. ارزشیابی از تکلیف ها؛ ۳. ارزشیابی فعالیت های کلاسی.

۳ کنجکاوی، جست و جوی و اکتشاف

محرک هایی که تازه، پیچیده و شگفت انگیز باشند، میزان انگیزش را در یادگیرنده بالا می برند. چنین محرک هایی باعث نوعی تعارض ذهنی در او می شوند که نتیجه ی آن افزایش انگیزش برای رفع این تعارض است؛ مثلاً در آزمایش انبساط اجسام، گلوله ای فلزی از داخل یک حلقه فلزی می گذرد، حال اگر گلوله را گرم کنیم، دیگر از حلقه نمی گذرد. همین موضوع چون باعث ایجاد شگفتی در دانش آموز می شود، او را وا می دارد که علت این اتفاق را کشف کند.

ایجاد شک و دودلی نیز عاملی در ایجاد انگیزش برای یادگیری است؛ مثلاً از شاگردان پرسیم: «آیا مجموع زوایای داخلی هرمی برابر ۱۸۰ درجه است یا نه؟» در همه ی این موارد نوعی کنجکاوی ادراکی ایجاد می شود. انگیزش تا زمانی ادامه می یابد که یا تعارض حل شود یا دانش آموز از به دست آوردن جواب خسته و ناامید شود. بنابراین، باید در نظر داشت که مسئله های مطرح شده چنان مشکل نباشند که بچه ها از به دست آوردن جواب ناامید شوند.

۴ فعالیت های غیرمنتظره

تغییر روش معمول و عادی معلم در کلاس ممکن است عاملی برای برانگیختن شاگردان باشد؛ مثلاً معلم می تواند ناگهان پیشهاد کند که کلاس درس در هوای آزاد تشکیل شود.

۵ مطالبی با مثال های آشنا

وقتی پای مثال زدن در میان باشد، استفاده از مطالب ها و موضوعات آشنا به مراتب بهتر از مطالب نامأنوس و ناشناخته است؛ مثلاً اگر در مسئله های حساب و هندسه از نام دانش آموزان کلاس استفاده شود، انگیزش و توجه بیشتر خواهد شد. همچنین استفاده از اشیای موجود در کلاس یا در مدرسه، برای ارائه ی مثال هایی از اجسام هندسی و... مطلوب تر از استفاده از اجسام ناآشناست.

۶ ارائه ی مثال های غیرعادی

برای ایجاد انگیزش در یادگیری باید کاری

ما با دوستی‌ها مدرسه می‌سازیم

نگاهی به تجربه‌ای مدرسه‌ای برای زیستن در بستر تحول بنیادین

دکتر سارا سلیمی نمین

مؤسس مدرسه‌ی ابتدایی، عضو هیئت

علمی دانشکده‌ی صنعتی امیرکبیر

دکتر آمنه سلیمی نمین

مدیر مدرسه‌ی ابتدایی، پژوهشگر تربیت دینی

عنوان یک معلم با دیگر معلمان مدرسه دوست شوم؟ آیا درست است رابطه‌ی دوستی بین مدیر و معلمان و معلمان با یکدیگر شکل بگیرد؟ آیا فضای دوستانه، شرایط کار حرفه‌ای را به خطر نمی‌اندازد؟ شاید کمی سطح را تغییر بدهیم و از همه‌ی نقش‌آفرینان درون مدرسه صحبت کنیم و رابطه‌های دوستی ممکن بین آن‌ها را بررسی کنیم؛ آیا رابطه‌ی دوستی بین مدیران و معلمان با دانش‌آموزان ممکن یا حتی لازم است؟ آیا رابطه‌ی دوستی بین مدیران و معلمان با والدین ممکن و لازم است؟ شاید هم لازم باشد کمی پیش‌تر برویم و سؤالات خود را چنین ادامه دهیم: «آیا ما به عنوان کارکنان و معلمان مدرسه، لازم است روی رابطه‌ی بین دانش‌آموزان و مادرها و پدرهاشان نیز اثر گذار باشیم؟»

پاسخ به این سؤالات حتی در شرکت‌ها و سازمان‌های رسمی نیز دشوار است. از یک سو، دوستی‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل زندگی روزمره‌ی ما انسان‌ها و انگیزه‌ی ما برای انجام کارهای روزمره و تکراری هستند. از سوی دیگر، گاهی دوستی‌ها یکی از عامل‌های شکست شرکت‌ها و برنامه‌ها به حساب می‌آیند. هر وقت با تضادی در این سطح روبه‌رو می‌شویم، نیاز است، بار دیگر، درک خود را در سه سطح بینش، دانش، مهارت و ابزار بازنگری کنیم تا در

شکل بگیرد. به میزانی که این قصه‌ها راه خود را به خانه‌های بیشتری باز کنند، این راه ادامه پیدا خواهد کرد.

چگونه می‌توان قصه‌های زیادی را به هم پیوند زد؟ چگونه قصه‌ها، در کنار هم باقی می‌مانند؟ چگونه قصه‌هایی که رشد می‌کنند و هر کدام راهی را در پیش می‌گیرند و گاهی از یکدیگر دور هم می‌شوند، باز اشتراک خود را حفظ می‌کنند؟ همه می‌دانیم قصه‌های مشترک بر پایه‌ی «دوستی‌ها» شکل می‌گیرند، اما همه‌ی ما بارها و بارها نیز از دوستی‌هایی که ادامه پیدا نکرده‌اند، شنیده‌ایم. سؤالاتی از قبیل اینکه «با چه کسانی دوست شویم؟»، «چگونه دوستی‌ها را بسازیم؟» و «چگونه دوستی‌هایمان را حفظ کنیم؟» هنوز هم سؤالات بسیاری از ما هستند. در یک مدرسه، این سؤالات عمیق‌تر و زیربنایی‌تری شوند، وقتی از خود می‌پرسیم: «آیا اصلاً قرار است من به

قصه‌ی آب و آینه تک‌قصه نیست. این مدرسه با به اشتراک گذاشتن نقشه‌ی راه خودیادگیری شناختی و برساختی، بستری را برای ایجاد قصه‌ها شکل داده است. آغاز این مسیر با قصه‌های معلم کارآفرینانی شروع شد که هر یک شخصیت‌هایی را خلق کردند و با مجموعه‌ای از بازی‌ها و داستان‌ها، نقشه‌ی راه را برای دختران آب و آینه به مرحله‌ی اجرا درآوردند. بعد از آن، این قصه‌ها با قصه‌ی دانش‌آموزان همراه شد و در خانه‌های آن‌ها ادامه پیدا کرد تا نمونه‌هایی از قصه‌های خودیادگیری دانش‌آموزان ایرانی





نهایت رفتار ما که برخاسته از این سطوح است، ترمیم و اصلاح شود و تضاد منتج از نقص‌ها و برداشته‌های اشتباه رفع شود.

دوستی چیست؟ اگر دوستی مثل آب و هوا که از الزامات حیات طبیعی انسان‌ها هستند، از الزامات زندگی اجتماعی است، چه تعریفی از آن می‌تواند هم‌انگیزه‌ی لحظات شاد روزمره‌ی ما را بسازد و هم ما را متعهد به اخلاق حرفه‌ای در کسب‌وکار و زندگی روزمره کند؟

برخی دوست را فردی می‌دانند که می‌توانند با او برنامه‌ریزی مشترکی برای اوقات فراغت داشته باشند و لحظات شادی را با او بگذرانند. برخی دیگر، ارزش دوستی را در درک مشترک برای به‌اشتراک گذاشتن دردها می‌دانند؛ دوستی که آن‌ها را می‌شنود و با تأیید آن‌ها، تسکینی بر دردهای آن‌ها خواهد بود. برخی دیگر، دوست را فردی می‌دانند که می‌توانند با او رازهای خود را در شکستن قواعد و چهارچوب‌های شناخته‌شده در میان بگذارند و حتی می‌توانند، در برنامه‌هایی مشترک، عبور از مرزها و قواعد را با او تجربه کنند و خاطرات مشترک بسازند. آن‌ها ارزش دوستی را در به‌اشتراک گذاری رازها می‌دانند. برخی از افراد نیز تعریف‌های دیگری دارند که تفاوت‌ها و مشابهت‌هایی با همین سه نگاه دارند.

«درک مشترک و همدلی بر پایه‌ی امنیت» مفهوم‌های مشترکی هستند که در پس‌زمینه‌ی همه‌ی تعریف‌ها و انتظارات از دوستی دیده می‌شوند. هر فردی در رابطه‌ی دوستانه به دوست خود اطمینان دارد و مطمئن است که دوستش خیر و آرامش را برای او می‌خواهد و بر تعهدات خود می‌ماند؛ اما تفاوت در نقطه‌ی تمرکز امنیت و تعهد موردانتظار در دوستی

است؛ یکی این امنیت و تعهد را برای اوقات فراغت می‌خواهد، یکی برای دردهای روزمره، دیگری برای عبور از مرزها و ساختن رازهای پنهانی. دوستی واقعی را لازم است در نقطه‌ی تمرکز جست‌وجو کرد. اگر درک و همدلی بر پایه‌ی امنیت و تعهد روی مسیر «رشد و تعالی» دوست تمرکز یابد، دوستی واقعی متولد و در ادامه‌ی مسیر قوی و قوی‌تر می‌شود. در این مسیر، فرد آینده‌ی دوست خود می‌شود، او را دقیق می‌بیند و به‌جای تأیید یا رازداری صرف، پس از همدلی، به‌دور از سرزنش و شماتت، خلأها را نیز نشان می‌دهد تا دوستش از نگاه او راه را پیدا کند و حرکت خود را ادامه دهد. چه امنیتی بالاتر از اینکه راه، با همه‌ی سختی‌هایش، آهسته و آهسته آشکار شود تا بتوان گام بعدی رشد را پیمود.

در آب و آینه، در شبکه‌های ارتباط دوستانه زندگی می‌کنیم. هر معلم در نقاط گوناگونی برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری قرار دارد. معلم کارآفرینان برای خودیادگیری دانش‌آموزان در ترسیم نقشه‌ی راه و طراحی مجموعه‌ای از موقعیت‌های یادگیری مشارکت دارند. لازم است آن‌ها مجموعه‌ای از بازی‌های فکری و حرکتی را با مجموعه‌ای از شخصیت‌های داستانی و داستان‌های آن‌ها خلق کنند. همچنین لازم است مجموعه‌ای از اردوها و رویدادها را طراحی کنند تا در نهایت هر دانش‌آموز در ترکیب آن‌ها، خودیادگیری خود را روی گام‌های خود، دنبال کند. در این مسیر، با اینکه نقاط برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری بیان شده است، با این حال، اجرای آن‌ها برای هر معلم با سختی‌ها و پیچیدگی‌های بسیاری همراه است. در کنار سختی‌های پیاده‌سازی، بازخوردگیری و سپس

تکمیل و اصلاح نیز وجود دارند. اگر سختی اولی (پیاده‌سازی و اجرا)، در درک جدید رویکردها و مدل‌های یاددهی و یادگیری و تلاش برای ساخت آن‌ها در مقام مفهوم است، سختی دومی (بازخوردگیری) در مشاهده‌ی تجربه‌های دانش‌آموزان و خودیادگیری آن‌هاست. مشاهده‌ی نتیجه‌های موردانتظار از بالاترین لحظات شادی هر معلم است؛ اما اگر نتیجه حتی کمی از سطح انتظار طراحی شده پایین‌تر باشد، معلم بی‌شک، بارها و بارها، راه رفته را ارزیابی و بازنگری می‌کند تا مسئله‌های راه را پیدا و حل کند و راه‌های رفته، مطمئن‌تر پیموده شوند. هیچ دردی از این بالاتر برای معلم نیست که او همه‌ی تلاشش را کرده باشد که کودکی، از درون موقعیت یادگیری، تجربه‌ی خود را بسازد و توشه‌ی یادگیری خود را بردارد، اما یا او در موقعیت یادگیری قرار نگیرد یا نتیجه‌ی موردانتظار حاصل نشود. به‌طور معمول کودکان وقتی به موقعیت یادگیری پاسخ نمی‌دهند، تمایل نداشتن خود را با رفتارهایی از نوع لجبازی، پرخاشگری یا تنظلم‌خواهی نشان می‌دهند. سختی کار معلم، در چنین مواردی، وقتی پیچیده‌تر می‌شود که آن‌ها با مشکلات و موانع ذهنی دانش‌آموزان نیز برای ورود به تجربه‌ها روبه‌رو می‌شوند. برخی از آن موانع به‌راحتی حل نمی‌شوند. برخی از آن موانع نیز خاطراتی را از مسیر رشد خود معلم، از دوره‌های گوناگون کودکی و نوجوانی، برایشان تداعی می‌کنند. از این‌رو، معلم وقتی با هم‌روبه‌رو می‌شوند، حرف‌های بسیاری دارند تا راه‌های رفته و نرفته‌ی خود را بیابند و انگیزه‌ی حرکت یکدیگر شوند. معلم‌ها در این مسیر به «فضای امنی» نیاز دارند که بتوانند اندیشه‌ها و تجربه‌های خود را با یکدیگر به‌اشتراک بگذارند. ما در آب و آینه، فضای امن را پایه‌ی هر ارتباطی می‌دانیم. دانش‌آموز وقتی دست به تجربه در موقعیت یادگیری می‌زند که احساس امنیت کند، معلم نیز زمانی مشاهداتش را با مشاور مدرسه، برای دریافت مشاوره، در میان می‌گذارد که احساس امنیت کند. معلم و مشاور زمانی با تیم علمی مدرسه مشاهداتشان را مطرح می‌کنند و در راستای ترمیم موقعیت یادگیری قدم برمی‌دارند که فاصله‌ای با تیم علمی نداشته باشند و احساس امنیت کنند. زمانی این نظام آموزشی به‌خوبی کار می‌کند که خانواده و مدرسه در کنار یکدیگر احساس امنیت کنند. به این ترتیب، مدرسه بر پایه‌ی دوستی‌ها شکل می‌گیرد و قصه‌ها ساخته می‌شوند.

تولید محتوا در آزمایشگاه مجازی



ژارمن یولید سن ونسان
مدیر دبیرستان و هنرستان
ماری مانوکیان منطقه ۶ تهران

انگیزه در دانش‌آموزان و کاوش بیشتر به کار می‌روند. این شبیه‌سازی‌ها محیط‌های یادگیری تعاملی‌اند که به‌طور مستقیم و بلافاصله به ورودی‌های کاربر پاسخ می‌دهند و بر ارتباط بین پدیده‌های واقعی زندگی و علم زیربنایی تأکید می‌کنند. پس برای شروع و درک این تجربه‌ی بی‌نظیر به وبگاه^۲ فت سر بزیند و با آموزش خود دانش‌آموزان را غافلگیر کنید.

پس از ورود به وبگاه و انتخاب مبحث درسی موردنظر می‌توانید، در فضایی جذاب، دانش خود را از طریق نرم‌افزارهایی که از صفحه‌ی نمایش عکس و فیلم تهیه می‌کنند، به دانش‌آموزان منتقل کنید و محیطی درک‌شدنی را برای آن‌ها رقم بزنید.

برای تبدیل توضیحات و تدریس به تکه‌فیلم (کلیپ) آموزشی، کافی است نرم‌افزار اسنکیت^۳ را بارگیری (دانلود) کنید. این نرم‌افزار امکانات و تنظیمات بسیاری برای تصویربرداری و ویرایش تصویر دارد و این اجازه را به شما می‌دهد تا با استفاده از حالت‌های گوناگون تصویربرداری، انواع متعدد تصویر را از صفحه‌ی نمایشگر بگیرید. سپس آن‌ها را به‌دخواه ویرایش کنید. پس از نصب این نرم‌افزار، می‌توانید به‌راحتی آن را در سامانه‌ی خود اجرا کنید. بخش‌هایی از آن به این شرح است:

● پنجره‌ی اصلی که سه زبانه‌ی Image، Video، و All in One دارد. هر کدام از این زبانه‌ها تنظیمات موردنیاز برای عکس‌برداری یا ضبط ویدئو را شامل می‌شود. گزینه‌ی All in One in One انعطاف‌پذیر است و دو گزینه‌ی دیگر را برحسب نیاز در اختیار شما قرار می‌دهد. گزینه‌های Video و Image نیز واضح است که به‌ترتیب برای ضبط ویدئو و عکس‌برداری کاربرد دارند.

● در پنجره‌ی اصلی، برای شروع ضبط ویدئو کافی است روی گزینه‌ی Capture کلیک کنید.

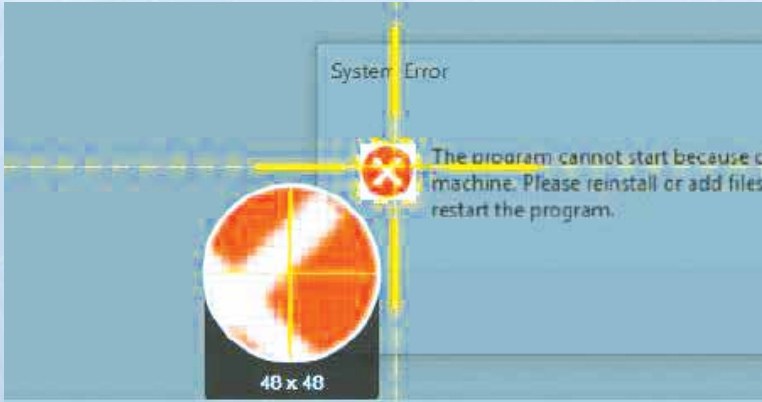
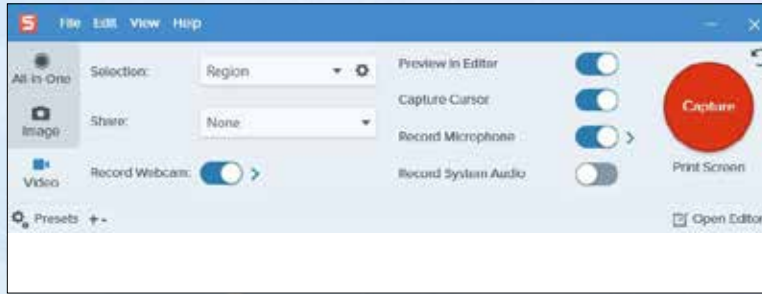
خطا، تقویت یا کاهش ابعاد زمانی و مکانی، قابلیت نمایش اطلاعات به‌صورت انعطاف‌پذیر و سرعت و پویایی. در آزمایشگاه‌های مجازی تمام امکانات و تجهیزات لازم برای انجام آزمایش‌های درسی، به‌طور کامل یا فراتر از آن، در نظر گرفته شده است. در این آزمایشگاه‌ها دیگر نگران مواد سمی و خطرناک نیستید و با اطمینان و امنیت به انجام آزمایش‌های متعدد می‌پردازید. این فناوری به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا با انجام کارهای متفاوت مثل توقف آزمایش، یادداشت‌برداری و اجرای دوباره‌ی آن به کشف موضوع بپردازند.

شبیه‌سازی‌های فت^۱ به‌ویژه برای ایجاد نمایش‌های بصری مفهوم‌های دشوار در علوم، ریاضی، فیزیک، شیمی و زیست مفید واقع شده‌اند. این شبیه‌سازی‌ها بیشتر هدفمند هستند و به یک پدیده یا مفهوم فیزیکی خاص می‌پردازند؛ مثلاً شبیه‌سازی بادکنک‌ها و الکتریسیته‌ی ساکن به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا تغییرات در توزیع بار را زمانی که بادکنک به پیلور مالیده می‌شود و به دیوار می‌چسبند، به‌راحتی تجسم کنند. کارکرد اصلی شبیه‌سازی‌ها بازی‌ها و چالش‌های ضمنی یا صریحی هستند که برای ایجاد

آزمایشگاه مجازی وبگاه یا نرم‌افزاری است که یادگیری تعاملی را بر اساس شبیه‌سازی پدیده‌های واقعی امکان‌پذیر می‌کند. برنامه‌های کاربردی آزمایشگاهی، علاوه بر ارائه‌ی اطلاعات علمی، در ارتقای مهارت‌های تفکر علمی، مشاهده، تفکر خلاق، اظهارنظر در مورد موقعیت‌ها، جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل و توانایی حل مسئله نیز به دانش‌آموزان کمک می‌کنند. این امر نه‌تنها باعث ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان می‌شود، بلکه آن‌ها را با مراحل اکتشاف علم و روش علمی نیز آشنا می‌کند تا از نو به کشف و تجزیه‌ی مطالب بپردازند.

آزمایشگاه مجازی می‌تواند جایگزینی مناسب برای آزمایشگاه واقعی باشد. این آزمایشگاه‌ها بر مبنای واقعیت مجازی ساخته می‌شوند و تأثیر مثبتی بر مهارت‌های مشارکتی دانش‌آموزان، نگرش‌ها و درک مفهومی آن‌ها دارند. استفاده از شبیه‌سازی‌های مبتنی بر رایانه برای آموزش، در این آزمایشگاه، مزایای زیادی دارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: ایمنی، بهره‌وری، به‌حدقل رساندن میزان

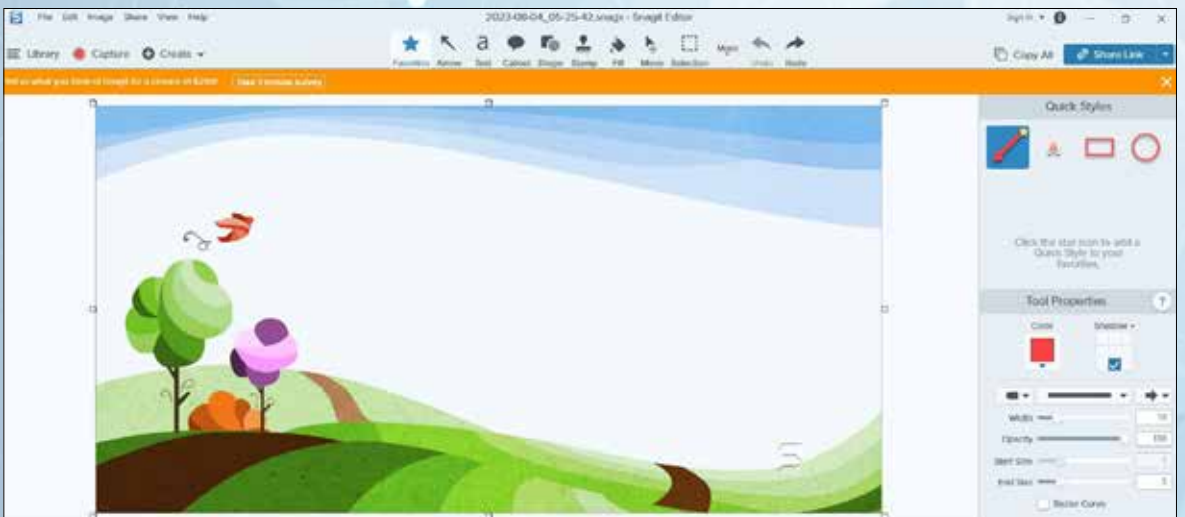




● ابزار **crosshairs** برای انتخاب قسمتی است که می‌خواهید ضبط کنید. برای این کار روی منطقه‌ی موردنظر کلیک و آن را بکشید (درگ کنید) تا انتخاب شود.
 ● پس از اتمام ضبط ویدئو یا عکس‌برداری، به‌صورت خودکار پنجره‌ی **editor** که شامل گزینه‌های ذخیره یا به‌اشتراک‌گذاری است، باز می‌شود.
 توسط صفحه‌ی ویرایش می‌توانید این اقدامات را انجام دهید:
 ● درج و طراحی پیکانه (فلش) با ابزار **Ar-row**.

- برش عمودی و افقی تصویر با ابزار **Cut out**.
- ترسیم خطوط به‌صورت آزاد با ابزار **Pen**.
- ترسیم خطوط با ابزار **Line**.
- مشخص و برجسته کردن قسمت موردنظر با ابزار **Highlighter**.
- درج شمارنده روی تصویر با ابزار **Step**.
- پاک کردن با ابزار **Eraser**.
- بزرگ‌نمایی بخشی از تصویر با ابزار **Magnify**.
- ابزار پوشش بخشی از تصویر با اشکال با ابزار **Stamp**.
- رنگ‌آمیزی با ابزار **Fill**.
- جابه‌جایی عناصر درج‌شده روی تصویر با ابزار **Move**.
- برگرداندن عمل انجام‌شده با ابزار **Undo**.
- برگرداندن عمل برگردانده‌شده با ابزار **Redo**.
- شما به‌راحتی می‌توانید آموزش خود را در فضای شبیه‌سازی‌شده تدریس و ضبط و محتوای ارزشمندی را تولید کنید.

- درج متن با ابزار **Text**.
- درج پیرامند (کادر) متنی با ابزار **Callout**.
- درج و طراحی اشکال با ابزار **Shape**.
- انتخاب تصویر با ابزار **Selection**.
- درج جلوه‌ی مخفی کردن و پوشاندن بخشی از عکس با ابزار **Blur**.
- تولید و درج عناصر گرافیکی برای پوشش متن و اشکال با ابزار **Simplify**.
- انتخاب محدوده‌ها بر اساس همسانی رنگ با ابزار **Magic Wand**.
- برش تصویر با ابزار **Crop**.



کتاب بازی‌های کلاسی ما



محمد سبحانی
عضو بنیاد تعلیم و تربیت برهان

در شماره‌های پیشین مجله، در همین صفحه، در مورد برخی از قالب‌های مسئله‌محوری صحبت کردیم؛ اما ذکر این نکته نیز ضروری است که مسئله‌محوری فقط یک قالب طرح درس نیست، بلکه رویکردی است که روی تربیت بچه‌ها نیز کار می‌کند. در واقع می‌توان در همه‌ی زمینه‌ها

بچه‌ها را مسئله‌محور کرد تا به تدریج به سطح‌های بالاتر برسند. سطحی که ما آن را «تکلیف‌محوری» می‌نامیم. در این سطح است که می‌گوییم مسئله باید ارزش ایمانی یا انسانی داشته باشد. در نوشته‌ی پیش رو، تجربه‌ای مسئله‌محور را در زمینه‌ی کتاب‌خوان کردن بچه‌ها بیان می‌کنم. این مقاله با محوریت مربی‌بودن و مأموس کردن بچه‌ها با موضوعی خاص، به جای شرطی کردن آن‌ها، نوشته شده است.

روزی یکی از معلم‌ها رو به من کرد و گفت: «بچه‌ها باید کتاب‌خوان شوند!» این جمله‌ی آشنا بارها در ذهنم مرور شد. با خودم گفتم: «هن که مثل خیلی از معلم‌های دیگر تلاشم را می‌کنم، پس چرا بچه‌ها کتاب‌خوان نمی‌شوند؟!»

تاکنون چندین بار مسابقه‌ی کتاب‌خوانی برگزار کرده و حتی از جیب خودم به بچه‌ها جایزه داده بودم. اکثر بچه‌ها هم در مسابقه شرکت می‌کردند و کتاب مسابقه را هم می‌خواندند، اما به محض اینکه مسابقه تمام می‌شد، دیگر کسی کتاب نمی‌خواند. البته دوسه نفری بودند که با این روش از کتاب خوششان آمده بود و شاید کمی هم کتاب‌خوان شده بودند؛ ولی این به دل من نمی‌چسبید. خیلی با خودم فکر کردم و کلنجار رفتم. از دوستان و معلم‌های دیگر هم تقاضای راهکار کردم و انصافاً چیزهای خوبی هم به دست آوردم. چند راه را هم امتحان کردم؛ مثلاً به بچه‌ها گفتم هر کس کتابی را خواند، اجازه دارد چند دقیقه‌ای در کلاس خلاصه‌ی آن را بگوید یا به آن‌ها گفتم، از این به بعد، ما زنگ کتاب‌خوانی هم داریم. از آن‌ها خواستیم هر کدام کتاب داستانی را با خود بیاورند و در این زنگ مطالعه کنند. یا مثلاً کلاسی به اسم «صندلی صمیمیت» ایجاد کردیم. قرار شد، در این کلاس، هر کس یک داستان از خودش بسازد و بگوید تا شاید بچه‌ها به داستان و بعد به کتاب علاقه‌مند شوند. حتی یک طرح درس جذاب هم به ذهنم رسید و اجرا کردم که خیلی خوب و قابل استفاده بود. این طرح درس به این شکل بود که من یک جمله روی تخته می‌نوشتم. سپس هر کس باید یک جمله می‌گفت. آن جمله را هم پای تخته می‌نوشتیم تا داستان تکمیل شود؛ مثلاً پای تخته می‌نوشتیم: یک روز حسین در صف ایستاده بود که... ادامه‌ی داستان را خود بچه‌ها می‌گفتند. هر کس اجازه داشت یک جمله بگوید تا داستان تکمیل شود. داستان‌های خوبی هم از آب درمی‌آمدند. نام آن‌ها را «قصه‌ی پاخته‌ای» گذاشته بودیم.

بعدها قصه‌ی پاخته‌ای یکی از کارهای موردعلاقه‌ی بچه‌ها شده بود. بعد از نوشتن قصه، برای آن، نام هم انتخاب می‌کردیم. به این صورت که هر کس یک اسمی می‌گفت و بعد از رأی‌گیری نام قصه مشخص می‌شد. بعد از همه‌ی این کارها، عکس قصه‌ی نوشته‌شده را برای بچه‌ها می‌فرستادم که از روی آن



بنویسند و قصه‌ها را در دفترشان یادگاری نگه دارند.

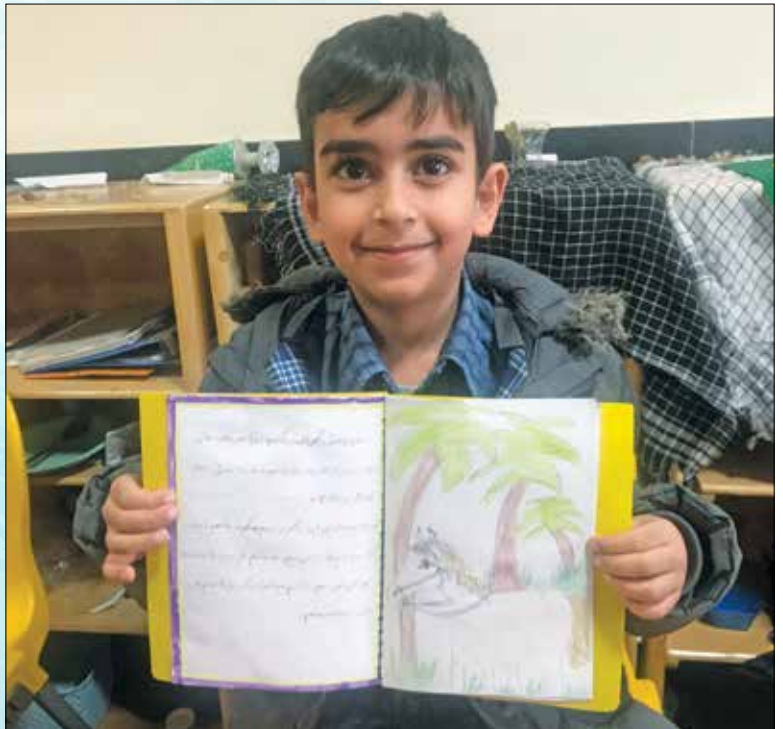
گاهی هم کلمات سخت کتاب را گوشه‌ی تخته می‌نوشتیم و هر کس که می‌خواست جمله بگوید و داستان را ادامه دهد، باید یکی از کلمات گوشه‌ی تخته را انتخاب می‌کرد. این‌گونه روی املاي بچه‌ها هم کمی کار می‌کردم.

یکی دیگر از کارهایم این بود که از پایه شروع کردم. گفتم شاید اگر با جمله‌سازی شروع کنم، بچه‌ها کم‌کم داستان‌نویسی‌شان بهتر می‌شود و خودشان علاقه‌مند به خواندن داستان می‌شوند و در ادامه کتاب‌خوان هم می‌شوند.

راه جالبی بود. با کلمات کتاب فارسی شروع کردم. ابتدا ده کلمه گفتم. هر کس با آن جمله‌ای ساخت و تعداد کلمات بیشتر شد. کم‌کم قانون گذاشتیم که جمله باید بالای پنج کلمه داشته باشد. قانون دیگر این بود که من فلان چیز را دوست دارم یا دوست ندارم، قبول نیست. حس کردم برخی از بچه‌ها این تمرین را دوست ندارند؛ برخی از آن‌ها اوایل می‌گفتند ما جمله‌ای به ذهنمان نمی‌رسد. کلمه را در کلاس مطرح می‌کردم و می‌گفتم هر کس هر چیزی در مورد این کلمه به ذهنش می‌رسد، بگوید. به این صورت در مورد یک کلمه کلی جمله ساخته می‌شد.

باز هم حس می‌کردم هنوز برخی مشتاق نیستند؛ برای همین کار جالبی به ذهنم رسید. شروع کردم به واکنش‌نشان دادن به جملات بچه‌ها که به عنوان تکلیفشان بود؛ مثلاً در مورد جمله‌ای که دانش‌آموز می‌نوشت، من هم نظرم را با تصویر لیخنند برایش می‌نوشتیم یا کمی طنزش می‌کردم که همین باعث می‌شد کلی جذابیت برای نوشتن جمله ایجاد شود. گاهی هم بچه‌ها از عمد جملاتی می‌نوشتند تا جواب یا واکنش من را ببینند.

در ادامه، گفتم با هر کلمه دو جمله ساخته شود و بعد سه جمله و همین‌طور پیش رفتیم تا جایی که از بچه‌ها می‌خواستیم، یا ده کلمه، یک صفحه متن بنویسند. به تدریج مراحل سخت‌تر و سخت‌تر می‌شد؛ مثلاً به بچه‌ها گفتم هر کس یک کتاب داستان با کمک خانواده‌اش درست کند و به کلاس بیاورد تا بقیه استفاده کنند. جالب بود که برخی از خانواده‌ها به خوبی همکاری می‌کردند و تقسیم کار به راحتی شکل می‌گرفت؛ مثلاً مادر تصویرگری کتاب داستان را بر عهده می‌گرفت،



دانش آموز نویسندگی کار را بر عهده داشت و پدر داستان سرایی و برادر یا خواهر کوچک تر رنگ آمیزی و... در نهایت هم در نمایشگاهی که برای کلاس در نظر می گرفتیم، کتاب های داستان به نمایش در می آمد.

از دیگر کارهایی که در این زمینه انجام دادم، اجرای ایسدهی «رادیونمایش» بود. به این شکل که یکی از داستان های کتاب فارسی را انتخاب می کردیم و در هر داستان به هر کس نقشی می دادیم. یک نفر راوی می شد، یک نفر گنجشک، نفر بعدی شخصیت های دیگر داستان و حتی گاهی برخی از بچه ها نقش محیط، مثل صدای پا و برگ و باران و... را نیز بازی می کردند. من هم با گوشی صدا را ضبط و برایشان پخش می کردم. خیلی برایشان جذاب بود. بعد هم نمایشمان را در گروه های کلاسی می گذاشتیم تا اولیا هم لذت ببرند.

بعد از آن، بچه ها را گروه بندی کردیم. هر گروه یک داستان را پیش می برد و رادیونمایشش را می ساخت. کم کم برخی از بچه ها در پایه های بالاتر دبستان به سمت تدوین هم رفتند که رادیونمایش گروه خود را تدوین کنند.

بعد از داستان های کتاب، از خود بچه ها خواستم که خودشان کتاب هایی بیاورند و رادیونمایش بخشی از آن را بسازند. این اتفاق هم افتاد.

کلی کار دیگر هم انجام شد تا دانش آموزان کتاب خوان شوند؛ اما همچنان به دل من ننشسته بود و هنوز حس می کردم یک جای کار می لنگد. آن سال هم گذشت و من راه حل

خوبی پیدا نکردم.

یک روز که در حال مطالعه بودم، جمله ای ذهنم را درگیر کرد. نوشته بود: «تربیت امری تدریجی است.»

بعد از خواندن این جمله، کتاب ها و احادیثی نیز در زمینه ی مربی بودن مطالعه کردم و به نتیجه های جالبی رسیدم؛ مانند این حدیث از حضرت علی (ع) که در نهج البلاغه نوشته شده بود: «هر کس می خواهد به مردم آموزش دهد باید قبل از آموزش به دیگران، به خود آموزش دهد. مربی باید پیش از تربیت زبانی، با رفتارش تربیت کند.»

کم کم داشتم امیدوار می شدم که شاید بتوانم راهکاری پیدا کنم. تقریباً کمی فهمیده بودم که مشکل چیست. مشکل این بود که من از مربی بودنم استفاده نمی کردم. بچه ها را شرطی می کردم و سعی ام بر این بود که با انگیزه های بیرونی، مثل جایزه، بچه ها را تشویق به کتاب خواندن کنم؛ اما کتاب خوان شدن برایشان درونی نمی شد.

افق دیدم خیلی بازتر شده بود. آن سال را یکی از بهترین سال های معلمی یا بهتر بگوییم مربی بودن خودم می دانم. اوایل سال بود. بعد از چند هفته ارتباط برقرار کردن و محبت به دانش آموزانم، وقتی صمیمیتی بینمان ایجاد شد، از این ولایت و محبت استفاده کردم.

یک روز با یک کتاب داستان وارد کلاس شدم. کتاب را روی میز گذاشتم. وقتی بچه ها مشغول انجام کاری می شدند، من کتاب را بر می داشتم و کمی آن را می خواندم و بچه ها هم

این صحنه را می دیدند. فردای آن روز یکی از بچه ها از من پرسید: «آقا، چه کار می کنید؟» من گفتم: «کتاب می خوانم.» گفت: «می شود من هم کتابتان را ببینم و بخوانم؟!» من هم از خدا خواسته گفتم: «آره عزیزم، فقط بعد از زنگ تفریح کتاب را تحویل من بده.» او هم چشمی گفت و رفت. زنگ تفریح بعد دوباره آمد و کتاب را گرفت. من هم یواشکی دنبالش رفتم و دیدم که چند نفر دیگر دور او جمع شدند و در حال خواندن همان کتاب هستند. به قول معروف دیگر در پوست خودم نمی گنجیدم. فردای آن روز کتاب های روی میز را چندتا کردم. تعداد بیشتری برای گرفتن کتاب به من مراجعه کردند و من هم با کمال میل کتابها را به آنها می دادم.

این کار با یک نفر شروع شد و بعد از حدود یک ماه اکثر کلاس درگیر کتاب خواندن شدند، بدون اینکه جایزه ای در کار باشد. یاد جمله ی «تربیت تدریجی است» افتادم.

بعد از یک ماه، خود بچه ها درخواست کردند یک زنگ کتاب خوانی داشته باشیم و من این زنگ را برایشان گذاشتم. چون درخواست خودشان بود، خیلی بیشتر استقبال می کردند. واقعاً با زنگ کتاب خوانی ای که سال های قبل خودم می گذاشتم، متفاوت بود. کم کم کارهای سال های قبل را هم در کنار این ادامه دادم. بچه ها خیلی بهتر رادیونمایش می ساختند. جمله سازی ها کولاک می کرد. صندلی صمیمیت همان چیزی شده بود که دلمان می خواست؛ گرم و صمیمی. قصه های پاخته ای شده بود یک دفتر پر از قصه که خودش می توانست یک کتاب جذاب باشد.

بچه ها هم در ادامه با کمک مادر و پدر و خواهر و برادرشان یک کتاب کوچک درست کردند که در کتابخانه ی کلاس جا گرفت. خود بچه ها می خواندند. کم کم خودشان در کلاس کتابخانه هم ساختند و کتاب هایی را به آنجا اهدا کردند.

این کارها باعث شد بچه ها حس خوبی به کتاب خوانی پیدا کنند. در واقع با فضای کتاب و کتاب خوانی انس بگیرند.

بعد از حدود هفت سال که هنوز با برخی از آن دانش آموزان در ارتباط هستم، هنوز هم خیلی خوب کتاب می خوانند. واقعاً به لطف خدا اثر کوچکی روی بچه ها گذاشته شد. پیش همکارم رفتم و تأکید کردم که درست می گویی! بچه ها باید کتاب خوان شوند.

نکته: زنگ کتاب خوانی زمانی به ساعت های





کلانسی اضافه شد که خود بچه‌ها احساس کردند به آن زنگ نیاز دارند. این گونه استقبال بهتری هم نشان دادند.

همان‌طور که قبلاً هم گفته شد، ما به جای ماهی‌دان و حتی ماهیگیری یاد دادن، اول باید کاری کنیم که شخص بفهمد گرسنه است و نیاز خودش را درک کند، سپس خودش به دنبال ما می‌آید و می‌گوید به من ماهیگیری یاد دهید یا راه دیگری برای مسئله‌اش پیدا می‌کند. در این مقاله سعی کرده‌ام چند روش برای بهتر شدن املای بچه‌ها، قوی تر شدن درک مطلبشان و همین‌طور انس با داستان و کتاب را مطرح کنم.

آموزگاران عزیز، این جمله یادمان باشد که بچه‌ها آن چیزی که می‌خواهیم نمی‌شوند، بلکه آن چیزی می‌شوند که ما هستیم؛ پس روی خودمان هم کار کنیم و یادمان باشد ما الگوهای دانش‌آموزانمان هستیم.

اهمیت الگورامی شود در نظریه‌ی روان‌شناسی بندورا هم دید. بندورا واژه‌ای به اسم «یادگیری مشاهده‌ای» را تعریف کرده و معتقد است که بچه‌ها دائماً از طریق مشاهداتشان در حال یادگیری‌اند. او معتقد است آن‌ها بیشتر از اینکه بخواهند از طریق تشویق و تنبیه‌هایی که در ازای اعمالشان دریافت می‌کنند، یاد بگیرند، از مشاهداتشان اطلاعات می‌گیرند و آموخته‌هایشان را هر زمان که لازم بدانند، اجرا می‌کنند.

کسی که نقش کلیدی را بازی می‌کند یا محبوبیت بیشتری دارد، سرمشق یا الگوی بچه‌هاست. پس حواسمان باشد که ما در کلاس از مربی‌بودنمان، در جهت تربیت بچه‌ها، می‌توانیم خیلی استفاده کنیم. کلام آخر اینکه تربیت تدریجی است و باید صبر داشته باشیم تا نتیجه‌ی کارمان را ببینیم.



با سکوت احساس راحتی کنید

سید علی عبداللہی حسینی

سفیر نوآفرینی آموزش، مربی (کوچ)

دکتر عدرا بیگم ہڑبری

مدرس دانشگاه و مدیر دبستان

دخترانہی مہرگان بابل

سکوت یکی از شاہکارہای فراموش شدہ در فرایند پرسشگری است. زمانی کہ ما سکوت می کنیم، فرصت خوبی برای گوش کردن و سپس فهمیدن فراهم می آوریم. سکوت بہ ما کمک می کند با

تمرکز روی صدای درونی خود، ایده هایی نوآورانه و خلاقانہ برای حل مسائلمان پیدا کنیم. علاوہ بر آن، سکوت فرصتی را برای دیگران ایجاد می کند تا آن ہا ہم صحبت کنند و نظراتشان را بہ اشتراک بگذارند. این امر باعث می شود افراد بیشتری درگیر بحث شوند و بہ نتیجہ های بہتری برسند. بنابراین، در جریان بحث ہا و گفت و گوہا، بہ یاد داشتہ باشید کہ سکوت ابزار مہمی است کہ در اختیار دارید و می توانید از آن بہ بہترین شکل بہرہ برداری کنید.

خانم «مری بودرو»^۱ یکی از افرادی است کہ در مورد سکوت در پرسشگری تحقیقاتی انجام دادہ است. او معتقد است ہر معلم در کلاس درس، بہ طور متوسط، بیش از چہارصد پرسش در روز مطرح می کند. توزیع بیش از چہارصد پرسش، در طول روز، بہ این معنی است کہ معمولاً از دانش آموزان ہر ۴۳ ثانیہ، یک بار پرسش بہ عمل می آید؛ اما با وجود این، تعداد پرسش های مطرح شدہ تأثیری را کہ انتظار داریم در تفکر دانش آموزان ایجاد نمی کنند. دلیل اصلی این امر آن است کہ پس از مطرح کردن یک پرسش، مقدار معمول فرصت در نظر گرفتہ شدہ برای تفکر^۲ حدود ۰،۸ ثانیہ است. بلہ، درست خواندید، ۰،۸ ثانیہ فرصت تفکر. یعنی کمتر از یک ثانیہ طول می کشد تا دانش آموز بہ یک پاسخ برسد، قبل از اینکہ شخصی جوابی را بلند اعلام کند یا معلم سرنخی بدهد یا یک پرسش تکمیلی مطرح کند یا حتی خودش پاسخ دہد.

این پژوهش روشی سادہ برای بہبود پرسشگری پیشنهاد می دہد. خانم بودرو معتقد است کہ باید «زمان انتظار»^۳ را افزایش دہید؛ یعنی در حدود ۳ ثانیہ قبل از دریافت پاسخ و ۳ ثانیہ بعد از دریافت پاسخ صبر کنید. حداقل بعد از ۳ ثانیہ، اتفاقات مثبت زیادی می تواند برای دانش آموزان و معلم رخ دہد؛ اتفاقاتی مانند بہبود یادسپاری دانش آموزان، افزایش تعداد پاسخ های شناختی سطح بالای ساختہ شدہ توسط دانش آموزان، افزایش میزان و کیفیت شواہدی کہ دانش آموزان برای حمایت از تفسیرهای خود ارائه می دہند و ...

پیشنہادی کہ این پژوهش ارائه می دہد بہ این معنا نیست کہ ۲ ثانیہ سکوت پسندیدہ نیست، اما ۳ ثانیہ خوب است و ۴،۸ ثانیہ عالی است. نکتہ ای اصلی، ارائہی دورہ ای از زمان است کہ بہ صورت اثربخشی بہ دانش آموزان کمک می کند تا پردازش شناختی موردنیاز را در آن شرایط خاص انجام دہند. ہرچہ معلم زمان طولانی تری را در انتظار پاسخ ہا بماند، دانش آموزان بیشتر درگیر سؤال می شوند و عملکرد بہتری خواهند داشت. برای اینکہ آشکارا زمانی را برای تفکر در کلاس ایجاد کنید، پیشنهاد می شود بہ طور منظم



طبقه‌بندی سکوت‌های کلاسی رنتون: کاربرد عملی در توالی‌های پرشگری

انواع سکوت	در نقطه‌زمان‌هایی که سکوت روی می‌دهد	سعی کنید اجتناب کنید از...	مدت زمان سکوت
زمان تفکر ۱	بعد از اینکه پرسشی را مطرح کردید.	- دریافت خیلی سریع. - اولین پاسخ. - پاسخ به پرسش خود.	۳ تا ۵ ثانیه
در طول پاسخ	زمانی که دانش‌آموزان در حال ارائه‌ی پاسخ خود هستند. دانش‌آموزان در هنگام تلاش برای یافتن کلمات یا عبارات موردنیاز خود با تردید و درنگ یا مکث روبه‌رو می‌شوند.	- قطع صحبت دانش‌آموزان در هنگام تردید و درنگ. - عجله. - اعلام تمام‌شدن وقت.	۲ ثانیه یا بیشتر
زمان تفکر ۲	پس از اینکه یک دانش‌آموز به یک پرسش پاسخ داده است.	- ارائه‌ی بازخورد وسط حرف دانش‌آموز (وسط پاسخ دانش‌آموز یا بیان عبارات «جواب خوبیه» و «احسنت» وارد نشوید). - عجله برای طرح پرسش دیگر.	۳ تا ۵ ثانیه
زمان انتظار برای خودتنظیمی	هنگامی که دانش‌آموزان نظر یا پرسش ناخواسته و خودانگیخته‌ی خود را شروع و برای روشن کردن تفکر خود، یا یافتن کلمات موردنیاز، تردید و درنگ می‌کنند.	- قطع کردن صحبت‌های دانش‌آموزان در موقع مکث و تردیدشان. - تکمیل تفکر خود. - بیان کلمات موردنیاز.	۳ ثانیه یا بیشتر
زمان پردازش معلم	بعد از اینکه دانش‌آموزان پرسش یا نظر غیرمنتظره و ناخواسته‌ای را خطاب به معلم مطرح کردند.	- پاسخ سریع به نظر غیرمنتظره. - بیان اولین چیزی که به ذهن می‌رسد (در این مورد خوب است گزینه‌ها را بررسی کنید).	۳ تا ۵ ثانیه
بررسی ادراک و توجه	در طول ارائه‌ی طولانی‌مدت آموزشی، وقتی شما بیش از ۵ دقیقه صحبت کرده‌اید یا وقتی که یک توالی پرشگری باز بیش از ۲ دقیقه طول کشیده است.	- پس‌رفت (سعی کنید دائماً در حال پیشروی باشید). - تصور اینکه پس از تدریس بچه‌ها همگی درس را یاد گرفته‌اند (فکر نکنید چون مطالبی تدریس شده، پس الزاماً دانش‌آموزان آن را فراگرفته‌اند).	۱۰ ثانیه تأمل برای هر ۱ دقیقه گفت‌وگو
زمان انتظار قابل قبول	وقتی اعمال می‌شود که دو یا چند دانش‌آموز وقتی در گفت‌وگو با هم شرکت می‌کنند یا از یکدیگر پرسش می‌کنند و یکدیگر را به چالش می‌کشند، این سکوت باید اعمال شود. این زمان انتظار گوش‌دادن فعال است و به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد تا ایده‌های خود را توسعه دهند.	- ورود سریع به بحث. (منجر می‌شود همه‌ی نگاه‌ها به سمت شما برگردند). - عمل کردن به عنوان برقرارکننده‌ی نظم. - اجازه‌دادن به خروج گفت‌وگو از هدف. - ناظر منفعل بودن.	تا زمانی که دانش‌آموزان بتوانند گفت‌وگو را منموزگرا حفظ کنند.
زمان تفکر برای ارائه‌ی دیدگاه	در طول یا بعد از یک توالی پرشگری گسترده، دانش‌آموزان وضعیت فعلی خود و پیشرفت‌های صورت‌گرفته‌شده را مشخص می‌کنند: «از اینجا شروع کردم، و اکنون اینجا هستیم». این امر می‌تواند کلامی یا کتبی باشد.	- خلاصه کردن بحث برای دانش‌آموزان. - بیان دوباره‌ی آنچه آموخته‌اند. - تصور یکسان بودن همه‌ی نتیجه‌ها و راه‌حل‌ها.	حداقل ۱ دقیقه
زمان تفکر نمایشی	در صورتی که نیاز به تغییر سرعت در گفت‌وگو دارید، برای ایجاد تعامل بیشتر، وقتی می‌خواهید حال و هوای کلاس را تغییر دهید و هنگام طرح پرسشی که دانش‌آموزان را به چالش خواهد کشید.	- به‌کاربردن فقط یک رویکرد پرشگری (بدین منظور می‌توانید پرسش‌های مشابه را با طول یکسانی از سکوت مطرح کنید). - استفاده از سرعت یکسان در همه‌ی موارد پرشگری.	بین کمتر از ۳ ثانیه تا ۱ دقیقه تغییر می‌کند.

از این راهبرد استفاده کنید؛ «فکر کنید، با بغل‌دستی گفت‌وگو کنید، با همه به اشتراک بگذارید.» این روش ضمن اینکه به ما یادآوری می‌کند که دانش‌آموزان برای تفکر و پردازش ایده‌های خود به زمان نیاز دارند، تمرینی بسیار عالی برای شرکت در یک گفت‌وگو نیز هست. جدولی که در ادامه می‌آید، نشان می‌دهد چه زمانی ممکن است هر یک از انواع سکوت‌ها در کلاس درس رخ دهد و زمان سکوت برای به‌حداکثر رساندن تأثیر بر عملکرد شناختی دانش‌آموزان چه مدت است. در این جدول، همچنین نکاتی در مورد حفظ سکوت و اجتناب از کارهای نامتعارف ارائه شده است که به شما کمک می‌کند تا برای شکستن سکوت مقاومت کنید.

پیشنهاد می‌کنیم از محتوای این جدول به‌عنوان «راهنمای برگه‌ی یادآوری پرشگری» و برای کمک به برنامه‌ریزی کردن زمان تفکر خود و تلاش برای ایجاد سکوت به‌عنوان «عنصر اصلی پرشگری» استفاده کنید. البته قبل از شروع به این سؤال‌ها پاسخ دهید: با کدام نوع از سکوت‌ها آشنا هستید و کدام یک را بیشتر انجام می‌دهید؟ آیا موارد دیگری تحت‌عنوان «سعی کنید اجتناب کنید» وجود دارد که خودتان آن‌ها را در کلاس درس انجام می‌دهید؟

در این مقاله به بررسی انواع سکوت و مسئله‌های مربوط به آن پرداختیم. امیدواریم با پیروی از این قوانین، بتوانیم مهارت‌های پرشگری خود را بهبود بخشیم و به دانش واقعی‌تری دست پیدا کنیم؛ چراکه اثربخش‌تر کردن مهارت پرشگری، نیازمند تمرین و تأمل شخصی برای ادامه‌ی توسعه‌ی این فرایند است تا در نهایت با سکوت احساس راحتی کنیم.

منبع
۱. رنتون، مارتین، چگونه پرسش‌های خود را در کلاس مطرح کنیم؟ راهنمای عملی معلمان و دانش‌آموزان در به‌چالش کشیدن یادگیری با پرشگری، از مجموعه کتاب‌های توسعه‌ی سواد سنجش معلمان، مترجمان دکتر حسن نادعلی‌پور، زهرا اسدی و مریم السادات موسوی، شماره‌ی ۶، تهران: آوای نو.

پنج وظیفه‌ی راهبران آموزشی

رضا شیبانی فر

استاد یار معلم آموزش و پرورش منطقه‌ی اشرتینان بروجرد

به استناد راهکار ۲-۲۲ سند تحول بنیادین، یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین مؤلفه‌ها به‌منظور ایجاد سازوکارهای لازم برای افزایش ثبات مدیریت، در نظام تعلیم و تربیت رسمی، استفاده از ظرفیت راهبران آموزشی و تربیتی است. راهبرانی که با استفاده از شایستگی‌ها و صلاحیت‌های دانشی و مهارتی روزآمد و بهره‌گیری از روش‌های مناسب و اهداف آموزشی و تربیتی درس‌ها به مشاوره‌ی تحصیلی، راهبری و نظارت مستمر واحدهای آموزشی مناطق محروم روستایی، عشایری، مرزی و مدرسه‌های کوچک همت می‌گمارند و مسیر دستیابی به اهداف متعالی نظام آموزشی و تربیتی ایران را هموار می‌کنند.

وظایف متعددی بر عهده‌ی ناظران آموزشی است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: تسهیل یادگیری، اشتراک دانش و تجربه، اطلاع‌رسانی، راهنمایی برای یافتن راه‌حل‌ها، بهبود رشد حرفه‌ای، مشاوره‌ی تحصیلی و کمک برای حل مشکلات (کادوشین و هارکنس، ۲۰۱۴). کادوشین نظارت را شامل سه جنبه‌ی اصلی می‌داند: آموزشی، اداری و حمایتی (کادوشین، ۱۹۹۲). به اعتقاد اولیو و پاولس، راهنمایان آموزشی نقش‌های گوناگونی را در حوزه‌های معین ایفا می‌کنند. آن‌ها برای تشریح رفتار نظارتی مدلی مفهومی را پیشنهاد می‌کنند. این مدل سه حوزه‌ی بزرگ فعالیت ناظران آموزشی، یعنی بهسازی آموزشی و بهسازی برنامه‌ی درسی و بهسازی کارکنان، و چهار نقش اصلی آن‌ها یعنی هماهنگ‌کنندگی، مشاوره، رهبری گروه و ارزیابی را نشان می‌دهد (اولیو و پاولس، ۲۰۰۴).

کلیدواژه‌ها: مشاوره، راهبران آموزشی، نظارت، حمایت، راهبری

۱. راهبری و نظارت

● هدایت معلمان در زمینه‌ی استفاده از روش‌های نوین آموزشی، با تأکید بر روش‌های تلفیقی، در کلاس‌های چندپایه و خاص.

● راهبری آموزگاران در اجرای صحیح برنامه‌ی درسی، تکوین، تثبیت و توسعه‌ی مهارت‌های خواندن، نوشتن، سخن گفتن، گوش دادن مؤثر، حساب کردن و علوم و فنون، بر اساس برنامه‌ی درسی ملی، در سطوح متعدد یادگیری.

● رصد، پایش و تجزیه و تحلیل وضعیت آموزشی و تربیتی و میزان تحقق اهداف دوره‌ی ابتدایی در کلاس‌های تحت نظارت (در دو مرحله‌ی بعد از ارزشیابی نوبت اول و دوم).

● حمایت و راهبری مدیر در تدوین نظارت و اجرای برنامه‌ی جامع سالانه‌ی واحد آموزشی، با رعایت ضوابط و مقررات برنامه‌ریزی، به‌منظور ارائه‌ی خدمات راهنمایی و مشاوره به معلمان و کارکنان مدرسه‌های تحت پوشش.

● نظارت بر فرایند پیشرفت تحصیلی و تربیتی و میزان تحقق اهداف دوره‌های تحصیلی در دانش‌آموزان و تهیه و ارائه‌ی گزارش‌های تحلیلی و مداخله‌ی بهنگام در این زمینه.

● تدوین برنامه‌ی زمان‌بندی بازدید از مدرسه‌های حوزه‌ی تحت نظارت خود و اهتمام در اجرای دقیق آن و ارائه‌ی گزارش در این زمینه به اداره‌ی آموزش و پرورش.

● برنامه‌ریزی و نظارت بر اجرای مناسب برنامه‌ی درسی، در طول سال تحصیلی، متناسب با تقویم اجرایی و فراهم‌آوردن زمینه‌ی ارتقای بهره‌وری مدرسه‌ها.

● همکاری در اجرای ضوابط و مقررات ابلاغی وزارت آموزش و پرورش در واحد آموزشی.

● پیگیری و رصد فعالیت‌های فوق برنامه با رویکردی تربیتی، برای مشارکت‌دادن معلمان و دانش‌آموزان، در سطح مدرسه‌های حوزه‌ی راهبری و منطقه‌ی خود.

● تشکیل جلسات منظم ماهانه برای بررسی مسائل کلاس‌های تحت پوشش و حل مشکلات آن‌ها.

وظایف راهبران آموزشی و تربیتی



۲. مشاوره و تسهیلگری

- مشارکت در شناسایی، جذب، آموزش و نگهداشت کودکان بازمانده از تحصیل یا کودکانی که ترک تحصیل کرده‌اند.
- ایجاد شبکه‌های ارتباطی (حضور، مجازی)، برای مدیران آموزگاران تحت پوشش، با رعایت مقررات قانونی.
- تسهیلگری و کمک به شناسایی دانش‌آموزان دوزبانه و پیگیری اجرای دوره‌ی آمادگی دوزبانه‌ها در مدارس تحت پوشش.

● برگزاری جلسات مشاوره به منظور تبادل تجربه‌های آموزگاران، مدیران آموزگاران به صورت مدرسه‌ای و قطبی.

● همکاری در فرایند ثبت‌نام و تکمیل دفاتر و اسناد قانونی مدرسه و سازماندهی دانش‌آموزان مطابق ضوابط و مقررات موجود.

● ارائه‌ی روش‌ها و مشاوره‌ی مناسب برای رفع نواقص اجرایی برنامه‌های آموزشی و پرورشی.

● بسترسازی برگزاری کارگاه‌های آموزشی، ویژه‌ی معلمان مدیران آموزگاران.

● پیگیری اقدامات معلمان و مدرسه در زمینه‌ی شناسایی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه و دارای اختلالات یادگیری.

● ارتباط مستمر و ارائه‌ی خدمات مشاوره‌ای به جامعه‌ی محلی، انجمن‌های خیریه، اداره‌ی آموزش و پرورش منطقه و سایر نهادهای محلی برای توسعه‌ی آموزش و پرورش.

۳. پژوهشگری

- مشارکت در برنامه‌های پژوهشی مدارس تحت پوشش، به منظور تقویت و بهبود سطح آموزشی و تربیتی آن‌ها.
- بررسی اثربخشی کاربست روش‌های تلفیقی در کلاس‌های چندپایه با توجه به عناصر مهم برنامه‌ی درسی از جمله مدیریت زمان.



نتیجه‌گیری

نقش راهبران آموزشی بسیار بیشتر از ارائه‌ی برنامه‌ی کلاسی، رسیدگی به مشکلات انضباطی و کمک به دانش‌آموزان برای درخواست از مدرسه است. یک شکل از مشاوره‌ی تحصیلی که بر عهده‌ی راهبران آموزشی است، حمایت و راهنمایی و پیگیری فشارهای روانی تحصیلی و همچنین پرداختن به مسائلی عاطفی است که شاید در طول دوران تحصیلی، دانش‌آموز با آن‌ها مواجه شود. از دیگر وظایف آن‌ها رسیدگی به مسائل مربوط به معلمان و مدیران است. ناظران و راهبران آموزشی باید نقش خود را به عنوان یک مشاور و راهنما در کنار معلمان ایفا کنند و با به روزرسانی دانش مشاوره‌ای خود، با آخرین یافته‌های علمی و مطالعه‌ی مستمر و مداوم، زمینه‌ی اعتلای پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را فراهم آورند.

منابع

1. Kadushin, A. (1992). What's wrong, what's right with social work supervision. *The Clinical Supervisor*, 10(1), 3-19.
2. Kadushin, A., & Harkness, D. (2014). *Supervision in social work*. Columbia University Press.
3. Oliva, P. F., & Pawlas, G. E. (2004). *Supervision for today's schools*. (7th ed.). Hoboken, NJ: John Wiley & Sons.

۴. یادگیرندگی مادام‌العمر

- مطالعات تطبیقی مستمر و هدفمند به منظور خودارتنقایی.
- به‌روزرسانی و توسعه و ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای خود، مطالعه‌ی تحقیق و پژوهش مداوم منابع آموزشی و تربیتی و آشنایی با روش‌های فعال آموزشی.
- حضور منظم و فعال در جلسات مرتبط با گروه‌های درسی در سطح منطقه و تلاش برای ارتقای دانش و مهارت خود و دیگران.

۵. الگویی و تربیتی

- راهنمایی معلمان به منظور بروز و ظهور رفتارهای منطبق با الگوی تربیت اسلامی برای دانش‌آموزان مدرسه‌های تحت مدیریت خود در ابعاد اخلاقی، اعتقادی، دینی، علمی و ...
- راهنمایی معلمان به منظور اهتمام به بروز رفتارهای مبتنی بر مؤلفه‌های ارزشی به‌خصوص نماز، قرآن و عترت در مدرسه و کلاس درس.
- راهنمایی معلمان به منظور ایفای نقش تربیتی در فرایند یاددهی یادگیری به منظور توسعه‌ی مهارت‌های زندگی، مبتنی بر اخلاق و رفتار اسلامی و ایرانی.

مرامنامه



عظم لاریجانی

برگرفته از خاطره‌ی زینب صی گلاب
«زینب صی گلاب» هفت سال است که در آموزش و پرورش ایلام خدمت می‌کند. مدرک کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دارد و ابتدای خدمتش را با تدریس در مدرسه‌ی پسرانه‌ی «شهید عبدالهی‌پور» شروع کرده است. اکنون در دبستان دخترانه‌ی وحدت تدریس می‌کند. وی در جشنواره‌های متعددی برگزیده یا شایسته‌ی تقدیر شده است، از جمله جشنواره‌ی فیلم کوتاه آموزشی در دوران کرونا و جشنواره‌ی مصباح.

دو دختر کنار آبخوری ایستاده بودند و به هم آب می‌پاشیدند. صدای جیغ و خنده‌هایشان از بین آن همه سروصدا عبور می‌کرد و به گوشه‌ی دیگر حیاط می‌رسید. وسط حیاط، سه نفر با هم مسابقه گذاشته بودند. چند نفری هم با ناظم بگو بخند می‌کردند. هر گوشه‌ی حیاط را که نگاه می‌کردی، بچه‌ها چند نفری بازی می‌کردند و می‌خندیدند. سهیلا تنها روی پله نشسته بود و به آن‌ها نگاه می‌کرد. فقط او تنها بود. حتی آن‌ها که داشتند با هم دعوا می‌کردند، دو نفر بودند. در کلاس هم کسی حاضر نشده بود کنارش بنشیند. تصمیم گرفت از تنهایی درآید. به سمت چند تا از همکلاسی‌هایش رفت که گرم صحبت گرد ایستاده بودند. سعی کرد بینشان جای بگیرد. دخترها همین که او را دیدند، به هم چسبیدند. سهیلا می‌دانست که راهش نمی‌دهند؛ ولی کل کل با آن‌ها، از حس تنهایی‌اش کم می‌کرد. سهیلا اخمش را در هم کرد و داد زد: «وزوز نکنید ساکت!»

یکی از آن جمع برگشت و زیر لب گفت: «بی تربیت.» سهیلا دشنامی داد و از بین دخترها رد شد. بعد هم وسط آن‌ها ایستاد و لبخند پیروزمندانه‌ای زد. بچه‌ها دورش را خالی کردند و گوشه‌ای دیگر جمع شدند. سهیلا چند لحظه همان جا ایستاد

و به آن‌ها نگاه کرد. بعد یک دفعه فریاد زد: «وزوزوزوزوزوزوزوزوزوز...»

همه‌ی بچه‌هایی که اطرافش بودند، برگشتند و با تعجب به او نگاه کردند. دست‌های بیشتر دخترها روی دهانشان بود. انگار می‌خواستند جلوی بیرون آمدن حرفی را بگیرند و لحظه‌ای بعد به سمت ساختمان دویدند.

سهیلا هر بار به دلیلی ناسزا می‌گفت. گاهی فکر می‌کرد برای چند لحظه هم که شده، می‌تواند توجه بچه‌ها را جلب کند. بعضی وقت‌ها هم از بس دلش پر بود، زبان به دشنام می‌گشود؛ مثلاً همین هفته‌ی پیش بود، در راه مدرسه، از کنار صف نانواپی که تا بیرون مغازه کشیده شده بود، رد می‌شد، دید یکی از مردها به پسر جوانی تنه زد و گفت: «ببینش، دختر مواد فروشه.»

می‌دانست که همه‌ی محل می‌دانند پدر او کیست؛ ولی هربار که با این واقعیت روبه‌رو می‌شد، دنیا دور سرش می‌چرخید. آن روز بقیه‌ی راه را تا مدرسه دوید تا زودتر بتواند آن چنگ بغضی را که دور گلویش بود، بگشاید. از در مدرسه که وارد شد، نگاه سریعی به اطراف کرد. انگار دنبال کسی می‌گشت. سحر را دید که داشت ساعتش را به دختری نشان می‌داد. به سمتشان دوید و از بینشان رد شد. سحر گفت: «چه دختر بدی هستی تو!» سهیلا با خونسردی گفت: «خودتی و...» هر چه کلمات بیشتری از دهانش بیرون می‌آمد، ادبیات ناپسندتری به گوش می‌رسید و انگار چنگ بغض کم کم باز می‌شد.

زنگ تفریح که خورد، به سمت کلاس رفت. بچه‌ها بیرون کلاس دور خانم گرشاسبی جمع شده بودند. خانم معلم از ابتدای سال او را زیر نظر گرفته بود. آرام و تنها پشت میزش می‌نشست و به هیچ‌کس کاری نداشت. معلم نمی‌توانست باور کند او همانی است که بچه‌ها از دشنام‌گویی‌اش شکایت می‌کردند. از وقتی پایه‌ی اول بود، منزوی و بدون هیچ دوستی، روزهای مدرسه را می‌گذراند. معلم نمی‌خواست بچه‌های دیگر را مجبور کند کنارش بنشینند.

خانم گرشاسبی سعی می‌کرد بچه‌ها را آرام کند. حرف زشتی زد. خیلی زشت.

از این حرف‌ها که تو خیابون موقع دعوا بعضیا به هم می‌زنن.

او بچه‌ها را به سمت کلاس هدایت کرد و سعی کرد آن‌ها را سر جایشان بنشانند. بچه‌ها که آرام گرفتند، خانم معلم گفت: «بچه‌ها، امروز قراره یه چیز خیلی مهمی رو با هم آماده کنیم.»

- چی خانم؟

- می‌دونید مرامنامه چیه؟

همه یک‌صدا با هم گفتند: «ن...خیر»

- مرامنامه یعنی نوشته‌ای که گروهی می‌نویسند و در آن قانون‌هایی تعریف می‌کنند؛ مثلاً توی مرامنامه بیان می‌شه که در گروه ما چه رفتاری مناسبه و چه کاری خوبه و همه سعی می‌کنند به اون‌ها پایبند باشنند.

حالا موافقید ما اولین کلاسی در این مدرسه باشیم که مرامنامه داره؟»

«بله‌ی» زیاد از حد کشیده‌ی بچه‌ها نشان از هیجانشان داشت. سهیلا گیج به اطراف نگاه می‌کرد؛ چون انتظار نداشت خانم گرشاسبی هیچ واکنشی به او نشان ندهد.

معلم نوشتن مرامنامه را

شروع کرد. روزهای اول

سعی کرد به رفتارهایی مثل وقت‌شناسی، تقلب‌نکردن، انجام به‌موقع تکالیف و راستگویی اشاره کند تا سهیلا احساس نکند مرامنامه خطاب به اوست. معلم به آرامی به هدف نهایی‌اش نزدیک می‌شد تا اینکه روزی با صدایی رسا گفت: «خب، حالا می‌رسیم به کلام؛ یعنی حرفی که می‌زنیم. چه قانونی بذاریم؟»

اولین چیزی که به ذهن بچه‌ها رسید، ناسزاگفتن بود؛ زیرا هنوز صدای دشنام‌های سهیلا در گوششان وزوز می‌کرد.

- کسی نباید فحش بدهد.

- هیچ‌کس نباید سر کسی داد بزند.

- هر کس وارد کلاس می‌شود،

باید سلام کند.

روزها می‌گذشت و مرامنامه کامل‌تر می‌شد. معلم خوش‌حال بود که می‌دید سهیلا هم در این کار با اشتیاق مشارکت می‌کند. آخر کار معلم پیشنهاد کرد که هر کس به قانونی از این مرامنامه پایبند نماند، جریمه شود. بچه‌ها با بگویند جریمه‌ها را نیز تعیین کردند.

- او که قانون را شکسته، یک روز، به جای همه تخته را پاک کند.

- اون شخص باید کلاس رو تمیز کنه.

سهیلا هم با بچه‌ها همراهی می‌کرد: «یک روز هر کی غلط نوشت، اون براشون پاک‌کن بشه؛ یعنی پاک‌کن همه‌ی کلاس.» خانم گرشاسبی از فرصت استفاده کرد و گفت: «چه پیشنهاد خوبی!»

از همان روزی که خانم معلم دفترچه‌ی مرامنامه را به او داد که روی جلد آن را نقاشی بکشد، دیگر تصمیم گرفت مراقب حرف‌زدنش باشد. حتی آن روزهایی که دست نامرئی بیخ گلویش را گرفته بود.

سهیلا همچنان تنها بود؛ ولی آن را کمتر حس می‌کرد. دفترچه‌ی مرامنامه انگار پل ارتباطی بود بین او و بچه‌ها. آن روز از خانه که بیرون زد، اشک‌هایش هنوز روی صورتش بود. باز هم پدرش باعث شده بود تا دستی راه نفسش را ببندد. به مدرسه که رسید، دوباره اختیار از کف داد و به یک بچه‌ی کلاس اولی که به او تنه زده بود، ناسزایی گفت و این بار اصلاً جلوی ریزش اشک‌هایش را نگرفت.

کلاس که شروع شد، آمد و ایستاد کنار میز خانم گرشاسبی و با صدایی که همه بشنوند، گفت: «خانم، ما امروز قانون رو شکستیم.» نوعی همدردی در نگاه بچه‌ها بود.

- خب، چه جریمه‌ای انتخاب می‌کنی؟

من مینی کرد و گفت: «پاک می‌کنم.»

خانم گرشاسبی سری تکان داد و درس را شروع کرد. بچه‌ها مشغول بودند. یک‌دفعه سیما دفترش را برداشت و آمد کنار سهیلا و گفت: «این رو واسم پاک می‌کنی؟»

سهیلا اولش شوکه بود و چند ثانیه به دفتر او خیره ماند. بعد هم پاک‌کن را برداشت و حس کرد دارد اشتباه خودش را پاک می‌کند. آن روز همه‌ی بچه‌ها سعی کردند کمتر اشتباه بنویسند تا سهیلا خسته نشود. از آن به بعد سیما روی همان نیمکت کنارش ماند.



ماه مبارک تمام ساحتی

فاطمه شیخ محسنی

رابط تلفیقی در شهرستان اقلید فارس

مجتبی محرابی

معاون متوسطه‌ی اول شاهد

شهید زرین کلاه استان فارس

دشواری‌های زندگی خویش فائق آیند. هرچه روزه‌داران در این موسم مبارک بیشتر صبوری پیشه کنند، نفس خویش را در برابر دشواری‌های زندگی آماده‌تر خواهند کرد و راحت‌تر می‌توانند در مقابل خواسته‌های شیطانی نفس ایستادگی کنند. این ایام برای معلمان نیز مجالی است تا بهترین بهره‌ها را در زمینه‌ی آموزش و پرورش از آن ببرند. در ادامه به بیان فعالیت‌هایی می‌پردازیم که با در نظر گرفتن ساحت‌های شش‌گانه، در این ماه پربرت، انجام داده‌ایم:

ساحت عبادی، اعتقادی و اخلاقی

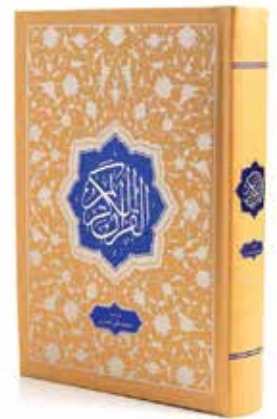
جو غالب بر جامعه در این ایام جوی مذهبی است؛ بنابراین پذیرش آموزش‌های مذهبی برای دانش‌آموزان بسیار راحت‌تر است. به این منظور، ما در سالن مدرسه‌مان تابلویی در نظر گرفتیم و هر روز یک آیه یا عبارت قرآنی را متناسب با روزهای ماه رمضان، روی آن تابلو، نصب می‌کردیم. دانش‌آموزان علاقه‌مند هم این آیات را حفظ می‌کردند. در پایان ماه، با هماهنگی پایگاه بسیج محله برای این دانش‌آموزان جوایزی تهیه شد.

جزء‌خوانی قرآن کریم بخشی از فعالیت‌های معمول این ایام است. از این رو، با هماهنگی معلمان و سایر کارکنان مدرسه هر روز نکته‌های مهم هر جزء را متناسب با نیازهای فرهنگی دانش‌آموزان ساده‌سازی می‌کردیم و قبل از شروع درس بخش کوتاهی از آن را برای دانش‌آموزان توضیح می‌دادیم.

فعالیت بعدی، قرائت دعای روزانه‌ی ایام ماه رمضان در صف صبحگاه بود، با این تفاوت که ترجمه‌ی این دعاها به صورت شعر کودکانه سروده و به عنوان برنامه‌ای جذاب برای دانش‌آموزان اجرا می‌شد.

رمضان نهمین ماه در تقویم اسلامی است. مسلمانان در این ماه، علاوه بر روزه‌داری، تلاش می‌کنند تا از گناهان نیز دوری جویند؛ پس این ایام فرصت مناسبی برای تذهیب نفس و تحصیل اخلاق نیکوست. ماه رمضان همچنین زمان مناسبی است تا افراد، با تمرین صبر و بردباری، بر سختی‌ها و





ساحت سیاسی و اجتماعی

شهرهای متعدد ایران و همچنین مسلمانان جهان، در ماه رمضان، برنامه‌های متنوع و جذابی دارند. این ایام فرصت بسیار مناسبی است که دانش‌آموزان با آداب و رسوم گوناگون مناطق متعدد و سبک زندگی مسلمانان آشنا شوند. برای تحقق این هدف، چند برنامه طراحی کردیم. تهیه و پخش مستندات جذابی که در این رابطه وجود دارند، یکی از این برنامه‌ها بود.

یکی دیگر از برنامه‌ها این بود که دانش‌آموزان درباره‌ی آداب و رسوم منطقه‌ی خود تحقیق کنند و آن را در کلاس ارائه دهند.

تهیه‌ی بسته‌های ارزاق برای دانش‌آموزان نیازمند، با کمک خود دانش‌آموزان، نیز از جمله فعالیت‌هایی بود که در این ایام انجام دادیم.

ساحت علمی و فناوری

بررسی زمان روزه‌داری و بیان اوقات شرعی از جمله مواردی بودند که در این ایام به دانش‌آموزان یاد دادیم. تفاوت ایام روزه‌داری در کشورهای متعدد و دلیل این تفاوت‌ها از آموزش‌های بسیار جذاب برای دانش‌آموزان خواهد بود. دانش‌آموزان می‌توانند جست‌وجو کنند که کمترین ساعت روزه‌داری و بیشترین ساعت روزه‌داری در کدام کشورهاست و چقدر بین آن‌ها اختلاف وجود دارد.

یکی از موارد مهمی که در این ایام، متناسب با این ساحت، به گفت‌وگو پیرامون آن پرداختیم، بحث رؤیت هلال ماه بود؛ اینکه دانشمندان و

محققان ستاد رؤیت هلال ماه از چه ابزاری استفاده می‌کنند و چه شرایط آب و هوایی باید باشد تا بتوان ماه نو را مشاهده کرد و اینکه بعضی ماه‌های قمری بیست و نه روزه و بعضی سی روزه هستند، از جمله نکات علمی مهمی است که می‌توان به دانش‌آموزان آموزش داد.

ساحت زیستی و بدنی

در این ساحت باید به سلامت بدن توجه کرد؛ لذا ما در کلاس درس به این نکته اشاره کردیم که بچه‌ها برای اینکه راحت بتوانند روزه شوند، باید از چه مواد غذایی برای وعده‌ی افطار و سحر استفاده کنند. یادآوری این موارد برای دانش‌آموزان مفید خواهد بود:

- دقت کنید حتماً در فاصله‌ی افطار و سحر آب کافی بنوشید تا با کمبود آب مواجه نشوید.
- در وعده‌ی سحری از خاکشیر و میوه استفاده کنید.
- از انجام فعالیت‌های زیاد بدنی بپرهیزید تا سالم بمانید.

ساحت هنری و زیباشناختی

در این ایام مناسبت‌های متعددی مانند



تولد امام حسن مجتبی علیه‌السلام و شهادت امام علی علیه‌السلام وجود دارد. دانش‌آموزان برای این ایام فعالیت‌هایی مانند تزئین محیط مدرسه و اجرای برنامه‌های گوناگون مثل اجرای سرود را انجام دادند.

همچنین دانش‌آموزان تکه‌فیلم‌هایی (کلیپ‌هایی) از اجرای دعاهای روزانه و ترجمه‌ی آن‌ها به صورت شعر درست کرده بودند و در فضای مجازی به اشتراک می‌گذاشتند.

از دیگر برنامه‌های این ایام، «جشن روزه‌اولی‌ها» بود که با کمک بسیج دانش‌آموزی برای دانش‌آموزان دختر پایه‌ی سوم که سال اول روزه‌داری آن‌ها بود، اجرا شد.

ساحت اقتصادی و حرفه‌ای

خوراکی‌های متعددی وجود دارند که در ایام ماه مبارک رمضان تهیه و توزیع می‌شوند. دانش‌آموزان در طرح بوم تهیه‌ی این خوراکی را یاد گرفته بودند و پس از تهیه‌ی آن‌ها، در بازارچه‌ی مدرسه به فروش رساندند.

برگزاری برنامه‌ی افطاری در مدرسه می‌تواند به پرورش این ساحت کمک زیادی کند. بچه‌ها می‌توانند در برنامه‌ریزی برای افطاری شرکت کنند. آن‌ها می‌توانند تعداد دانش‌آموزان را محاسبه کنند و بگویند برای تمام مهمانان چقدر غذا و مخلفات موردنیاز است.

آن‌ها همچنین می‌توانند از چند مغازه‌ی متعدد قیمت بگیرند و محاسبه کنند تهیه‌ی غذا از کجا به صرفه‌تر و مناسب‌تر است.

گل‌های موج

فن مورد استفاده: جاگورتا

فاطمه قاسمی، سرگروه آموزشی استان فارس
مهوش افروغ، معاون آموزشی مدرسه



ابتدا وسایل مورد نیاز را که شامل چسب، قیچی و نوارهای کاغذی موجدار رنگی است، آماده می‌کنیم.



در آغاز از ساخت گل‌دان شروع می‌کنیم؛ به پنج نوار قهوه‌ای نیاز داریم. ابتدا دو نوار را کامل دور هم می‌پیچیم تا کف گل‌دان شکل گیرد و گل‌دان توان ایستادن داشته باشد. بعد از پیچیدن دو نوار و چسباندن آن‌ها، تک‌تک نوارها را به دور کف گل‌دان می‌پیچیم. این نوارها باید با کف نیم‌سانت فاصله داشته باشند. این‌گونه دیواره‌ی گل‌دان را شکل می‌دهیم.



به این صورت گل‌دان را با پیچیدن و فاصله‌دادن کاغذ بلند می‌کنیم و شکل می‌دهیم. در انتها برای یک اندازه و زیباشدن کار، یک نوار زرد دور آن می‌پیچیم و می‌چسبانیم.

«جاگورتا» هنر ایجاد سرگرمی و خلاقیت با پیچیدن (رول کردن) و تا کردن مقوای موجدار است. این هنر به کمک مقوای موجدار و با استفاده از دو فن ساده‌ی پیچیدن و تا کردن، مهارت ساخت شکل‌های گوناگون را برای کودکان و نوجوانان به ارمغان می‌آورد. جاگورتا در پی ساخت یک کاردستی ساده نیست، آنچه از این طریق ساخته می‌شود، شبیه کاردستی است؛ ولی نمی‌توان آن را فقط یک کاردستی نامید. در انجام این فعالیت لازم است کودک به لحاظ ذهنی درک کند که چگونه و در چه زمانی مقوای موجدار را بپیچاند (رول کند) یا تا بزند و با هم ترکیب کند.

ساختار جاگورتا ساده و بسیار خلاقانه است؛ ولی نکته‌ی مهم در هنر جاگورتا درک انتزاع است. کودک باید خودش درک کند که هر چیزی را در قالب شکل‌های ساده‌ی هندسی درآورد؛ مثلاً وقتی به سر یک خرس واقعی نگاه می‌کند یا تصویر واقعی آن را در ذهن دارد، بتواند آن را در چند شکل دایره و بیضی بیرون بیاورد و تصویر خرس را در کاردستی خود خلق کند.

از اهداف اجرای این هنر می‌توان به این موارد اشاره کرد:
۱. آموزش مهارت حجم‌سازی که به کودک کمک می‌کند دنیای پیرامون خود را بهتر بشناسد؛

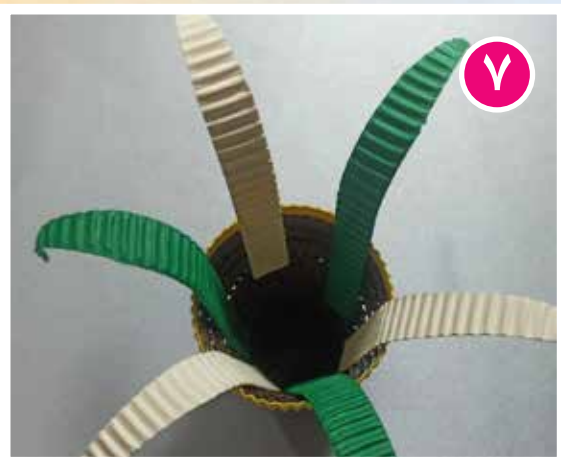
۲. افزایش میزان خلاقیت؛

۳. افزایش دقت و تمرکز در محیط اطراف.

انجام این فعالیت، علاوه بر تقویت انگشتان ظریف دست، هماهنگی بین چشم و دست را هم بالا می‌برد و خلاقیت و دقت بچه‌ها را تقویت می‌کند. در ایام بیکاری نیز سرگرمی بسیار خوبی برای آن‌ها خواهد بود.

مراحل ساخت کاردستی گل‌های موج





۷

برای ساخت دومین مدل گل ابتدا نوارهای رنگی را انتخاب و هر نوار را به دو قسمت تقسیم می‌کنیم. نوارها را کامل می‌پیچانیم تا گلبرگ‌ها شکل بگیرند. سپس گلبرگ‌ها را کنار هم قرار می‌دهیم و می‌چسبانیم. برای قسمت مرکزی گل از دو رنگ متفاوت دیگر استفاده می‌کنیم که گل جلوه‌ی بیشتری پیدا کند.



۴

پس از آماده‌شدن گل‌دان، ساخت گل‌ها را شروع می‌کنیم. بعد از انتخاب یک نوار رنگی، آن را به دو قسمت تقسیم و قیچی می‌کنیم. از سر نوار دو تا پنج سانت تا می‌زنیم و از سر دیگر نوار شروع به پیچیدن می‌کنیم تا گلبرگ‌ها ساخته شوند. اکنون شش گلبرگ را می‌سازیم و با چسب به هم وصل می‌کنیم. یک قسمت را هم برای وصل کردن ساقه آزاد می‌گذاریم.



۸

بعد از نصب گلبرگ‌ها ساقه‌ی گل را با رنگ سبز درست و به گل وصل می‌کنیم. در انتها گل دوم را با چسب به داخل دیواره‌ی گل‌دان می‌چسبانیم.



۵

با استفاده از رنگ سبز سه نوار دوازده سانتی‌متری را به هم می‌چسبانیم تا ساقه مقاوم شود. سپس آن را به گل‌ها وصل می‌کنیم. بعد از وصل کردن ساقه، از یک نوار زرد رنگ برای ساخت وسط گلبرگ استفاده می‌کنیم. نوار را می‌پیچانیم و روی گل می‌چسبانیم.



گل‌دان و گل‌های زیبا و موج شما آماده‌اند.



۶

در ادامه، سوراخ برگ‌های گل‌دان می‌رویم. ابتدا یک نوار سبز و یک نوار کرم را به چهار قسمت تقسیم می‌کنیم. با استفاده از قیچی نوک آن‌ها را به شکل برگ برش می‌زنیم. سپس با لبه‌ی قیچی کمی آن‌ها را فر می‌دهیم و در داخل گل‌دان می‌چسبانیم. بعد از نصب برگ‌ها می‌توان اولین گل را به گوشه‌ی گل‌دان چسباند و دومین گل را آماده کرد.

دنیایی از تنوع و زیبایی

استفاده از گویش‌ها و لهجه‌های محلی در تدریس



سمانه یغمایان

آموزگار پایه‌ی دوم ابتدایی،

شهرستان ورامین

اگه شما مِگتن نرکه به این ریکی زفن (اگر شما می‌خواهید که زبان به این زودی ور نیفته)

سمنی ره سمنی با، تا کو جینگه ذکره ریکه زفن (با سمنانی، سمنانی بگو، تا توانی پیدا کند، راه بیفتد زبان)

هما همه مذونین، صیلر کو هر جا پی برین، مُنفعته (ما همه می‌دانیم، ضرر را از هر کجا بگیرد منفعت است)

پس بین همت هاگرین (پس بیایید همت بکنیم)

ذبح‌الله وزیری

شیرینی زبان در لهجه و گویش آن خلاصه می‌شود. اساساً زبان ابزاری برای ارتباط گرفتن است. مردم یک کشور یا یک جامعه‌ی مشخص با به‌کارگیری واژگان، به‌صورت ساختار شفاهی و نوشتاری، با یکدیگر ارتباط می‌گیرند.

در تعریفی کوتاه می‌بایست تفاوتی را که میان زبان، گویش و لهجه است مشخص کرد. گویش شکل خاصی از زبان است که مختص یک خطه یا یک گروه اجتماعی است. زبان به مادری می‌ماند که گستره‌ای از گویش‌ها از آن زاده می‌شود؛ اما لهجه فقط به نوع و شیوه‌ی تلفظ زبان بستگی دارد.

از آنجا که زبان فارسی به‌قطع بخشی از هویت ملی ما ایرانیان و البته معرف جامعه‌ی ایران است، می‌بایست تا به نوش‌دارو پس از مرگ سهراب نرسیده‌ایم، حفظ این میراث فرهنگی را به‌شدت مهم قلمداد کنیم. زبان علاوه بر اینکه در حال حاضر موجب ارتباط ما با یکدیگر می‌شود، پیوند ایرانیان امروز با نسل ایرانی فردا را هم رقم می‌زند.

زیبایی و جذابیتی که در بیان کلام با لهجه‌ی هر قوم وجود دارد، اطالهی کلام





را می‌طلبید و این یعنی ارتباط‌گیری بیشتر. همان‌که با وجود فضای مجازی از آن فاصله گرفته‌ایم. ضرب‌المثل‌ها، لطایف، اشعار و افسانه‌های آمیخته با لهجه و گویش محلی نوعی از ابزار انتقال دانش و تعامل اطلاعات انسان‌ها هستند که بخشی از زبان محسوب می‌شوند. این عناصر به چهارچوب‌های زبان می‌مانند که نسل‌ها را به هم متصل می‌کنند. مشرف بر این هستیم که زبان در حال تغییرات بزرگ و نگران‌کننده‌ای است. برخی از این تغییرات عبارت‌اند از: ورود واژه‌های تازه در قلمرو زبان، اصرار برخی خانواده‌ها به آموزش فرزندان خود به واژگان غیرایرانی، امتناع آن‌ها از آموزش گویش‌های محلی و در نتیجه فراموشی گویش‌ها در مناطق گوناگون به دلایلی چون شهرنشینی نسل جدید و استفاده از زبان بدون گویش و لهجه توسط آن‌ها. بی‌توجهی به این تغییرات خسارت‌هایی هویتی را به زبان می‌زند. اگر دیر اقدام کنیم، گوشه‌ای از فرهنگ خود را به نحوی جبران‌ناپذیر از کف خواهیم داد.

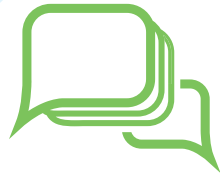
چه شایسته است همت کنیم فاصله‌ی فرهنگی‌ای را کمرنگ کنیم که مابین نسل‌ها در شرف اتفاق است. بدون شک آموزگاری که زبان فارسی را آموزش می‌دهد دغدغه‌ی

حفظ گویش‌ها و لهجه‌های آن را دارد. بر ماست که فرصت‌های آموزشی را برای دانش‌آموزان به‌گونه‌ای به وجود آوریم که این دغدغه را پوشش دهند. می‌توانیم در کلاس‌های درس افرادی را از نسل گذشته دعوت کنیم تا داستان‌های قدیم را با همان لهجه و گویش منطقه برای فرزندانمان بازگو کنند. می‌توانیم با تهیه‌ی مواد کمک‌آموزشی مثل فیلم، فایل موسیقی محلی و خواندن درس‌ها با لهجه‌های متنوع شهرهای متعدد، نمایشگاه، موزه و تألیف آثاری مشتمل بر فرهنگ و تاریخ و ادبیات همان منطقه نیز بر این مهم مبادرت بورزیم. همچنین می‌توانیم در کنار آموزش متمرکز با هدف پویایی و حفظ زینت زبان رسمی، در هر منطقه، آموزش غیرمتمرکز را به‌صورت مجزا، در هر خطه، در راستای هم داشته باشیم.



در صورت اصرار بر آموزش متمرکز بنده نیز پیشنهادی دارم که بیان آن خالی از لطف نخواهد بود. باشد که کارگزاران این مهم در دفتر تألیف، به‌خصوص برای دوره‌ی ابتدایی، با بررسی این طرح به نتیجه‌های کارآمدی دست پیدا کنند.

به عقیده‌ی بنده برای رفع این نگرانی و جلوگیری از شکاف فرهنگی می‌توان از رسانه بهره‌ی خوبی برد. همان‌طور که از پوشه‌های صوتی درس‌ها در کلاس استفاده می‌شود، می‌توان برای هر درس، در هر پایه، پوشه‌ای دیگر با گویش یک قوم تدارک دید؛ مثلاً در پایه‌ی ابتدایی برای درس فارسی هفده درس

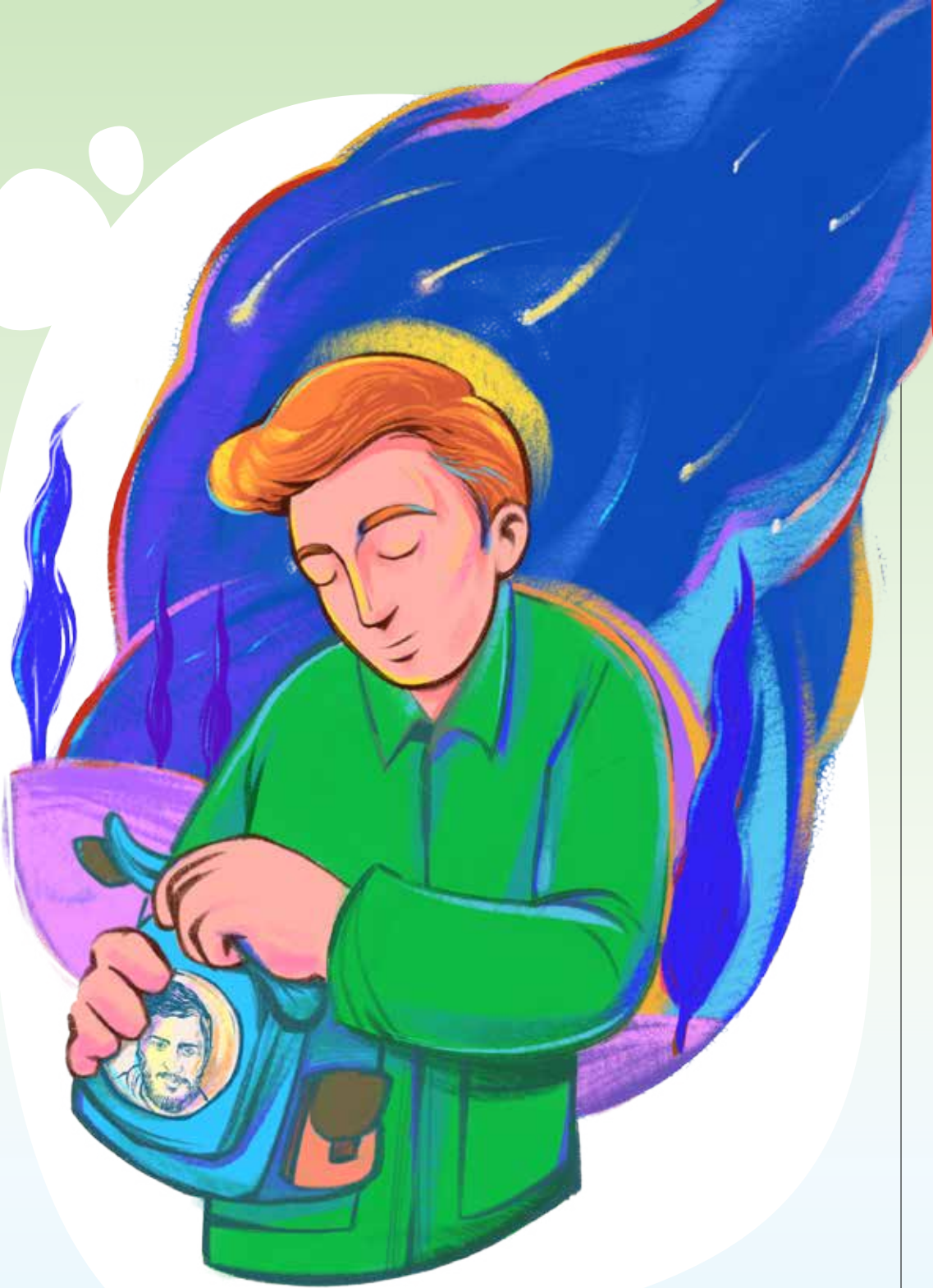


داریم. با بررسی اقوام ایرانی و گویش‌های آن می‌توان تصمیم گرفت برای هر درس یک گویش در نظر گرفت و روخوانی متن درس را با همان گویش انجام داد که منجر به معرفی آن قوم می‌شود. با یک طرح‌ریزی مدون به‌صورت طولی می‌توان هم به شناخت دانش‌آموزان از قومیت‌های متنوع ایران کمک کرد و هم لذت یادگیری بیشتری را با پخش این گویش‌ها و لهجه‌ها در کلاس ساطع کرد.

در باور بنده، وقتی دانش‌آموزان ابتدایی به منظور به‌ذهن‌سپاری طریقه‌ی درست‌نویسی یا روخوانی روان‌تر به تکرار روخوانی‌های پی‌درپی می‌پردازند، رویه‌ای کسل‌کننده و محدودکننده را می‌پیمایند. دانش‌آموزان نسلی که ما با آن‌ها در ارتباطیم، به دنبال تنوع و جذابیت هستند و باید به نیاز آن‌ها پاسخ داد. زمانی که تکرار و روخوانی درس چندین جلسه صورت بگیرد، از نشاط کلاس کاسته می‌شود؛ اما پخش یک پوشه‌ی صوتی متفاوت، برای پویایی و گیرایی هر چه بیشتر، قطعاً پرتأثیر خواهد بود.

درخور تحسین است، اگر ما که سنگینی این مهم را به دوش می‌کشیم، حلاوت و حفظ زبان را به‌نحوی شایسته به نسل جدید بچشانیم. پس بین همت‌ها کربین (پس بیاید همت بکنیم).





ماژیک قرمز این کلمات را نوشت. سپس ادامه داد: «کی می‌دونه فداکاران چه کسانی‌اند؟» حسین دست بلند کرد: «فداکاران مثل حضرت علی (ع) یا امام حسین (ع)». علی گفت: «پارسال خواندیم ریزعلی یا حسین فهمیده». معلم گفت: «درسته؛ ولی فداکار به چه کسی گفته می‌شه؟» جواد گفت: «کسی که ایثار کنه، کار بزرگی انجام بده». علیرضا ادامه داد: «وقهرمانه». آقای فاطمی جواب‌ها را شنید. جلوی کلاس ایستاد. مکشی کرد. همه‌ی بچه‌ها به دهان معلم زل

سید محمد فاطمی

دبیر دبیرستان استثنایی نور،
جرقوبه اولیا اصفهان



معلم کلاس، آقای فاطمی، گفت: «بچه‌ها، توجه کنید! اسم درس امروزمون سفره‌ی رنگینه. اما قبل از شروع تدریس، من می‌خوام در مورد چند کلمه‌ی مهم و کلیدی صحبت کنم: فداکاران، جبهه، شهید». آقای فاطمی با

او قهرمان است

آیندازی

اسفندماه

دوره‌ی بیست و هفتم
شماره‌ی ۶ | ۱۴۰۲

۴۰

زده بودند: «عزیزان من، فداکاران همان‌هایی‌اند که برای این کشور و ملت جانشون رو فدا کردن تا ما امنیت داشته باشیم. شهدایی مثل حسین فهمیده‌ها، حججی‌ها، خرازی‌ها، قاسم سلیمانی‌ها و هزاران شهید دیگر.»

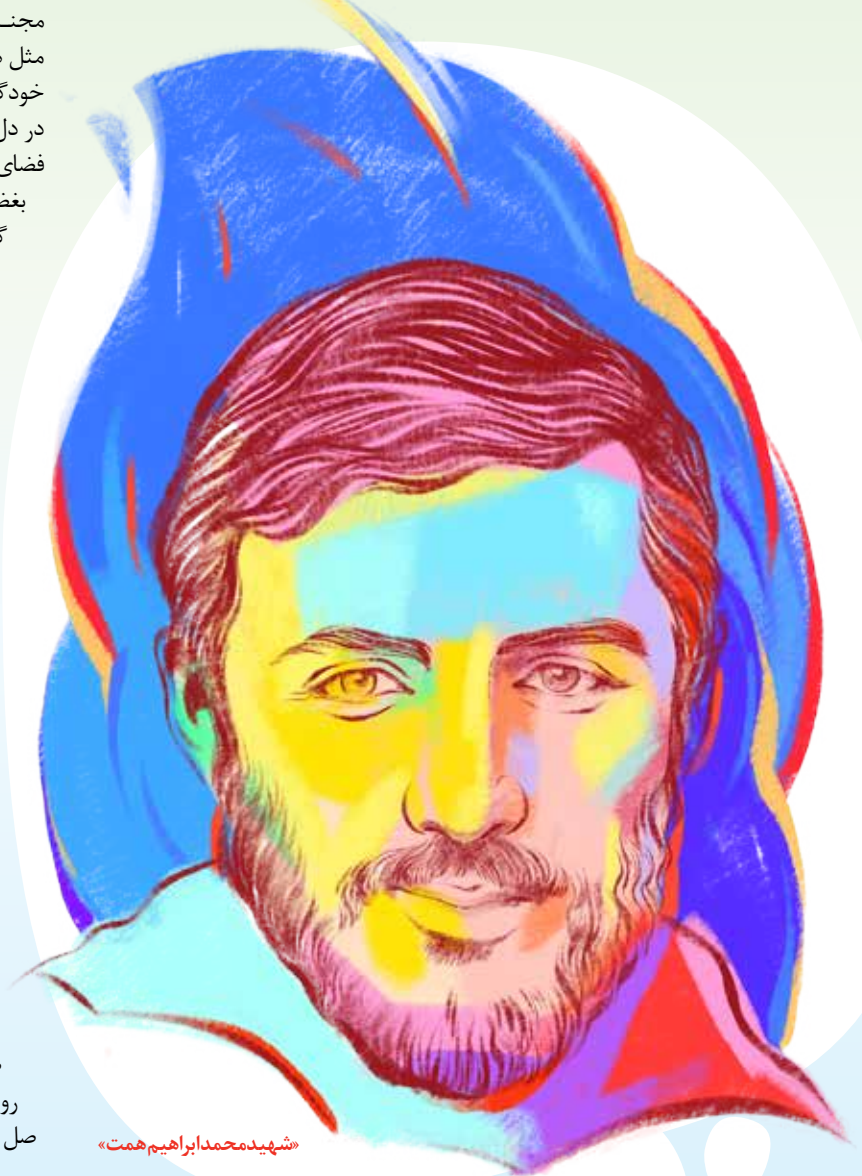
آقای فاطمی ناگهان به سمت میز تحریر رفت و برگه‌ای برداشت. صدای پیچ‌بچه‌ها کم‌کم شنیده می‌شد. جواد گفت: «آقا، اون برگه چیه؟ اجازه، می‌شه پشت برگه رو نشون بدید؟» همه‌ی حواس‌ها به معلم بود. همه منتظر بودند. معلم عکسی را نشان داد و گفت: «می‌دونید این شخص کیه؟» هر کسی چیزی گفت. معلم می‌خواست بچه‌ها نام او را بگویند. همه چشم‌انتظار بودند. سکوت همه‌جا را فرا گرفت. رضا گفت: «یادم اومد. شهید همته. پارسال که از شیراز می‌اومدیم، بر سر

مزار او کنار امامزاده شهرضا رفتیم و فاتحه خواندیم.» آقای فاطمی گفت: «احسنت! درست گفتی. درس سفره‌ی رنگین خاطره‌ای از سرگذشت این شهید فداکاره. حالا کتاب رو باز کنید. احمد، روی درس رو بخون.»

حاج همت خسته از راه رسید و با هم‌زمانش کنار سفره نشست تا غذا بخورد. اولین قاشق غذا را برداشت. پرسید: «بسیجی‌ها شام چه می‌خوردند؟» یکی از بچه‌ها گفت: «باقالی‌پلو.» حاجی کمی سکوت کرد و گفت: «با تن ماهی؟» کسی که غذا را آورده بود گفت: «قرار است فردا برای نهار به آن‌ها تن ماهی بدهند.» حاجی تا این جمله را شنید، قاشق غذا را داخل ظرف خالی کرد و گفت: «پس من هم فردا تن ماهی می‌خورم.» آقای فاطمی گفت: «عزیزان من، کتاب‌ها

رو ببینید و چشم و گوش‌تون رو به من بدهید. این خاطره‌ای بود از شهید عزیز ما. نامش محمدابراهیم بود. در پنج‌سالگی نماز می‌خواند. استعداد فوق‌العاده‌ای داشت. مجبور بود برای تأمین مخارج تحصیلش کار کند. بعد از گرفتن دیپلم به سربازی رفت و از عقاید امام آگاه شد. بعد شغل معلمی رو انتخاب کرد. در سال ۱۳۶۱ برای مبارزه با دشمن به جبهه رفت و فرماندهی لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) شد. این سردار دلاور در آخرین روزهای سال ۶۲ در عملیات خیر در اثر اصابت گلوله‌ی توپ در حوالی جزیره‌ی مجنون سر از بدنش جدا شد و به درجه‌ی رفیع شهادت نائل آمد. در جایی شهید شد که به هم‌زمانش گفته بود یا همگی اینجا شهید می‌شیم یا جزیره‌ی مجنون را نگه می‌داریم. بله. شهیدانی مثل همت با جوانمردی‌ها و دلاوری‌ها و از خودگذشتگی‌هاشون، برای همیشه‌ی تاریخ، در دل این مردم جاودانه شدند.»

فضای عجیبی کلاس را فرا گرفته بود؛ مثل بغضی در گلو یا اشکی در چشم. حسین گفت: «پسرعموی من هم شهید شده. شهید مدافع حرم. یه بچه‌ی کوچیک هم داره.» سر کلیدی را که به کیفش بود، نشان داد. عکس شهید بود. آقای فاطمی گفت: «زمان جنگ از همین کوچه و محله‌ها به جبهه رفتند تا از این سرزمین دفاع کنند. عده‌ای جانباز، بعضی مفقود و بعضی هم شهید شدند.» احمد گفت: «مادری از اقوام ماست که هنوز گریه می‌کنه و می‌گه بچه‌م نیومد. آخه او مفقودالتر شده. می‌خواست ازدواج کنه.» فضای عجیبی کلاس را فرا گرفته بود. سه‌چهارم زنگ رفته بود؛ ولی کسی گذشت زمان را حس نمی‌کرد. معلم می‌خواست آخرین دقایق کلاس را با پاسخ به این سؤال که وظیفه‌ی ما در قبال این فداکاران و شهدا چیست، تمام کند. هر کسی چیزی گفت و معلم هم تأیید کرد؛ باید راهشان را ادامه دهیم، وصیت‌نامه‌ی آن‌ها را بخوانیم و به یادشان باشیم، حتی با ذکر یک صلوات. دانش‌آموزان همگی برای شادی روح شهدا بلند صلوات فرستادند: «اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجه‌م»



«شهید محمدابراهیم همت»

مدرسه‌ی پرندگان



امیر محمد خاکی گودرزی
مدیر آموزگار منطقه‌ی
اشترینان، لرستان

شاید برخی از ما نیز مانند بسیاری از دیگر انسان‌های ساکن در این کره‌ی خاکی ناخودآگاه عقاید و باورهایی را که ریشه در خرافات دارند، به نوعی پذیرفته‌ایم. آیا آخرین باری را که از نگاه کردن به گربه‌ی سیاه پرهیز کرده‌اید یا به تخته زده‌اید به خاطر می‌آورید؟ این‌ها همان باورها و عقاید خرافی هستند که از گذشته‌های دور از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌اند. تعدادی از این باورها جنبه‌ی محلی و قومی دارند و در حیطه‌ی یک جغرافیای خاص شناخته می‌شوند. برخی دیگر از این نوع اعتقادات، مثل اعتقاد به نحسی عدد سیزده، جنبه‌ی

بین‌المللی دارند. خرافات چیزی جز اخبار، اعمال و عقیده‌های بی‌اساس و باطل نیستند (فضایی، ۱۳۷۷) که قرآن مبارزه با آن‌ها را یکی از اهداف پیامبر می‌داند؛ مثلاً در سوره‌ی اعراف آیه‌ی ۱۵۷ آمده است: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (همین‌طور، بار سنگین تکالیف دشوار را از دوششان برمی‌دارد و از قید خرافات و قوانین من‌درآوردی و دست‌وپاگیر رهایشان می‌سازد). منظور از اغلال (غل و زنجیرها) در این آیه به یک تعبیر همان اوهام و خرافاتی است که دست و پای اعراب دوران جاهلیت را بسته بود (صفایی و همکاران، ۱۳۸۸). از این‌رو، معلمی که شغل خود را منتسب از شغل انبیا می‌داند، وظیفه دارد اوهام و خرافات را از دانش‌آموزان خود که ثروت‌های

انسانی جامعه‌ی آینده‌اند، بزداید. داستان شنیدنی «مدرسه‌ی پرندگان» می‌تواند نمونه‌ی یک تجربه‌ی موفق در مبارزه با خرافات باشد.

با به‌صدادرآمدن زنگ تفریح، صدای هیاهوی دانش‌آموزان بلند شد. بچه‌ها با شور همیشگی به سمت حیاط می‌دویدند. من هم برای استراحت به دفتر مدرسه رفتم. چند لحظه‌ای از احوالپرسی با همکاران می‌گذشت که صدای برخورد یک سنگ با شیشه‌ی دفتر آمد. ابتدا توجهی نکردیم؛ اما صدای برخورد سنگ‌ها زیاد شد. این بار نه یک سنگ بلکه چندین سنگ با هم. بی‌درنگ به حیاط مدرسه رفتم. تمام دانش‌آموزان پشت پنجره‌ی دفتر مدرسه جمع شده بودند و می‌گفتند: «بزیدش... بزیدش... شومه... شومه...».

با دیدن من دانش‌آموزان برای چند لحظه از پرتاب سنگ دست کشیدند. وقتی من با صدای بلند گفتم چه خبر است، همگی به سمت من آمدند.

– آقا نگاه کنید! جغه! شومه!

– الان نحسی‌ش مدرسه‌ی ما رو هم می‌گیره.

– معلوم نیست چه بلایی سر مدرسه و دوستانمون می‌آد.

از طرف دیگر حیاط، دانش‌آموزی فریاد می‌زد و می‌گفت: «باید منتظر باشیم و ببینیم در چند روز آینده چه بلایی سرمون می‌آد.»

همه‌ی دانش‌آموزان را به صف کردم و گفتم: «چند سؤال دارم. هر کس به سؤالاتم پاسخ صحیح بدهد، جایزه می‌گیرد.» همه سراپا گوش شدند.

– سؤال اول؛ چه کسی گفته جغد شوم است؟

فریاد دانش‌آموزان بلند شد. یکی گفت پدرم و دیگری گفت مادرم و بقیه سایر اعضای خانواده‌هایشان را نام بردند. سؤال دوم را پرسیدم: «پدران و مادران و... از کدام کتاب این مطلب را خوانده‌اند یا کدام دانشمند این حرف را زده؟» دیگر صدایی نیامد. این بار سؤال سوم را محکم‌تر پرسیدم: «آیا می‌شود خدای مهربان موجودی را با یک ویژگی بد بیافریند تا دیگر موجودات مثل شما با او بد رفتار کنند؟»



معلوم بود همه به فکر فرو رفته‌اند. بچه‌ها همگی متوجه اشتباه خود شده بودند. یکی از دانش‌آموزان گفت: «اما آقا، ما سال‌هاست که از بزرگ‌ترای خود این‌طور شنیده‌ایم.» من در پاسخ گفتم: «آیا امکان ندارد همه اشتباه کنند؟! آیا شما هرچه شنیده‌اید باید سریع بپذیرید؟ پس تفکر برای چیست؟» بعد هم چند دقیقه درباره‌ی باورهای غلط که به آن‌ها «خرافات» گفته می‌شود با دانش‌آموزان صحبت کردم.

یکی از دانش‌آموزان گفت: «ما در مورد جغدها اشتباه فکر می‌کردیم؛ اما حالا که مرتکب اشتباه شده‌ایم، باید چگونه جبران کنیم؟ ما که با سنگ، جوری جغدها را فراری دادیم که امکان ندارد دیگر برگردند.» به دانش‌آموزان پیشنهاد برگزاری یک مسابقه دادم. مسابقه از این قرار بود هرکس یک لانه‌ی زیبا برای جغد بسازد و به مدرسه بیاورد. قرار شد به زیباترین کار هدیه بدهیم. از روز بعد حیاط مدرسه و دیوارهای اطراف پر از لانه برای جغد فراری شد. می‌دیدم که دانش‌آموزانی که تا دیروز سایه‌ی جغد را با سنگ می‌زدند، امروز منتظر این بودند تا جغد به لانه‌هایی که برای آن‌ها ساخته‌اند بیاید. تقریباً یک هفته گذشت. خبری نشد و دانش‌آموزان بسیار مأیوس شدند. یک روز در کلاس مشغول درس‌دادن بودم که یک دانش‌آموز با فریاد در کلاس را زد:

– بچه‌ها بیایید، جغد برگشته...

وقتی به حیاط رفتیم، دیدیم جغد در یکی از چندین لانه نشسته است. با دیدن این صحنه دوباره شور و غوغا به مدرسه برگشت. چند روز بعد، بچه‌ها دوباره دوان‌دوان به دفتر آمدند و گفتند: «آقا، جغد جوجه‌های خودش را هم آورده...!»

این بار از دانش‌آموزان خواستم دورریزهای غذای خود را در کنار لانه‌ها بگذارند تا جغدها غذا داشته باشند. پس از گذشت نزدیک به یک ماه، تعداد جغدها تا هشت عدد رسید. این پایان کار نبود؛ از آنجا که غذا و لانه‌ها در مدرسه زیاد شده بود، کبوترهایی مانند کبوتر چاهی، سهره و... نیز به مدرسه‌ی ما آمده بودند. حتی یک روز در حالی که با بچه‌ها مشغول ورزش بودیم، یک شانه‌به‌سر روی دیوار مدرسه مشاهده کردیم. امروز دانش‌آموزان ما آرزو دارند مدرسه‌ی ما مانند یک باغ پرندگان باشد و پرندگان مانند آن‌ها در فضای امن به مدرسه بیایند.



همراه بارشد

بررسی مجلات رشد کودک، نوآموز و دانش آموز



محمد رضا رشیدی

خلاصه‌ای از قصه‌درس‌ها به همراه مفاهیمی که از کتاب‌های درسی برای این قصه‌ها انتخاب شده و همچنین بخش‌هایی از مجله که داخل قصه‌درس‌ها در شماره‌ی بهمن آمده، به شرح ذیل اند:

مجله‌ی رشد نوآموز

خلاصه‌ی قصه‌درس: خبر آماده‌شدن زمین دماوند، برای ساخت خانه، پونه و پیمان را حسابی خوش حال می‌کند. آن‌ها با دیدن نقشه‌ی خانه که یکی از دوستان مهندس بابا کشیده است، به این فکر می‌افتند که نقشه‌ی خانه‌ی دماوند را خودشان بکشند. پیمان دست به کار می‌شود؛ ولی...

مفاهیمی که از کتاب‌های درسی انتخاب شده‌اند:

- هدیه‌های آسمان پایه‌ی دوم، درس ۱۵، «بچه‌ها سلام».
- علوم تجربی پایه‌ی دوم: درس ۱۰، «درون آشیانه‌ها؛ خارج از کلاس» صفحه‌ی ۷۱.
- علوم تجربی پایه‌ی دوم، درس ۱۰، «درون آشیانه‌ها، گفت‌وگو کنید»، صفحه‌ی ۷۳.
- ریاضی پایه‌ی سوم، «مساحت؛ اندازه‌ی سطح»، صفحه‌ی ۸۸.
- مطالعات اجتماعی پایه‌ی سوم، درس ۱۵، «خانه‌ها با هم تفاوت دارند».
- مطالعات اجتماعی پایه‌ی سوم، درس ۱۶، «خانه‌ی شما چه شکلی است؟»

مجله‌ی رشد کودک

خلاصه‌ی قصه‌درس: امیرمحمد و ریحانه بازی تازه‌ای یادگرفته‌اند که تلفیقی از ادابازی و نقاشی است. یک بار این بازی را در مورد حیوانات انجام داده‌اند و این بار می‌خواهند بازی را با موضوع مشاغل انجام دهند، اما در بین بازی...

مفاهیمی که از کتاب‌های درسی انتخاب شده‌اند:

- فارسی پایه‌ی اول، درس‌های ۱۶-۱۷-۱۸-۱۹، استفاده از کلماتی که نشانه‌ی (، ص، ذ، ع، ح) را دارند.
- علوم، درس ۱۲، «از خانه تا مدرسه؛ انواع وسایل حمل‌ونقل».

بخش‌هایی از مجله که داخل قصه‌درس آمده‌اند:

- ساخت کاردستی؛ چسبانه کاری (کلاژ).

از بزرگ بزرگ‌ترها!

آن روز صبح او صدای مریض بودن حال پدیده را شنید. پدیده به پدرش گفت که او بیمار است و باید به بیمارستان برود. اما پدرش گفت که او یک معلم است و نمی‌تواند از مدرسه غایب شود. پدیده با ناراحتی به پدرش گفت که او نمی‌تواند در مدرسه بماند و باید به بیمارستان برود. پدرش با او صحبت کرد و به او توضیح داد که او باید در مدرسه بماند و به معلمانش کمک کند. پدیده با ناراحتی به پدرش گفت که او نمی‌تواند در مدرسه بماند و باید به بیمارستان برود. پدرش با او صحبت کرد و به او توضیح داد که او باید در مدرسه بماند و به معلمانش کمک کند.



پدیده از آن روز به بعد در مدرسه باقی ماند و به معلمانش کمک کرد. او با ناراحتی به پدرش گفت که او نمی‌تواند در مدرسه بماند و باید به بیمارستان برود. پدرش با او صحبت کرد و به او توضیح داد که او باید در مدرسه بماند و به معلمانش کمک کند.



پدیده از آن روز به بعد در مدرسه باقی ماند و به معلمانش کمک کرد. او با ناراحتی به پدرش گفت که او نمی‌تواند در مدرسه بماند و باید به بیمارستان برود. پدرش با او صحبت کرد و به او توضیح داد که او باید در مدرسه بماند و به معلمانش کمک کند.

مجله‌ی رشد دانش آموز

خلاصه‌ی قصه‌درس: این بار هم قصه‌درس مجله‌ی دانش‌آموز با ماجراجویی‌های عجیب و غریب حلما و صدرا همراه است، از تصمیم برای نویسنده‌شدن و پیدا کردن معلم پیر و بازنشسته‌ی پدر و دایه‌شان تا پیدا کردن قهرمان جنگل.

مفاهیمی که از کتاب‌های درسی انتخاب شده‌اند:

- علوم تجربی پایه‌ی ششم، درس ۱۲، «جنگل برای کیست؟».
- فارسی پایه‌ی چهارم، درس ۱۲، «دوست بچه‌های خوب».
- هدیه‌های آسمان پایه‌ی چهارم، درس ۱۷، «آقای بهاری، خانم بهاری».

آیندازی

اسفندماه

دوره‌ی بیست و هفتم

شماره‌ی ۶ ۱۴۰۲

۴۵

بابا نبود، دلم لرزید



مریم رسولی

مدیر مدرسه‌ی ابتدایی

پسرانه‌ی شهید چمران، ناحیه‌ی

دو، شهری

جمع کنیم و با ماشین پدرم به باغ یکی از اقوام برویم. آخر پدرم می‌گوید: اگر در خانه بمانیم، خطرناک است.» تلفن مطهره که قطع شد، دلم هوای پدر را کرد. با خودم گفتم: «اگر بابای من هم اینجا بود، حتماً ما را به جایی می‌برد.» پیش مامان رفتم و گفتم: «مامان، مطهره با خانواده‌اش می‌خواهند به باغ یکی از اقوامشان بروند، ما جایی نمی‌رویم؟» مامان گفت: «آخر دخترم، در این هوای سرد و تاریک، بدون بابا کجا می‌توانیم برویم؟» وارد اتاق خوابم شدم. عکس بابا را که روی دیوار اتاقم بود، نگاه کردم و گفتم: «بابا، ای کاش امشب اینجا بودی!»

چند تکه لباس داخل یک کیف کوچک گذاشتم و رفتم جلوی در خانه ایستادم. مامان گفت: «به سلامتی کجا؟» به مامان نگاهی کردم و گفتم: «می‌خواهم بروم بیرون، آخر نمی‌خواهم بمیرم. مامان، من بچم و کلی آرزو دارم.» مامان خندید و گفت: «خدا نکند بمیری!» در حال صحبت با مامان بودم که تلفن دوباره به صدا درآمد. دایمی حامد بود. از مامان می‌خواست آماده شویم تا به دنبالمان بیاید. می‌گفت خطرناک است در خانه بمانیم. ابتدا، مامان که خیلی تعارفی بود، قبول نمی‌کرد؛ اما دایمی حامد هم به شوخی گفت: «نه بابا، حاضر شو. الان می‌آیم دنبالتان. خدای نکرده خانه روی سرت خراب می‌شود و شوهرت می‌گوید: من مأموریت بودم و هیچ‌کس به فکر زن و بچه‌ی من نبود. حالا یکی باید جواب او را بدهد.» دایمی خیلی زود رسید. تا به حال آن قدر از دیدن او خوش‌حال نشده بودم. انگار جای خالی بابا را برایم پر کرده بود. با دایمی به خانه‌ی مادر بزرگ رفتیم.

سال ۱۳۹۶، بابا برای بار ششم عازم سوریه شده بود. من و مامان دوباره تنها شده بودیم. یادم می‌آید، چهارشنبه ۲۹ آذر، مامان در آشپزخانه مشغول پخت غذا بود و من هم جلوی تلویزیون نشسته بودم و تکلیف‌هایم را می‌نوشتیم که ناگهان احساس کردم از سقف صدایی می‌آید. سرم را بالا گرفتم و دیدم نورافشان (لوستر) می‌لرزد. قضیه را که به مامان گفتم، سریع به سمت اتاق آمد تا ببیند من چه می‌گویم. ناگهان با وحشت چادر رنگی‌اش را روی سرش انداخت و دست مرا گرفت و به سمت بیرون برد. سردرگم شده بودم. معنای کارهای مامان را نمی‌فهمیدم. با صدای بلند گفتم: «مامان، چی شده؟» مامان بی‌توجه به حرف‌های من سریع در را باز کرد و من را به سمت کوچه برد. داخل کوچه، کلی آدم وحشت‌زده دیدم که با وجود سرمای هوا همه با لباس‌های خانگی به کوچه آمده بودند. تازه متوجه شدم که زلزله آمده است. نیم‌ساعتی در همان هوا، بدون هیچ لباس گرمی، ایستادیم. مامان می‌ترسید من سرما بخورم، به خانه برگشتیم. داخل که شدیم، بوی سوختگی تمام خانه را پر کرده بود. مامان به سمت آشپزخانه دوید و گاز را خاموش کرد. بعد هم با وجود سرمای هوا پنجره‌ها را باز کرد تا دود از خانه خارج شود. همین موقع‌ها بود که صدای زنگ تلفن به صدا درآمد. هم‌کلاسی‌ام مطهره پشت خط بود. باهیجان گفت: «دیدنی زلزله آمد؟» گفتم: «بله، تا همین الان هم در کوچه بودیم.» مطهره گفت: «ما هم همین‌طور. الان آمده‌ایم خانه تا وسایلمان را

مادربزرگ ساک بزرگی را پر از لباس و کنسرو آماده کرده و جلوی در ورودی گذاشته بود. مادربزرگ قیافه‌ی متعجب مامان را که دید، گفت: «دختر، برای زلزله آماده شده‌ام. اگر اتفاقی بیفتد، حداقل مقداری غذا و لباس داشته باشیم.» مامان خندید و گفت: «چقدر قضیه جدی شده است!»

جلوی خانه‌ی مادربزرگ، باغی وجود داشت که همسایه‌ها در آنجا آتش روشن کرده و همه دور آن نشسته بودند تا گرم شوند. بچه‌ها هم مشغول بازی بودند. چقدر خوش حال بودم که اگر بابا نیست، حداقل خانه‌ی مادربزرگ هستم. مادربزرگ دست مرا گرفت، به سمت باغ برد و کنار آتش نشانند. آن شب، تا دیر وقت، کنار مادربزرگ در کوچه نشستیم و کلی هم با بچه‌ها بازی کردم. شب به نیمه رسیده بود که همسایه‌ها خسته شدند و یکی یکی به خانه‌هایشان رفتند. مادربزرگ هم من را که روی پایش خوابم برده بود، بغل کرد و به خانه آورد. نزدیک اذان صبح بود که تلفن همراه مامان زنگ خورد. مامان با نگرانی تلفن را برداشت. بابا پشت خط بود. از صدایش معلوم بود که او هم خیلی نگران شده است. با عجله، بدون سلام و احوالپرسی گفت: «خوبید؟ اتفاقی که نیفتاده؟ دیشب در اخبار شنیدم، تهران زلزله آمده، خیلی نگران شدم. خواستم زودتر تماس بگیرم؛ اما بدموقع بود. می‌دانستم برای اذان صبح بیدار هستید، برای همین الان تماس گرفتم.» مامان خندید و گفت: «نه بابا، خیالت راحت. همه صحیح و سالمیم.»





نگاه کردم. سری تکان دادم و یاد جمله‌ی بچه‌ها افتادم که گفتند: «خانم، اومدیم کمک.» ناخودآگاه لبخندی زدم و خواستم برای مرتب کردن گلدان بروم که با صدای بچه‌ها ایستادم: «خانم، خانم، تا ما هستیم، شما چرا؟! دست به هیچی نزنین. خودمان کمک می‌کنیم.» تازه فهمیدم بچه‌ها به دنبال وسایل رفته بودند تا تکه‌ها و خاک گلدان را جمع‌آوری کنند. با دقت کارهایشان را زیر نظر داشتم. واقعاً برای خودشان مردی شده بودند. بلند گفتم: «مردان کوچک، خدا قوت!»

دانش‌آموزان به مدرسه آمده بودند. با تعجب به استقبالشان رفتم و دلیل آمدنشان به مدرسه در روز تعطیل را پرسیدم. بهنام با لبخند گفت: «خانم، اومدیم کمک. ببینید چه زوری دارم!» و اشاره‌ای به بازوهای کوچکش کرد. از آن‌ها تشکر کردم و گفتم: «همین که اومدین و به من سر زدین، خستگی م‌رفت.» در حال گفت‌وگو بودیم که ناگهان پایه‌ی گلدانی رها شد. اصلاً توقع این اتفاق را نداشتم. تازه ده دقیقه بود که دفتر مدرسه را مرتب کرده بودم. یک لحظه چشم از گلدان گرفتم و به جای خالی بچه‌ها

مردان کوچک

پروانه بهمنی

مدیر مدرسه‌ی ابتدایی، اصفهان

امروز هم، مثل چند روز قبل، در ساعت غیرکاری در مدرسه مشغول کار بودم تا هرچه زودتر آنجا را آماده‌ی ورود دانش‌آموزان کنم. در همین حین، سروصدای آشنایی به گوشم رسید. بیرون را نگاه کردم، چند تا از

آینوی

اسفندماه

دوره‌ی بیست‌وهفتم

شماره‌ی ۶ | ۱۴۰۲

۴۸



عکاس: احسان ساگرپنسی، تنظیم: دودیه جیشوری، مدل: دوسالانه و عکس و تصویرگری: زینب



قطره قطره جمع گرددیم

رهبر انقلاب اسلامی:

همه‌ی آحاد مردم، تک‌تک آحاد مردم خودشان را موظف بدانند که علاوه بر اینکه در انتخابات شرکت میکنند دیگران را هم به شرکت در انتخابات دعوت کنند! این، توصیه کردن به حق است.

۱۴۰۰/۰۳/۱۴

ایران
انتخابات